# هرات باستان

(الرغونی هرات)

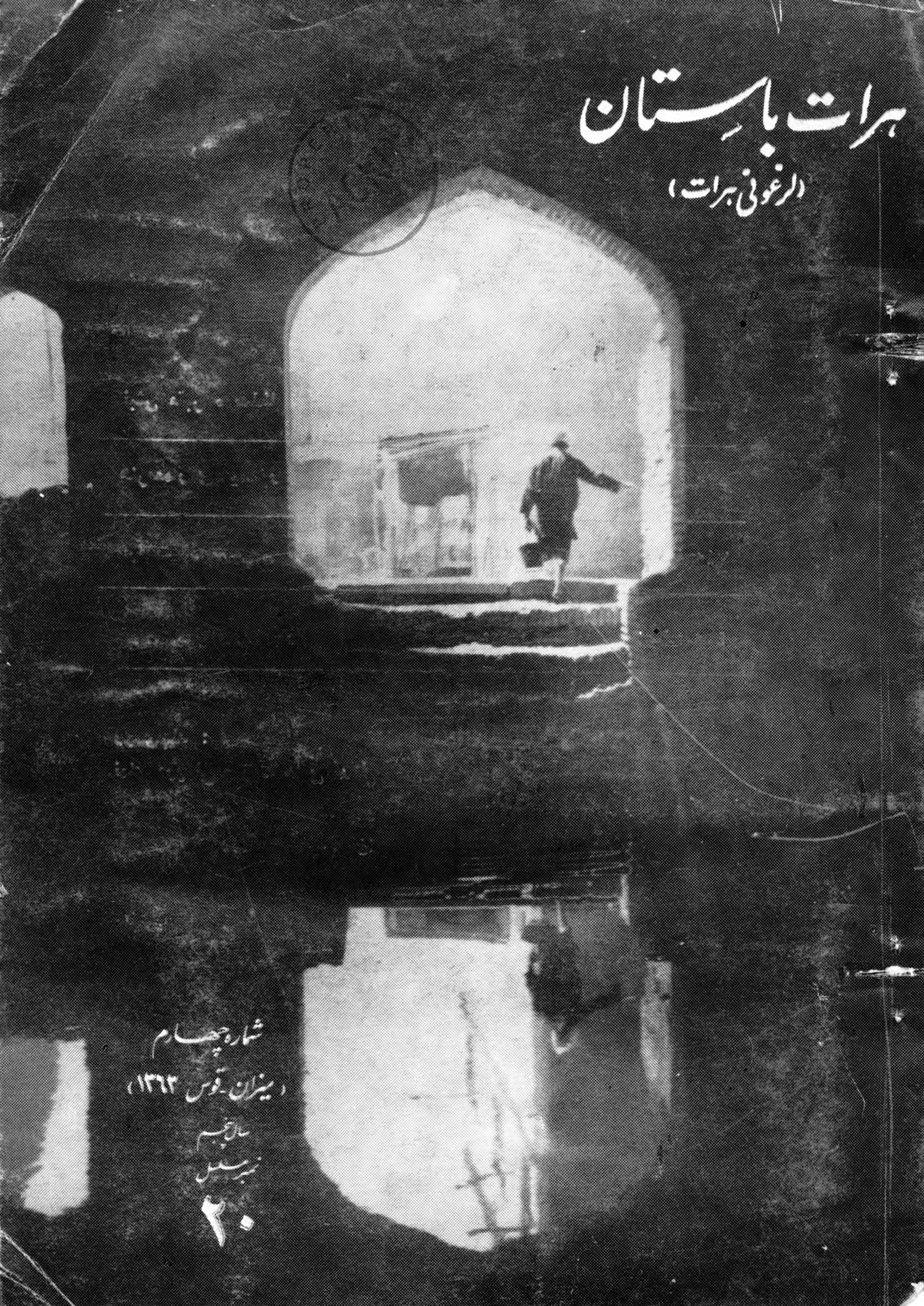

شماره چهارم
(میزان - قوس ۱۳۶۳)
سال پنجم
نمبر مسلسل
۲۰

# دراین شماره


| | | |
|---|---|---|
| نبش مقبر ه سلطا ن حسین | مرحو م استاد فکر ی | صفحه ۱ |
| هنرمعمار ی تیمـور یـــا ن | انجنیر شکیب سالك | صفحـه ٥ |
| هرا ت از نظـرجها نگـــر دان | پوهاند داکتر صد یقی | صفحه٣٤ |
| حوضها ی سر پو شید ههرا ت | مسعود رجـــا یـــی | صفحـه٤٥ |



رو ی جلد :
نمای درو نی و زینه ها ی مدخل
حوض سر پو شیده ملك در شهر
کهنه هرات .(مربوط صفحه٧٤متن)

اکادمی علوم ج ـ د ـ افغانستان
ریاست باستان شناسی و کوشانی
آمریت پروژه بین المللی هرات
نشریه سه ماه مدیریت ریزرج

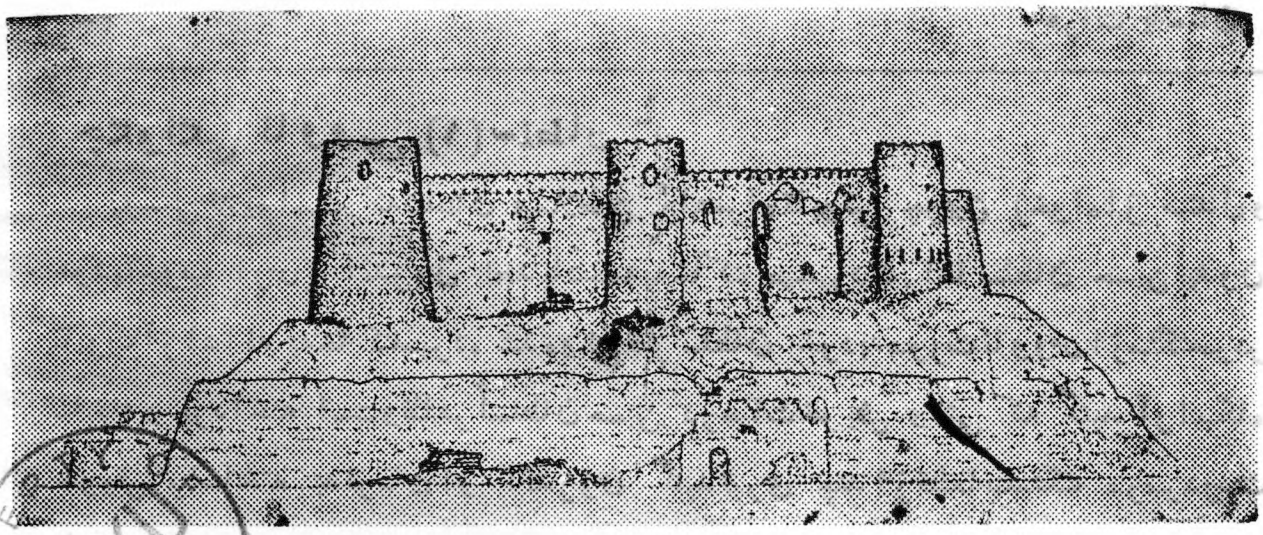

PROPERTY OF ACKU

# هرات باستان

شمارهٔ چارم (میزان-قوس ۱۳۶۳) سال پنجم نمبر مسلسل ۲۰ تاریخ تأسیس حوت ۱۳۵۸

## از یادداشت های مرحوم استاد فکری سلجوقی

# نبش حریصانهٔ مقبرهٔ سلطان حسین با یقرا

اخیراً ورق پاره هایی چند از یادداشت های ارزشمند مرحوم استاد فکری سلجوقی بدست آمد که با عنوان «چگونگی نا ووس سلطان:» حاکی از نبش و کاوش حریصانه مقبره سلطان حسین با یقرا پادشاه معروف عصر تیموریان هرات است.

این ورق پاره ها صفحات ۸۲-۸۵ یادداشت های مرحوم استاد فکری سلجوقی بوده و به گونه یی که از متن آن نیز پیداست بدون شک شرح این رو یداد غم انگیز در صفحات قبلی و بعدی آن یادداشت ها نیز دستنویس شده بوده که اگر ما را به تمامت آن ها یا اوراق دیگری از آن یادداشت ها دسترسی میبود، حقایق و مطالبی از این هم روشنتر و کافی تر در مورد نبش حریصانهٔ مقبرهٔ سلطان حسین به دست میآمد.

با آنهم همین ورق پاره های بی سروبی انجام، شگفت انگیز ترین و دلچسپ ترین مطلبی خواهد بود که تاحال در مورد مقبرهٔ سلطان حسین با یقرا در ساحهٔ خیابان هرات خوانده ایم. بنابراین اوراق دست داشته را بدون تصرف زیر عنوان «نبش حریصانهٔ مقبرهٔ سلطان حسین با یقرا» به نشر رساندیم و توجهٔ خوانندگان محترم «هرات باستان» را به خوانش این مطلب جلب میداریم.

## چگونگی ناووس (۱) سلطان :

رسمی قدیم است که شاهان وسلاطین راهمراه تابوتی چوبین (خواه از صندل و عود یا چوب ارس) اندرون لحد یا دخمه به خاک میسپردند. اما سلطان حسین بدون تابوت آزادانه به خاک سپرده شده ولی قبر سلطان خود به صورت ناووس از سنگ مرمر ساخته و پرداخته است وظاهراً سلطان حسین درحیات خویش وقتی که گنبد آرامگاه خویش راساخته به فرمان او اندرون گنبد قبری چند از قطعات سنگ مرمر درست کرده بودند .

قبر سلطان چون صندوقی مستطیل از قطعات مرمر درنهایت صفایی تراشیده و به هم با ساروج وصل شده .

همان روز که این نبش بی انصافانه به وقوع پیوسته بود عصر آن روز که باعده یی به سر قبر سلطان رفتم سنگهای روی قبر را برداشته بودند و جنازهٔ سلطان به حال رقت باری در حال سجده درآرامگاه ابدیش افتاده بود. درست پیشانی سلطان بین هردو دست او درحال سجده به خاک گذاشته و یک پای سلطان دراز و پای دیگر جمع بود و از این وضع اسکلت پیداست که به طور قطع و یقین این قبر و این استخوان از آن سلطان حسین بایقرا است زیرا که مرحوم سلطان پایش علت داشته و در پایان عمر پیوسته از درد پا رنج میبرده نکته یی که مایهٔ اعجاب است وضع دفن سلطان حسین است که به خلاف سنت اسلامی درحال سجده به خاک سپرده شده و به هیچ صورت نمیتوان قبول کرد که سلطان را به این وضع به خاک سپرده باشند مگر اینکه قبول نماییم بیچاره سلطان پس از چهل سال جهانبانی و آرامش زنده به گور شده و وقتی که به هوش آمده خودرا در مغاکی تنگ و تاریک محبوس یافته و از عجز و ناتوانی تن به مردن داده و به درگاه خدای بی نیاز سر به سجده گذاشته و کالبد تهی نموده .

این عقیده از قول خواوند میرصاحب حبیب السیر درجلد هفتم روضة الصفا

---

(۱) ناووس بروزن طاووس، پهلوی است. به معنی تابوت که از سنگ یا سفال و آبگینه میساختند و استخوان مردگان عزیزرا درآن میگذاشتند و به خاک میسپردند. شاید نعش معرب ناوس باشد . دربرهان قاطع ناووس .

استشمام وتصدیق میشود که راجع به‌وفات سلطان حسین چنین مینویسد :

«روز دیگر که به‌آب‌چشمه آفتاب‌غبار ظلمت‌ازساحت سپهردوار شسته‌شد بدن بی بدیل‌آن خاقان بی عدیل‌را که‌ازتغیر و تعفن مصؤن‌و محفوظ بود کرت دیگر غسل داده به‌صحرای‌عید گاه دارالسلطنهٔ هرات‌بردند ودرآن‌فرخنده‌مقام برجنازه رحمت‌اندازه نمازگزارده تابوت محفوف به‌رحمت‌حی لایموت‌را به‌گنبد مدرسه شریفه که جهت همین مصلحت بنا کرده‌شده بود به طریق شریعت مطهردفن کردند» (۲)

مرحوم‌سلطان‌حسین که درنهایت خشم‌وغضب به‌خیال‌در هم‌شکستن وسرکوبی محمدشیبانی که به‌قصد تسخیرخراسان لشکرآرایی کرده‌بود ازهرات‌حرکت‌نموده ودرحال پیری‌وضعف‌بنیه‌دررفتن به‌طرف دشمن سرعت میکرد وغضب وعصبیت او سربارکسالت‌وخستگی او می‌شد. تن‌ضعیف‌اوثقل این ناآرامی راتحمل‌نتوانست‌ودر عرض‌راه‌احساس بیماری کردود رمقام بابا الهی ازحدود مروالرو دبیماری شدت کردوهم درآن‌محل روزدوشنبه یازدهم‌ذیحجه به سال ۹۱۱ ق‌سکته کرد (۳) و همانجا اوراغسل‌داده‌درکفن گذاشتندوتابوت اورا به‌سرعت به‌هرات‌رسانیدندوبار دیگر کنار حوض باغ زاغان‌غسل‌دادند درحالی که‌ازتورم‌و تعفن محفوظ‌مانده بوداو را به خاک سپردند .

از جمله (که‌ازتغیر و تعفن محفوظ بود) میتوان گمان برد، بلکه یقین کرد که سلطان مرحوم نمرده بلکه در این مدت در حال ضعف و اغما بوده و درآن بیهوشی وسکته سوقت قادر به‌جنبیدن وتکلم نبوده وطبیبان آنوقت که وضع بیمار را از دست نهادن برسجسته حس میکردند چون نبض سلطان در نهایت ضعف بوده پنداشته‌اند که کارش به انجام رسیده، لهذا زنده‌اش به گور نموده اند. که

---

۲) روضة الصفا. ج۷. ص ۷۹.

۳) درروضة الصفاطبع ... چنین است ودرنسخهٔ‌خطی تام التواریخ وفات سلطان حسین آخر روزسه‌شنبه بعدازغروب شانزدهم‌ذی الحجه‌سنه ۹۱۱ درسوضع بابا الهی که‌ازتوابع باغیس است درحوالی پل‌تابان که به‌آب مرغاب بسته‌اندبه‌وقوع پیوسته. تام التواریخ نسخهٔ خطی کمیاب .

پس از ساعتی چند ، حرکات قلب به حال اصلی بر گشته به هوش می‌آید و چون خود را در آن حال می بیند به سجده میافتد ودعا وتسبیح گویان جان میدهد ومدت ۶۲ سال به حضور خدای یکتا در حال سجود میماند تادرروز مذکور یعنی روز چهار شنبه ۳ برج قوس ۱۳۳۲ مطابق ۱۷ ربیع الاول ۱۳۷۳ قمری سراورا ازاین سجدهٔ طولانی برمیدارند .

اندرون قبر سنگی سلطان پیش روی او یعنی محل نظرگاه میت به طرف قبله بین سنگ طاقی کنده شده وظاهراً آنرا برای گذاشتن تبرکاتی کنده بودند و معلوم نشد که در آن طاق چه چیز گذاشته بوده که پوسیده واز میان رفته . اما از اندرون قبر قوتی کوچکی از چوب عود و بین قوتی قمقمهٔ کوچکی از نقره به دست آمد که خالی بود و در آن چیزی به نظر نمیرسید و حاجی محمدرحیم معمار گفت آنرا از پایان پای سلطان یافته‌ام . و انگشتر یشمی ازیك تکهٔ عقیق یمانی نهایت سرخ که در نهایت ظرافت تراشیده شده چندانکه حلقه و نگین را از یک تکه عقیق در نهایت دقت‌تراشیده اند اما هیچگونه نوشته و نقشی درآن خاتم دیده نمیشد وصاف وساده وصیقلی بود ازمحل دست‌سلطان که‌در حال سجده گذاشته بود پیدا شد .ظاهراً این همان انگشتریئی است که اهل هرات آنرا به حضرت امیرالمومنین علی کرم الله وجهه منسوب میداشتند وبه‌ظن قوی یکی از تبرکات نفیس سلطان بود که باخود به گور برده ورنه حلقهٔ ازعقیق که‌سنگی کم بهاست شایستهٔ دست سلطانی بزرگ چون سلطان حسین نبوده مگر اینکه آن حلقه خاتمی متبرک بوده باشد . و ظاهراً قمقمهٔ نقره نیزظرفی بوده که‌موی مبارک‌درآن‌جای داشته ویا به عقیدهٔ بعضی موی مبارک نبوی را در گلاب غسل داده وآن گلاب را همراه سلطان دفن نموده باشند . به‌هر حال قمقمهٔ کوچک خالی بود وهیچ چیزدر آن دیده نمیشد .

استخوان مبارک سلطان در روز اول سالم به نظر میرسید اما به واسطهٔ رطوبت، پوسیده ورنگ آن نزدیک به‌قهوه یی شده بود اما تاروز دفن که آنرا به‌کفن وتابوت چوبین گذاشتند به واسطهٔ هوا رسیدگی به هم پاشید ، چندانکه مشت استخوان در هم شکسته و کوبیده شدهٔ را در کفن خریطه مانند ریختند ودر تابوت گذاشتند .

رساله ترفیع به رتبهٔ علمی معاون محقق

از : انجنیر شکیب سالک

# ویژگی های هنر معماری تیموریان

## در هرات و برخی ولایات دیگر افغانستان

**مقدمه :**

گرچه درنبشته یی ازاین گونه که میتوان آنرا تحقیقی خواند عنوانی بنام مقدمه ، زیادی نمی نماید ، باآنهم گفته هایی چندرا یادداشت گونه تحت همین عنوان دراینجا مینگاریم تاباشد که آنچه درمتن اصلی اضافی نمی نمود ناگفته نماند .

سخن برسر معماری و هنر مهندسی است و آنهم معماری تیموریان هرات ، که نه تنها معماری بل همه هنرهای شان چون معماری دراوج وچکاد ، میتواندمورد بررسی قرارگیرد .

هنر نقاشی، فلزکاری ، ریخته گری، سنگتراشی ، کتاب سازی ، خطاطی و بسیاراز این گونه رادرهمین جمله میتوان شامل کرد ، واما معماری تیموریان به ویژه قابل تامل است ودقت زیادمیخواهد تاقضاوت عادلانه کنیم وآنرا معرفی نماییم .

باری درهمین یاداشت میخواستم یك تذکر اساسی بدهم وآن اینست که معماری تیموریان نه به این معنی است که گویا این معماری تحفهٔ اولاد چنگیز چادرنشین و بیابان گرد است که به سرزمین های صاحب تمدن ما ازکویر و خرگاه و خیمه خود آورده باشند . و اصلاً همین

ذهنیت در تفکر بسیاری از خوانندگان از کلماتی چون هنر تیموریان و معماری ساسانیان وغیره القاً میشود که نباید به این معنی باشد که این شاهان وزامداران خودشان کدام کار هنری را به سامان می آرند و یا کدام طرحی را به انجام می رسانند و ابتکاری به خرج می دهند. بل باید باجراءات متذکر شویم که یگانه سهم ممکن این شاهان از طریق تشویق، ترغیب و تمویل مالی است که ناگفته پیداست تمویل مالی نیز از طریق مالیات و عایدات دولت توسط خود مردم پرداخت می شود. به هر صورت اکثر عمارتی که توسط شاهان و حاکمان در آنوقت ساخته میشد جهت افتخار و هم چشمی هابوده و تنها یک تعداد معدود آبدات به منظور رفاه عامه و خیر مردم اعمار میشد. جهت ایجاد سهولت در مطالعه، این آبدات را در مجموع به سه دسته عمومی تقسیم میکنیم.

الف: قصور، کوشک ها، تفریح گاه ها و باغ های شخصی.

ب: ابنیه رفاهیه چون حمام ها، کاروانسرا ها، انبار های آب و ....

ج: ابنیه مذهبی مانند مساجد، خانقاه ها، مدارس، زیارت ها و ....

در تقسیم بندی فوق تنها جنبه استفاده از بنا مورد نظر است و به این ترتیب از نقطه نظر ویژگی های ساختمانی و سبک شناسی کدام ارزشی را نمیتوان به آن قایل شد. به این ملحوظ در این مختصر که زیادتر به ویژه گی های ساختمانی پرداخته می شود کدام تقسیم بندی خاص صورت نگرفته و معمولاً یک ویژگی میتواند در هر سه نوع آبدهٔ ذکر شده قابل تطبیق باشد.

یک موضوع مهم و قابل تذکر دیگر این است که در مورد مهندسی و معماری به صورت منظم و مسلکی تا حال مطالبی بسیار اندک نگاشته شده است، آن هم در همین سال های اخیر بقیه هر آنچه در مورد می یابیم یا نبشته های مغرضانه و یک جانبه از طرف بعضی محققین و دانشمندگونه های خارجی خریداری شده است که اکثر افتخارات تاریخی و فرهنگی ما را به ملل بیگانه نسبت داده اند و یا توسط اشخاص غیر مسلکی که به خوبی نتوانسته اند از عهدهٔ این مهم برایند.

در این مورد میتوان مثال های زیادی ارایه داد. به گونه نمونه در کمتر کتابی راجع به معماری غوریان که به حقیقت شاهکارهای معماری را از عهدایشان تا امروز نیز داریم یک صفحه را میتوان دریافت کرد و آیا نمونه های چون مدرسه شاه مشهد جوند، مینار جام، آبدات چشت و از این گونه بسیار مستحق همین مقدار بی التفاتی هستند؟

این عدم‌توجه‌به‌آبدات و افتخارات تاریخی‌دلایل زیادی میتواند داشته باشد و آن‌یکی که مهم به‌نظر می‌خورد ،عدم‌علاقه‌مندی حکومت های سابقه و بر سر اقتدار گذشته است، که‌این همه آبدات و شاهکار های معماری ما عمداً در پرده ابهام‌و عدم‌شناسایی باقی‌مانده است .

به هر حال برای محققین و دانشمندان ماامروز در هر رشته ، بویژه در جهت‌شناسایی آبدات‌و تاریخ‌مملکت کار زیادی‌رو یهم‌انباشته شده‌است وسخت جدیت می‌خواهدتااین‌همه کار را در مدت کمی به‌انجام‌رسانیم. مادراین‌راه گام‌نهاده‌ایم‌و به پیروزی‌خود باور داریم.

باری دراین مختصر سعی به‌عمل آمده که‌از اصطلاحات و واژه های معماری‌ومهندسی لسان های خارجی که معادل‌شان در زبان وفرهنگ دری و یا زبان مکالمه محلی‌یافت میشود کمتر استفاده به‌عمل آیدوحتی تاحدتوان کوشش شده‌است که‌آن دسته از اصطلاحات که معادل شان را در زبان های محلی نتوانسته ایم‌بیابیم،به یك معادل تقریبی برگردان شوند . ولی در هر حال‌برای اینکه اصطلاحات جدید و یا محلی برای خواننده ناماتوس نباشد در واژه هاییکه ضروری پنداشته شده‌معادل‌معمول آن در زبان‌انگلیسی یا لاتینی ذکر شده است .امیدوارم زحماتم درتدوین و ترتیب این رساله مختصر به‌هدر نرفته باشدو توانسته‌باشم درحدامکان و توانایی خود به روشن ساختن ویژگی های یک شاخهٔ مهم هنر دوره تیموری یعنی مهندسی و معماری آن عهد ، گام کوچکی گذاشته باشم.

## طرح و پسمنظر تاریخی

تیمور بن تراغای از ۷۷۱ - ۸۰۷ ه درخراسان حکومت کرد و دراین مدت سه بار بر افغانستان لشکر کشید وشهرهایی که بعد از تاخت و تاز چنگیزی ، به دوران‌آل کرت معمور شده بودند مجدداً تخریب گردید . (۱) تیمور در محدوده سیاسی امروز افغانستان ، هیچ نوع آبادی از خود بجانگذاشت که راجع به‌آن قضاوت کنیم واما شاهرخ پسرش که از ۸۰۷ - ۸۵۰ هجری سلطان مستقل خراسان بود تمام خرابی های پدر را ترمیم کرد وبنا های زیادی اعمار کرد .

بعد ازشاهرخ یك تعداد ازاولاد واحفاداو به سلطنت رسیدند که آنهاعبارت انداز الغ بیگ ،عبداللطیف ، ابوالقاسم بابر بن بایسنقر بن‌شاهرخ و غیره که زمان ایشان درتاریخ فرهنگ و ادب آنقدر اهمیت ندارد تا بالاخره سلطان حسین بن‌غیاث‌الدین منصور بن بایقرا بن عرشیخ بن تیمور، به سلطنت‌رسید.او مدت‌د وازده سال از ۸۶۱ - ۸۷۳ ( ۲)

سلطنت کرد و دوره پادشاهی او نیز مانند تیمور با اهمیت است. دوره سلطنت شاهرخ میرزا و سلطان حسین بایقرا را میتوان دوره مشعشع هرات و خراسان نامید که شاه اول را ملکه‌دانشمندی‌چون گوهرشاد خاتون که علاقه مند بی بدیل هنر و ادب بود، و آن دیگری را وزیری‌به‌گونه امیر علی شیر نوائی که به هنر دوستی او کمتر وزیری میتوان سراغ کرد، رهنمایی‌و همراهی و تشویق میکرد. و با جرأت میتوان اظهار کرد که هر انچه درخراسان‌مابه‌نام هنر تیموریان‌میشناسیم یادگارهای همین دو سلطان و همان دو همراهشان است.

باری دراین جانمی خواهم تاریخ تیموریان را بازنویسی کنم علاقه مندان تاریخ میتوانند به کتب مربوطه‌مراجعه کنند. و اماناگفته نباید گذاشت که تیمور باوجود تمام خونریزی هایی که انجام دادو کله‌منار هاییکه به‌پاکرد یک بعد دیگر نیز داشت‌و آن علاقه مندی او به هنر و ادب بود ولی نتایج این‌علاقه‌مندی‌وی به هنر و ادب تنها و تنها در پایتخت و اطراف پایتخت او سمرقند بار داد. و ولایات‌دورتری‌چون هرات را بعد از مرگش پسر او به اوج ترقی رسانید و رشک تمام شهر های‌خراسان ساخت.

شاهرخ بااعمار رباط ها، کاروانسراها، آب انبارها، مسجد ها، مدرسه‌ها، خانقاه ها، باغها، قصر ها و ازاین گونه‌بسیار...بر زخم هاییکه‌چنگیز و تیمور بر دل‌های مردم خراسان نهاده بودند، مرهم نهاد و نام خوبی از خود بجا گذاشت.

درکتاب معماری اسلامی هرات (به‌زبان‌انگلیسی) راجع به وضع هنرمندان‌و دانشمندان در دوره شاهرخ چنین میخوانیم« دردربار او با شعرا، نویسندگان، نقاشان‌و مهندسین همان رفتار و احساس ابراز میشد، که باسیاستمداران و زمامداران صورت می گرفت.» (۳)

باری تشویق و ترغیب این شاهان بهر عنوان‌و مقصدی که‌صورت گرفته، باعث شد تاعهد شان به‌نام دوره رنسانس شرق مشهورشود اسروزاوشان به‌نیکی یاد آوری کنیم.

عهد تیموری هنر مندانی چون بهزاد وقوام الدین را درنقاشی و مهندسی تربیت نمود، کسانیکه‌برچکاد میناتوری و مهندسی دست یافتند و آثارشان‌همیشه بنام بهترین ها و شاهکارها درکتب‌معتبر دنیایاد آوری شده است. هنرمندان عهد تیموری توانستند

احساس، تجربه و علم را یکجا با هنر خود در معرض قضاوت قرار دهند و الحق که به خوبی توانستند تحسین خرده گیر ترین نقادان را نیز به نفع خود برانگیزانند.

## مهندسی تیموریان و ویژگی های آن

تحت این عنوان جامع به شکل بتوان جنبه های گونه گون مهندسی تیموریان را مورد بحث و بررسی قرارداد به منظور ایجاد سهولت در امر مطالعه و تدقیق، عنوان بالا را در عناوین کوچکتر ذیل تقسیم میکنیم.

۱ مطالعه نقشه های افتاده.

۲ - نمای بیرونی (رویکار ها).

۳ - دورنما.

۴ - مصالح ساختمانی.

۵ - طرز ساختمان.

۶ - اجزای ساختمانی (درگنبد ها و ساحهٔ تحول گنبد ها - کمان ها و طاقها - پایه ها وتهداب ها.)

۷ - ویژگی های معماری تیموریان درشش جز مطالعه شدهٔ فوق.

۸ - نتیجه گیری عمومی.

ناگفته نباید گذاشت که نسبت تعدد ابنیه عهد تیموریان چار مثال از مجموع این آبدات به گونه نمونه برگزیده شده است که عناوین ذکر شده را در همین چار آبده مطالعه میکنیم و آنها عبارت اند از:

الف - مقبره گوهر شاد در کوهسان هرات.

ب - مقبره گوهر شاد در هرات (شهر هرات).

ج - مدرسه سلطان حسین بایقرا در هرات.

د - روضه حضرت شاه ولایت مآب درشهر مزارشریف.

منظور اساسی از آبدات فوق الذکر به حیث نمونه تنها کم شناخته شدن این آبدات است که در نشرات و مطبوعات از جنبه های ساختمانی و مهندسی به آنها کم پرداخته شده

است. و در این مختصر در پهلوی ذکر ویژگی‌های هنر معماری تیموریان به معرفی این آبدات نیز کمک خواهد شد.

## ۱ـ مطالعه نقشه های افتاده

در مطالعات مسلکی آبدات، نقشهٔ افتاده ساختمان یک جز اساسی را تشکیل میدهد. آبدات هر دوره در مجموع باید از نقطه نظر پلان افتاده بررسی و ارزیابی گردد.

لذا به ترتیب نمونه های برگزیده شده را در اینجا از نظر پلان افتاده مطالعه مینماییم.

## الف ۱) مقبره گوهرشاد در کوهسان

این عمارت در اصل متشکل از یک مجموعهٔ ساختمانی مرکب از یک اطاق هشت ضلعی یا مقبره اصلی، یک اتاق مربع که در آن دو قبر قرار دارد و یک ساحهٔ مستطیل گونه برای ادای نماز است (مسجد).

از جنبه ساختمانی اتاق های هشت ضلعی برای مقبره در اسلام قبلاً استفاده شده و سابقه بسیار طولانی دارد (قبة الصلیبه ۸۶۲م) در سامرا شاید اولین مقبرهٔ اسلامی باشد، ولی به شهادت تاریخ اولین مقبره از امام علی رضا در توس است که در (۸۱۸) میلادی به فرمان مامون خلیفهٔ عباسی ساخته شد. (۴) اما به هر حال قبة الصلیبه اگر اولین مقبره اسلامی نیست اولین مقبرهٔ هشت ضلعی در تاریخ معماری اسلامی به یقین میتواند باشد. به هر صورت اگرچه در مقاله «هشت ضلعی در مقابر اسلامی» زیادتر هشت ضلعی بودن مقابر از لحاظ سمبولیزم عدد هشت بررسی شده (۵) ولی به نظر نگارنده نزدیک بودن هشت ضلعی به دایره که اعمار گنبد را به روی آن آسان و سهل میسازد در جملهٔ اولین و مهمترین دلایل و بعد هم تقلید از اولین مقبره اسلامی در مقابر بعدی شاید دو مین دلیل (ولی نه آنقدر قابل حساب) برای اعمار این گونه مقابر باشد.

باری راجع به این موضوع به صورت مفصل میتوانید به همان مقاله مقابر هشت ضلعی در شماره دوم، سال دوم مجله باستا نشناسی مراجعه نمایید. و مقبره مورد بحث ما نیز از همین نوع میباشد.

اتاق هشت ضلعی فوق الذکر در آبده کوهسان قسمت فوق العاده مهم و اصلی بنا

را تشکیل‌میدهد و با اتاق مربع‌شکلی که در آن قبر قرار دارد به‌شکل استادانه و ماهرانه‌یی وصل شده است که‌به هیچ صورت از نظر افتاده تعمیر کدام انتقادی بر آن وارد شده نمیتواند. وصل و ارتباط این اتاق مربع شکل باسستطیل مسجد که فعلاًازآن به‌گونه انبار استفاده میشود نیز با موازین مهندسی مطابق‌است ولی به هر حال آنچه از پلان افتاده‌بر می آیداینست که قسمت‌هایي ازاین مجموعهٔ ساختمانی تخریب شده‌و قسمت‌هایی نیز به‌آن علاوه گردیده است.در پلان مقبرهٔ گوهرشاد کوهسان که ضمیمه‌هذا ارایه میشودتنها آن قسمت ها آمده که قدامت‌و تیموری بودن‌آن یقینی است‌از بقیه‌الحاقیه هاصرف نظرشد.(ش۱)

## ب۱)مقبرهٔ گوهر شاد در شهر هرات

این مقبره که بقایای کوچکی ازیک عمارت بزرگ یعنی‌مدرسهٔ گوهر شاد خاتون است ، ازشاهکارهای استاد قوام الدین معمارمیباشد (٦) مؤلف روضة الصفا ، مهندس ومعمارآن عمارت را استادعماد الدین معرفی میکند که شاید عماد الدین یک اشتباه نگارش ازاصل قوام الدین‌باشد (۷) . به‌هرصورت این عمارت یک مثال خوب‌و زنده‌ازمهندسی تیموری میباشد .

پلان افتادهٔ آن به شکل علامت صلیب راست (علامت جمع ریاضی) یکی دیگر از انواع مقابر اسلامی است که اولین نمونهٔ آنرا میتوان درمقبره‌شاه‌اسمعیل سامانی دربخارا جستجو کنیم . دراین نوع پلان ها چهارپایه اساسی‌چارکمان میانی را حمل میکنند .در مورد کمان‌ها وگنبد های این آبده درموضعش صحبت‌خواهد شد . درحال حاضر قابل یادداشت است که اول این بناقسمتی‌ازیک عمارت بزرگ است ودوم اینکه این مقبره ازنوع دوم مقابر اسلامی یعنی‌یک مربع که‌از داخل‌به‌شکل علامت جمع دارای‌چارپایه اساسی بردارنده کمان ها وچارکمان حامل‌گنبدها میباشد .

## ج۱) مدرسه سلطان حسین بایقرا در هرات

بقایای این مدرسه که جزچارمینار ازآن‌چیزی‌باقی نمانده بود درسال ۱۳۵۹-۶۰ توسط حفریات پروژه بین المللی هرات اززیر خاک برآورده شده که پلان آن نیز تهیه وترتیب گردیده است. مطالبی که ذیلاًنگاشته میشود به اساس نقشه‌افتاده آن است که

که به همت مرحوم حاجی جمعه‌گل مهندس پروژه بین المللی هرات‌اندازه‌گیری‌و خاکه سازی شده‌و سپس توسط محترم‌سیدعظیم رها مهندس باستا نشناسی ترسیم گردیده و درشماره مسلسل دهم مجله هرات باستان به نشر رسیده است .

طوریکه درنقشهٔ افتاده مدرسه سلطان حسین بایقرا به ملاحظه میرسد، مدرسه مذکور ازسه قسمت متشکل می باشد .قسمت اول که بعد ازدخول ازایوان ورودی به‌یک فضای مستطیل نما باز میشود، ممکن‌است این قسمت‌یك مسجدیا خانقاه باشد که‌به منظور عبادت و بجا آوردن نمازاعمارشده باشد .بعد ازاین قسمت یک اطاق‌مربع بزرگ اعمارشده که‌به سمت شمال وجنوب خود دودروازه‌بزرگ‌دارد ، این دودروازه طوریکه درپلان افتاده معلوم‌میشود دوایوان بزرگ و باعظمت نیز داشته اند که‌شاید ازایوان اصلی ورودی کوچکتر بوده‌اند . اطاق مرکزی چارگوشی درمیان خود دو قبر را جاداده که حسب‌نقشه شاید قبر سلطان و پسرش باشد ؟ ازاین اتاق راه دیگری به سمت شرق بیرون شده که‌یک فضای‌نیمه‌باز را ( ازسه طرف بسته یك طرف باز) به اتاق اصلی وصل میکند ، این قسمت درعمارات مشابه به‌نام چراغ خانه یاد میشود علاقه مندان‌مقبره یازیارت کنندگان‌جهت نذر درآنجا معمولاً شمع‌و یا فلیته(فتیله) های تیلی روشن‌میکنند . یك تعدادا‌تاق های‌خورد وبزرگ‌دیگر نیز درپلان معلوم می‌شود که‌به صورت عموم به منظور استفاده های گوناگون وجهت‌جلوگیری ازمصرف خشت و مواد ساختمانی ساخته شده است . به این معنی که اطاق های کوچک دردرجه دوم اهمیت قراردارند و به عوض پرانه‌کاری پایه‌های اصلی‌متحمل شونده وزن کمان ها و گنبد آنها را اعمارمی کنند .

پلان موجوده قسمت کوچکی ازیک مجموعه بزرگ‌ساختمانی باشد که بقیه آن بعد از حفریات دقیق ومنظم هیات باستانشناسی اززیر خاک بیرون خواهد شد ودربارهٔ آن نکاتی گفته خواهیم آمد ولی قسمت حفریات شده فعلی میتواند تنها به حیث مقبره‌خود سلطان‌قبول‌شود . وحتی این امکان نیزموجود است که‌درزمان حیات خود سلطان اعمار شده باشد زیرااعمارمقبره‌برای سلاطین توسط‌خود شان دردورهٔ تیموری کاملاً رواج داشته است . (۸)

نقشهٔ افتاده این آبدهٔ تیموری نیز مانند بقیه افتاده ها بروی محور سر کزی شرق و غرب کاملاً متناظر اعمار شده است و اتاق های سر کزی و خانقاه باسجد به تنهایی بروی محور های شمال و جنوب خود نیز متناظر میباشند .

## د ۱) روضهٔ مبارک مزار شریف

پلان افتاده و بقیه نقشه های این مکان متبرک را درسال ۱۳۵۹ ضمن یک سفر رسمی نگارنده تهیه نموده ام . بایک مقایسه سر سری به آسانی میتوان مشابهت آنرا باسقبره (پلان مقبره ) سلطان حسین بایقرا در هرات ملاحظه نمود و اصلاً نامگذاری قسمت های سه گانه مقبره سلطان حسین بایقرا را نیز به اساس همین مشابهت از روی نقشه روضه حضرت علی (کرم الله وجهه) نموده ام. البته این تشابه در طرز قرار گرفتن اتاق های سه گانه سر در عقب یکدیگر و شکل عمومی ساختمان است . به نقشه های ضمیمه نگاه کنید، تشابه خانقاه در هر هردو عمارت اتاق مقبرهٔ اصلی و چراغ خانه به شمول ایوان های مربوط ، چشمگیر است به ویژه هنگامیکه آبادی های بعدی والحاقیه ها را از اصل پلان روضه مبارک خارج کنیم، حتی در اتاق هاییکه در درجه دوم اهمیت قرار میگیرند این تشابه بقدری است که مارا به این گمان اندر میکند ، شاید معمار هر دو آبده یک نفر باشد ؟ -

از تمام آنچه در مورد پلان افتاده چهار آبده نمونه، گفته آمدیم نکات آتی را میتوان بیرون نویسی کرد.

اول در آبدات فوق الذکر هردو نوع پلان مقابر را یافته میتوانیم، یعنی هم مقابر هشت ضلعی و هم پلان های نوع چهارگوشه یی در آبدات مقبره های تیموری بکار رفته است.

دوم پلان آبدات تیموری در مجموع بروی یک محور کاملاً متناظر اعمار می شد و بروی محور های فرعی عمود بر محور اصلی هر فضا (اتاق) به تنهائی خود یک تناظر دوسی را القا میکند .

سوم در پهلوی اینکه تناظر و توازن قوای وارده از جانب کمانها و گنبدها در پلان مدنظر گرفته میشد، از حجم داخلی دیوار ها نیز به منظور های گونه گون استفاده به عمل آمده اتاق های کوچک دیگر در بین شان تعبیه گردیده است .

چارم درآبدات تیموری و مخصوصاً در پلان های افتادهٔ آن گاهی تشابهات زیادی را میتوان دریافت نمود. به ویژه زمانیکه این آبدات توسط عین مهندس و یامعماری ساخته شده باشند. پنجم آبدات تیموری ازلحاظ مساحهٔ اشغال شده توسط آنها ازآبدات قبلی بزرگ تر هستند. (قسمتی ازویژگی های عمارات تیموری که در این مثال های نمونه وی موجودنبود دراخیر این رساله توضیح شده است.)

## ۲ـ نمای بیرونی «رویکارها»

نمای بیرونی عمارات تیموریها یك ویژگی عمده دارد که آنها را ازآبدات ماقبل متمایز می سازد و آن اینکه این عمارات ارتفاع بیشتری دارند، تزئین سه بعدی کمتر در آن به نظر میخورد درحالیکه کاشی با رنگ های مختلف درآن بکار رفته است. ازفاصله های دورگنبدهای آسمانی رنگ عهد تیموریان توجه بیننده را به خود جلب میکند. ازنظر استعمال کاشی های رنگین حتی میتوان ابرازنظر کرد که رویکاریك بنای عهد تیموریان یك تابلوی میناتوری است البته درمقیاس بزرگتر آن واصلاً شاید دلیل عمده این تغییر درسیستم ساختمان رویکارها برعلاوه ایجاد انواع مختلف کاشی، درپیشرفت نقاشی باشد که بعلاوه تمام هنر های مروج ازقبیل کتاب سازی وغیره درمعماری نیز حاکم شد و تزیین سه بعدی عمارات را به دو بعد سطح انتقال داد. به هرصورت رویکارابنیه تیموریان را درآبدات نمونه خود مطالعه و بررسی میکنیم.

## الف۲) مقبرهٔ گوهرشاد در کوهسان

این آبده ازجمله آن دسته ازابنیه تیموری ها ست که ویژه گی های عمارات دوراول عصر تیموری ها را ازسمرقند و بخارا به ارث برده است، نمای بیرونی آن سخت باعظمت به نظر میرسد، و این عظمت ازفاصله های دور زمانیکه به پانوراما ی (دورنما) کوهسان خیره شویم جلب توجه میکند. ازفاصله های کمتر رنگ آبی گنبد درزمینه خاکی رنگ دهکده و خانه های اطراف توجه بیننده را به خود معطوف میدارد. ازنزدیک قسمت خارجی مقبره اصلی ازحصص تحتانی باطرح های هندسی روی کاشی و خشت های هموار مزین گردیده است. مگر قسمت خارجی گنبدبالایی تماماً توسط کاشی آبی وآیات قرآنی که توسط

خط ثلث و کوفی از کاشی سفید نگاشته شده ، پوشانیده شده است. استوانه طویل و گنبد آبی رنگ باتسمه هاییکه از تزیین ونبشته به دور این استوانه کار شده ، به مقبره شکوه و اهمیت ویژه یی میبخشد .

قسمت تحتانی مقبره که در پلان افتاده‌یك هشت ضلعی‌است از بیرون و نمای‌خارجی به‌شکل زیبای کمانها را به‌معرض دید قرار میدهد ، به این معنی که از هر زاویه یی دید هشت گانه یک کمان از روبرو و دو کمان دیگر از زاویه ملاحظه میشود ، عرض مجموعی این سه کمان بادیوارهای مربوط آن از قطر استوانه گنبد بالایی زیاد تر است ، که یك توازن بصری خوب را ایجاد میکند . بعد ازآن به ارتفاع بالاتر هشت ضلعی پایه‌استوانه و بعد ازآن استوانه طویل گنبد شروع میشود که به‌گنبد مخروط مانند بالایی ختم میشود .

درمجموع آبده کوهسان از جنبهٔ سیمای بیرونی یک عمارت تمام عیار تیموری میباشد که زیبایی وعظمت را به خوبی به بیننده القا میکند .

## ب۲) مقبرهٔ گوهرشاد در شهر هرات

نمای بیرونی این آبده مکعبی‌است که‌برسرآن یك استوانه و بعد ازآن یک نیمکره قرار دارد .

دردیوار رویکار بابافت خشت و کاشی یک نوع خط کوفی معماری کلمات الله و محمد را با زیبایی ویژه نمود ارمیسازد . رنگ آسمانی گنبد کلاه درویشی آن بر زمینه سپید گون خود عمارت بسیارقابل توجه است.یك رشته نغول (۹) نمایشی دردور استوانه‌گنبد، محیط استوانه را از حالت یك نواختی بیرون می آورد . رده‌هایی بر دور سطح خارجی گنبد ایجاد شده است و به همین مناسبت هم‌گنبد بنام کلاه درویشی یاد شده که گنبد را حالت ویژه یی میبخشد. از قسمت بالایی استوانه الی هر پیش برآمدگی شیارهای گنبد یک تعداد مقرنس ها ، زیبایی آبده را تکمیل میکند . نفاست‌این آبده میتواند نمونهٔ خوبی برای مابقی قسمت های از بین رفته مدرسه گوهرشاد خاتون درشهر هرات باشد.

## ج۲)مدرسهٔ سلطان حسین بایقرا

فعلاً از زنمای این مدرسه جز چار مینار چیزی باقی نمانده است . این مینارها به تنهایی

میتوانند عظمت و زیبایی مدرسه را به خوبی نمایان سازند، کاشی کاری آنها از اثر حوادث روزگار- به ویژه آن سمت که در معرض بادهای هرات قرار دارد- تقریباً بکلی از بین رفته، باآنهم میتوان ظرافت، زیبایی و هنر را بخوبی درآنها جستجو کرد. ایوان های رفیع و کاشی کاری های ظریف خود مدرسه از روی فوتوی خانیکوف که آنرا از کتاب (سروی آرت فارس) پوپ کاپی نموده ام بخوبی نمایان است. راجع به نمای این آبده حرف چندانی گفته نمیتوانیم که فعلاً موجود نیست.

## د۲) روضهٔ مبارک مزار شریف

از نقطه نظر رویکار، روضه حضرت شاه درمزار شریف یك تا بلوی کامل و رنگین نقاشی است و حتی یک متر مربع از تمام سطح آنرا بدون کاشی های رنگین یافته نمیتوانیم ولی آنچه مایه تعجب است اینکه این همه کاشی که تمام سطح بیرونی را چون لباسی رنگین در بر گرفته بنابه گفته حافظ نور محمد کهگدایی «بعد ازسنه ۱۲۸۵ هـ کارشده است و قبل از آن درون و بیرون بنا را همه ساله با گل سفید آمیخته باانواع خوشبویی سفید می نمودند چه این آداب از هنگام سلطان حسین میرزا مانده و باید همچنان رعایت میشد. درسنه مذکوره که سلطان افغانستان امیر شیرعلی خان بود ولو ینابی ترکستان به نایب محمدعلم خان مرحوم زیب داشت چون درجمله سایر امور درمسایل تعمیر هم تبدیلی و نوی بوجود آمد؛ نایب محمدعلم خان مرحوم درضمن دیگر انتظامات و اصلاحات خویش، برحسب اجازهٔ دربار کابل کاشی کاری روضه شریف را به صورت عام بنا نهاد» (۱۰)

دراین مورد فیشر نیز چنین مینگارد: «هیچ نوع تزئین قرن پانزدهم درآن باقی نمانده ولی ترمیمات جدید عمارت را به شکل اونی آورده وامروز به حیث یکی از پر رنگ ترین عمارات درافغانستان باقی است» (۱۱) به هرحال امروز نمای بیرونی با کمانها، تاقنماها، نغول ها، کتاره های اطراف بام ها و مناره ها که همه با کاشی رنگین پوشانیده شده از زیباترین آبدات دورتیموری ها بشمار میرود.

## ۳- دورنما

این جز درآبدات بزرگ و یکه (۱۲) زیاد مهم است. ولی درعماراتی که در بین بقیه

آبدات پنهان باشند و یا از فاصله های دور چندان معلوم نمیشوند آنقدر مهم نیست. بادر نظر داشت این نکته اصل دورنما را درآبدات نمونهٔ خود بررسی میکنیم.

## الف۳)مقبرهٔ گوهرشاد درکوهسان

ازفاصله های دورچندین کیلومتر مانده به قریه این آبده به حیث یک نقطه نیرنگی و راهنمای سیاحین جلب نظرمی کند. ازفاصله های کمی نزدیکتر چون دراطراف آبده کدام بنای بزرگتر واقع نشده ودرعین حال گنبد بروی استوانه بلندی قرار دارد تقریبا ازتمام جوانب، آبده یك سان معلوم میشود. حتی نمای زاویه وی واطراف بانمای مقابل تقریباً یکسان معلوم میشود. امادر هرحال دورنمای آن توازن بصری خوبی را القاء میکند. به ویژه زمانیکه رنگهای آرام آبده بااین تناسب همراه میشوند مهارت ولیاقت معمار و کاشی کار تحسین ناخود آگاه را برمی انگیزانند.

## ب۳)مقبره گوهرشاددرشهر هرات

این آبده درمیان درختان کهن سال کاملا پنهان است وحتی گاهی به مشکل میتوان یکی ازنماهای چارگانه آنرا عکاسی نمود. وبه همین مناسبت، چون فوتو های آن همیشه ازفاصله های نزدیک اخذ میشود باوجود اینکه شکل کاملا هندسی مکعب واستوانه یی روی آن باید عین دورنما را ارایه کند درعکس هاییکه ازکتیج آبده اخذ میگردد باعکسهای که ازیك سمت عمود بردیوار گرفته میشود فرق بارزی به مشاهده میرسد.

## ج۳)مقبرهٔ سلطان حسین بایقرا

ازخود آبده ودیوار های آن چیزی باقی نمانده واما فوتوی خانیکوف که ضمیمه رساله هذا ازخرابه های موجوداست میتواندمارا دراین مورد ویژه کمک کند.

ارتفاعات زیاد، فرورفتگی های مختلف، ایوان ها، طاقچه ها، طاقنما ها، مینارها وکاشی کاری آن تحسین برانگیز است.

دردورنما همیشه ایجادسایه روشن که درطول روز باگردش وضعی زمین ودرطول سال باگردش انتقالی آن زاویه تابش آفتاب را تغییر میدهد همیشه یك جز اساسی بوده و هست. درمقبر سلطان حسین بایقرا که جز مدرسه یی به همین نام بوده، به قدر کافی ازاین اصل پیروی شده است.

وهم آنچنانیکه ازفوتو برمی آید درزاویه های مختلف دیدنکات داچسپ وگونه گونی از این عمارت به چشم بیننده میخورد چون ساختمان آن تنها به اساس یك محور تناظر بوده و هم در هر زاویه دید، منظر توسط مینار های اطراف محاط میشده که آنرا ازآبادات اطراف به کلی جدا میسازد.

## د۳) روضه مزار شریف

در هر زاویه دید جز رو برو اول ده گنبد آسمانی رنگ آن جلب توجه میکند و بعد ازآن رنگ های آبی و سبز دیوار ها. این آبده نیز فرو رفتگی و برجستگی بسیا ردارد. قسمت هایی ازآن اولی و اصلی وقسمت های دیگر بعدی والحاقی میباشد. ولی لباس همگون و همرنگی که بر تمام این قسمت ها از کاشی رنگین پوشانیده شده، یکنواختی و وتجانس ویژه یی به آن بخشیده و کمتر بیننده عادی میتواند آنها را ازهم تفکیک کند، وحتی به سختی میتوان ادعا کرد که این الحاقیه ها به زیبایی اصل بناصدمه زده است. دور نمای آبده ازجهات و زاویه های مختلف دید فرق میکند. وحتی درآن زوایه ها که محور تناظر بروی آن واقع گردیده است، زیرا الحاقات بعدی تناظر کلی را از بین برده وآنرا به نفع آبده خدشه دار نموده است

## ۴ـ مصالح ساختمانی

لام نیست تااین عنوان را درنمونه های خود بررسی کنیم زیرا میتوان آنرا به صورت خلاصه درتمام آبدات تیموریها تطبیق کرد.

یک ویژگی عمده دوره تیموریان این است که درآبدات تیموری ها به ویژه آبدات و عمرانات مهم شان همیشه جز اساسی ساختمان را خشت پخته تشکیل میدهد. آنها درقسمت های مختلف ساختمان ازمصالح مختلف استفاده میکردند مثلاً ازسنگ درتهداب ها و ازچوب به حیث مقاوم برضدقوای کشش و تنش(۱۳) دربالای تاقها و کمانها و گنبدها، آژند (۱۴) ساختمانی معمولاً چونه وگچ با مخلوط های مختلف آن باریگ و مواد دیگر میبود گاهی ازگل نیز به حیث ملاط استفاده به عمل آمده است. کاشی به حیث مصالح تزئینی دراین دوره انکشاف زیاد کرد.

درآبدات کوچکتر از خشت پخته و خام به‌صورت مشترک کارگرفته میشد ولی در هرحال خشت پخته به اندازه‌های مختلف و معمولاً مربع شکل جزاصلی و اساسی ساختمان را تشکیل میدهد. انکشاف کاشی بویژه رنگ های گونه‌گون آن تزئینات سه‌بعدی ادوار سابق را تحت شعاع قرارداد و جای فراخی برای خود درتزئین‌آبدات باز کرد.

## ۵-طرز ساختمان Structural System

طرزساختمان را نیز مانند مواد ساختمانی تنها در یک عنوان و درمجموعه آبدات‌تیموری مطالعه میکنیم زیرا به‌شمول چارآبده یی که به‌گونه نمونه برگزیده ایم درتمام آبدات عهد تیموری از یک طرز ساختمان پیروی شده که سیستم کمان وگنبد است، به این‌معنی که مراد از طرزساختمان همیشه عبارت است از سیستم سقف و پوشش عمارات به گونه مثال درطرز Post and beam منظور پوشش توسط پایه‌ها وچوب‌هاییکه دربالای‌آن انداخته میشود، میباشد، طرز ساختمان کمان وگنبدبه این طریق است که تمام خالیگاه های دیوار(۱۵) چه کلکین ودروازه ها وچه‌ایوان ها همه توسط کمان پوشانیده میشوند یعنی به‌جای سرتاق‌چوبی یک کمان یاقوس قسمت بالا یی را محاط میسازد و بعد ازاینکه این دیوارها یاپایه هابه ارتفاع معینه رسیدند به‌طریقه های گونه گون آنرا به یک دایره تبدیل و بعد توسط یک نیم کره یانیم استوانه و یاگاهی هم بانیم کره تخم مرغی (بیضوی) و یابا ترکیب های‌مختلف این‌اجزای‌آنرا مسقف میسازند. ودر مجموعهٔ ساختمان ازچوب به کمترین حدممکن استفاده به‌عمل می‌آید. حسن این طرز ساختمان دراین است که توسط آن واحد های بزرگتری را میتوان پوشانید وبه‌این معنی که درسیستم ستون بندی معیارفاصله بین دو دیوار را طول چوب‌های دستکی که درمحل پیدا میشود تعین میکند ومعمولاً این معیار همیشه درحدود کمتر از شش مترمیباشد درحالیکه درطرز کمان وگنبد حتی میتوان گنبدهای باقطر بیست متر هم دریافت کرد. (۱۶)

اماطرز ساختمان کمان وگنبد یک نقص عمده نیز دارد وآن اینکه این طرز معمولاً درمقابل تکان‌های زلزله مقاومت نموده نمیتواند و هم اینکه برای برداشتن فشارجانبی کمانها باید ضخامت دیوار تا آن حدباشد که بتواند این قوه عظیم را به‌زمین انتقال بدهد. معمولاً

فشار وارده ازقسمت های زیرین گنبد به زاویه ۴۵درجه اندازه گیری میشودبرای معلومات بیشتر دراین مورد به کتابهای ساختمانی مراجعه شود. که ازحوصله این مختصر بیرون است.

درمورد کمانها وگنبد بهصورت جداگانه تحت عناوین جداگانه معلومات ارایه شده است.

## ۶ - اجزای ساختمانی

یك / درگنبدها وساحهٔ تحول.

دو/درکمانها و تاقها ـ پایه ها و تهداب ها.

### یك/ درگنبدها وساحه تحول:

درمطالعه مهندسی تیموریان یک جز عمدهٔ آنرا گنبد تشکیل میدهد وتعددا نواع آن بقدری زیاد است که باید در هر آبدهآنرا بهتنهایی مطالعه کنیم وچون برآوردن این مهم ازتوان نگارنده خارجاست تنها وتنها گنبد وساحه تحول را درچار آبدیی کهآنها را بگونهٔ نمونه برگزیده ایم بررسی میکنیم.

### الف ۶) مقبرهٔ گوهرشاد درکوهسان

مقبره اصلی هشتضلعی دارای دوگنبد بالای همدیگر است، یکی گنبدتحتانی که فضای داخلی را محدود میسازد وگنبدی نسبتاً هموار است وتزئینات زیادی درآن بکاررفته است. این گنبد بروی ساحهٔ تحول ستگ های سقفی (۲۱) کوچک استوار است، زیرا در اصل هاستك چه ازنوع سقفی وچه ازنوع دامنی(۲۲) برای تغییر دادن پلان افتاده سریع و یا دراصل میتوان گفت چارگوش به دایره، کمک میکندو پلان آبدهٔ مورد بحث خودش بهخودی خود یک هشت ضلعی است که بسیار بهدایرهنزدیک میباشد و برایتغییر دادن آن به دایرهبه کدام ساحهٔ تحول ضرورت احساس نمیشود. بربالای این گنبد تحتانی تا ارتفاع کمی هشتضلعیدیوار دوباره بالا میرود که بهآسانی بهدایره استوانه تحولنمودهو استوانه(۲۳) گنبد دراخیر بهیک گنبد سخروطی شکل خاتمه پیدا میکند. درقسمت داخلی این استوانه دیوارهای استنادی شعاعی ساخته شده تا جلو فشارجانبی (۲۴) را برای جدا شدن خشت

های استوانه از هم دیگر بگیرد. علاوتاً این دیوارهای استنادی توسط ستون‌های چوبی به‌هم دیگر وصل شده اند که‌ازنگاه ساختمان این ستونها علیه دو قوه احتمالی عمل میکنند. یکی قوه فراراز مرکز را که دراثر فشاروزن گنبد وارد میشود ودودیگر قوای جذب به‌مرکز که احتمالا دراثر همان وزن بوجود می آید .چون چوب جسم شکننده وفاقد قوهٔ ارتجاعیت درمقابل قوای طولی میباشد لذا به‌خوبی درمقابل این دو قوه عکس ـالعمل مقاومت و کشش را انجام میدهد .متأسفانه درطول سالها و دراثر بی توجهی مسؤلین امور، برخی این چوب هارا به‌غنیمت برده‌اند وعمارتی به‌این عظمت وزیبایی را در معرض ویرانی و انهدام قرارداده اند ، که امید باقدامات بروژه بین‌المللی ابدات تاریخی هرات ازانهدام آن جلوگیری به عمل آید .

این گنبد ازنوع گنبدهای دوپوشی استوانه دار است که نمونه های قبلی آنرا در سمرقند و بخارا درگو را میرو بسا آبدات دیگرآن خطه یافته میتوانیم .مثال‌های زیادآنرا درکتاب « یک موزیم درفضای آزاد »نوشته پوگاچینکوا دانشمند روسی ملاحظه‌نموده میتوانید (۲۵)

## ب۶) مقبره گوهرشاد در هرات

گنبدها وساحهٔ تحول این آبده زیاد قابل بحث است . به این معنی که اول این آبده به‌شکل ویژه آن دارای سه‌گنبد بالای هم‌دیگر (۲۶) میباشد. گنبدتحتانی آن به منظور محدود ساختن فضای داخلی عمارت ساخته شده است،گنبددوسی یاسیانی که‌ازداخل و خارج عمارت قابل رویت نیست شایدیک گنبد استحکامی‌باشد؟ وگنبدبالایی یا بیرونی که‌ازنوع کلاه درویشی میباشد و بنام گنبد کبود یا گنبد سبز نیز یادشده است ازبیرون عظمت و زیبایی راالقأمیکند ( به تراش‌مربوط دراخیر این رساله دقت کنید ) ودودیگر اینکه‌ساحهٔ تحول دراین آبده شکل ویژه‌یی دارد به‌این معنی که درساحهٔ تحول‌آن ازهردونوع طرز ستک سقفی و ستک دامنی به‌شکل مشترک استفاده به‌عمل آمده است .درمورد گنبد و ساحهٔ تحول این آبده در کتاب باستانشناسی افغانستان مطالب مفیدی نگاشته آمده که‌علاقه مندان میتوانند به‌آن مراجعه نمایند(۲۷) به‌هرصورت این‌دونوع‌ساحهٔ تحول به‌شکل ماهرانه‌یی دراین آبده باهم تلفیق یافته و کمال مهارت معمار را بخوبی نشان میدهد .

## ج٦) مقبرهٔ سلطان حسین بایقرا در هرات

از گنبدها و ساحهٔ تحول این آبده چیزی باقی نمانده تا بر آن تبصره نمود ، با آنهم آنطور یکه از ترسیم خانیکوف برمی آید ساحهٔ تحول تنها در ایوان رو بروی آبده از نوع متک سقفی به نظر میخورد .

## د٦) روضهٔ مزار شریف

فعلاً هم خانقاه و هم خود مقبره دو گنبد دارند و در هر دو قسمت گنبد بالایی از کانکریت اعمار شده است طوریکه در کتاب مزار شریف واقع بلخ حافظ نور محمد کهگدایی آمده این گنبد دوسی درزمان امیر شیرعلی خان ۱۲۸۵ بعداً اعمار شده است و در اول هر دو تعمیر تنها گنبدهای ساده و یک پوشی داشته اند که بعداً به منظور جلوگیری از ریزش و تراوش آب و حفاظت سقف ها ،این گنبدهای بعدی بالای آن اعمار گردیده است . (۲۸)

ساحهٔ تحول در این عمارت نیز مانند گنبد سبز هرات از تلفیق دو نوع سیستم ساختمانی متک سقفی و دامنی تشکیل شده است که بسیار قابل توجه میباشد .

## دو/ در کمانها و تاقها- پایه‌ها و تهداب ها

در تمام آبدات عصر تیموری‌ها به‌شمول آبدات نمونه گرفته شده در این رساله، کمان‌ها از نوع کمان اسلامی نوک داریاچناقی میباشد که نوع ویژه آن در آبدات تیموری به‌اسم کمان تیموری یاد میشود .و تناسب اجزای آن نسبت های معینی دارد . قسمت های مختلف کمان تیموری به‌نام های گونه گون یادشده ازقبیل خیز ،افراز، پاکار، شانه، بالنج دهانه، و غیره که‌برای شناخت این قسمت ها به رسم ضمیمه رساله هذا مراجعه نمایید .

حسب نوشته شادروان استاد فکری سلجوقی که در کتاب گازرگاه آمده « رسم معماری قدیم است که‌هرگاه دهان ایوان ده متر باشد جست پایه‌های ایوان نیزده متر است و از ده متر نباید کمتر یابیشتر باشد زیرا اگر کم باشد ایوان افتاده و بیریخت به‌نظرمی رسد و اگر ازده متر بالاتر باشد استحکام آن کم میشود و کمان ایوان را از بالای این ده متر میگذرانند » (۲۹)

متأسفانه فهمیده نشد که این معلومات را آن دانشمند ومؤرخ فقید ازمعماران محلی دریافت نموده یادر جای مطالعه نموده بوده به‌هرصورت این نسبت ها فعلاً با مطالعات تحقیقی انجنیری که‌به عمل آمده کاملاً ازلحاظ ساختمانی دقیق است.

دریک تحقیقی که‌نگارنده به‌عمل آورده عدد طلایی یانسبت طلایی که عبارت از عدد (۱/۶۲) است دربسیاری آبدات تیموری قابل تطبیق است، به‌ویژه این نسبت را درکمانها وطاقها زیادتر جستجو نموده میتوانیم (۳۰)

پایه وتهداب درعمارات به اساس عمق نفوذ قدرت منجمد ساختن آب درزمین (۳۱) وسختی‌خاک متناوب‌مساحه‌وهم‌ارتفاع تعیین‌شده عمارت، تثبیت میگردید. این تهداب ها معمولاً ازسنگ وگاهی هم از خشت قسمت پایین داش (۳۲) اعمارشده است. قابل توجه و بررسی دقیق است که قرارمعلوم آبده مزار شریف بدون تهداب اعمارشده است (۳۳)این موضوع طوریکه حافظ نورمحمد کهگدایی تصریح نموده است به‌شکل مهارت ولیاقت معمار آمده ولی استنادبه آن ایجاب تحقیق مزیدوحفرسانداژ های استحانی را درخود ساحه سینماید وفعلاً نمیتوان متکی شد.

## ۷ـ ویژگی های عمده در شش جز مطالعه شده

۱) درپلان های‌ابدات تیموری کدام ویژگی خاصی‌نسبت‌به‌آبدات ادوار قبلی به ملاحظه‌نمیرسد. تنهاسیتوان‌ذکرنمود که این پلان ها ازنظرمقیاس وساحهٔ اشغال‌شده توسطشان کمی‌بزرگتراز آبدات‌قبلی میباشد، وعنصرناظر به صورت کامل‌ودقیق درآنهامراعات‌شده‌است.

۲) نمای بیرونی آبدات تیموری‌ها که بسیارپرزرق وبرق تر وبسیارزنگین تر ازآبدات قبلی است. این دوره راسیتوان اوج هنر کاشی سازی نامید حتی میتوان ابرازنظر کرد که‌کاشی کاران این عهد برچکاد هنر کاشی کاری دست یافتند وبعدازآنها دردورهٔ صفوی نیز درهمین حد ادامه یافت اما دوره‌های بعداز صفوی را میتوان به‌نام زمان انحطاط کاشی نامید.

رویکارهای پرازسایه روشن دورهٔ غوری وکرت‌ها که‌باتزئینات سه بعدی گل وبرگ وخطوط کوفی مقفل ومعقل پوشانده میشدند دراین دوره به‌تزئین دوبعدی کاشی جای خود را خالی نمودند.

کاشی عهد تیموری ها را اگر بخواهیم بررسی کنیم رساله‌یی جداگانه میخواهد و تحقیق بسیار، تنها دراین جامیتوان ذکر کرد که‌چه ازنظر رنگ و اصالت آن وچه ازنگاه طرح و تنوع آن کاشی تیموریها بی نظیر است و بی‌بدیل. و همانطوریکه درجای دیگر نیز نبشته‌ام رویکارهای آبدات تیموری به تابلوهای نقاشی سیناتور شباهت دارد.

دراین رویکارها همیشه برای جلوگیری ازیکنواختی ساحات بزرگ ،تاقنماهاونغول به وفرت کارشده است و به علاوه اینکه آنها را ازیک نواختی بیرون میکندآنها را در سطح شاهکار به زیبایی رسانیده است .

۳)دورنما: این عنصر معماری‌درآبدات‌تیموری‌بسیار مدنظر بوده همیشه عظمت و زیبایی با تلفیقی‌ماهرانه‌در دورنمای‌تمام آبدات مشهود است. وهمیشه کوشش گردیده که‌باوجود تنا‌طرسراعات شده‌درین‌آبدات‌زاویه های‌مختلف دید،زیبایی خودراحفظ نمایند.

۴) مصالح ساختمانی کدام ویژگی خاصی ندارد جز اینکه درآبدات تیموری‌هاسایز خشت فرق میکند ولی آنهم قابل استناد نیست برای اینکه در هرآبده این اندزه ها فرق میکنند.

۵) طرزساختمان (گنبدها وساحهٔ تحول ـ کمانها و تاقها )

چون تهداب ها کدام ویژگی خاص وقابل تذکر نداشتند ازآن صرف نظر به‌عمل‌آمد گنبدها مهمترین جز ساختمانی را درآبدات تیموری‌ها تشکیل میدهند .گنبد دوپوشی (دوگنبدی) ازویژگی‌های عمده وقابل توجه آبدات تیموریان است که گرچه قبلاًنیز دربعضی آبدات قبل ازتیموری ها آنرا یافته میتوانیم بآنهم اهمیت اصلی خود را چه از نظرساختمان وچه ازنظرزیبایی وعظمت دراین دوره احرازمیکنند.

این گنبد های دوپوشی که مادرسه‌مثال نمونهٔ خود ، آنرا مشاهده میکنیم (۳۴) به نوعی ازانواع یك استوانه ، بعد ازگنبد اولی ساخته شده که‌حامل گنبد دومی میباشد . خود این سیستم ازویژگی‌های عهد تیموریان است که‌شروع آن درسمرقند درعصر خود تیمور شد .

گنبد کلاه درویشی که ازنگاه تزئین قابل دقت میباشد نیز ازمختصات عهد تیموریان میباشد ،درهرات گنبد سبز (مقبره گوهرشاد درهرات) ودربلخ گنبد خواجه ابونصر پارسا ازاین نوع میباشد .

این گنبدها تماماً عظمت را درارتفاع به بیننده می نمایاند. ولی درعین زمان که گنبدهای نیم کره و بلند مراحل تکامل خود را پیمود، گنبد های هموار نیز درآبدات تیموری اعمارمیگردید. رابرت بایرون درمورد گنبد های تیموری مینویسد: «مهمترین و باعظمت‌ترین جز مهندسی تیموری را تشکیل میدهد که گنبدهای بلند و استوانهٔ طویل آنها قابل توجه است. این نوع گنبد ها یك مشکل عمده انجنیری را نشان میدهند برای اینکه نمیتوانند خود را بدون استناد درجای خود نگهدارند. به‌عبارت‌دیگر یک گنبد داخلی به‌عمارت این کمک را میکند که اولاً فضای داخلی را محدود میسازد و تزئینات گنبد را که‌درارتفاع کمتر به‌نظر میرسد قوابل روئیت میسازد. برعلاوه این گنبد داخلی تهدا ب پایه های شعاعی استنادی برای گنبد بالایی رانیز تشکیل میدهد. گنبد واستوانه بالایی به‌این پایه های دیوارمانند (پرمانند) تکیه مینمود و برعلاوه جهت تقویه بیشتر ستون پایه ها، چون به‌منظور استحکام بیشتر و ایجاد عکس العمل درمقابل قوای فرار از مرکز درآنها کار گذاشته میشد» (۳۵)

اولین گنبد دوپوشی درمقاله یی که تحت‌عنوان «گنبد های دوپوشی درآثار تاریخی اسلامی» توسط‌داکتر عباس‌زمانی‌درمجله هنر و مردم نگاشته شده، گنبد قابوس و شمگیر (۳۹۷ه) معرفی شده‌است. وی دراین مورد چنین مینگارد: «در یکی‌ازگنبدهای دوپوشی درمقبره‌قابوس و شمگیر ساخته شده، گنبدقابوس درسال ۳۹۷ هجری بناگردیده و عبارت‌از دو قسمت بدنه و گنبد است. پوش‌داخلی گنبد این بنا طبق‌مندرجات‌فهرست‌بناهای تاریخی و اماکن باستانی‌ایران، هلالی و پوش‌خارجی‌آن مخروطی است. گنبد دیگر برج لاجیم (۳۱۶ - ۴۷۰ه) گنبدسوم برج بزرگ‌رزکت آغازقرن پنجم وگنبدچهارم‌مقبره سلطان‌سنجر درمرو است» (۳۶)

باآنهم همانطوریکه قبلاً نگاشته‌آمدیم‌اهمیت‌اصلی گنبدهای دوپوشی‌در عهدتیموری‌ها دراین است که‌ازجهات مختلف موقعیت قابل توجه خود را درآبدات اسلامی احراز میکند. درمقاله‌متذکره مجله‌هنر و مردم راجع به دلایل اعمارگنبدهای دوپوشی‌چنین نگاشته‌آمده است: «احتمالاً برای‌جلوگیری ازنفوذ برف و باران و به وجود آوردن فضای خاصی بین دوگنبد و هم به منظور زیبایی خواهی و تزیین نیزموثر است». (۳۷)

ولی گنبد های عصر تیموریان بر علاوه دلا یل فوق برای نشان دادن و به معرض نمایش گذاشتن مهارت کاشی کاران وخطاطان ،ایجاد تناسب در بین حجم های مختلف عمارت همچنان القأ عظمت و ایجاد خطوط نرم عمودی بسوی فضا (۳۸) ساخته شده‌اند.

ساحهٔ تحول درآبدات قبل از تیموریان همان نوع معروف ساحهٔ تحول شرقی یامتک سقفی میباشد (۳۹) که عبارت‌است از تغییر مربع به هشت ضلعی با کمان هایی که در چار کنج این مربع اعمار میکنند ،و بعد اعمار دایره گنبد بروی این هشت ضلعی است .

متک سقفی عبارت است از همین کمان که در کنج مربع اعمار شده‌است و در این نوع سیستم ساختمانی همیشه دایرهٔ قسمت تحتانی گنبد دارای قطری مساوی به‌ضلع مربع پلان افتاده می باشد . درحالیکه در متک دامنی قطر دایره قسمت تحتانی گنبد همیشه از ضلع مربع کوچکتر میباشد، زیرادراین نوع سیستم ساختمانی از همان قسمت های زیرین کنج هارا به‌جلو خمیده میسازند . تا آهسته آهسته درقسمتی که گنبد شروع میشود به دایره تبدیل میشد، که‌از روبرو به‌شکل یک‌مثلث معلوم میشود و همین قسمت مثلث نما را که‌در پایین از یک‌نقطه کنج دیوارشروع میشود و در بالا ترین قسمت یک چهارم از محیط دایره را تشکیل میدهد بنام متک‌دامنی یا پاندانتیف یاد میکنند (۴۰)

باری درآبدات روزگار تیموریان از هردو نوع ساحهٔ تحول استفاده به‌عمل آمده است این خود از ویژگی های‌معماری درآبدات عهد تیموری بشمار آمده میتواند .

تلفیق و باهمی این دوسیستم درساحه تحول ارتجاعیت خاصی به‌آبدات تموری داده و اگر چه تشخیص و تفکیک آن گاهی بسیارمشکل است .(۴۱)ولی باآنهم در بعضی آبدات به آسانی و به وضاحت ملاحظه میشود ، که آبده گوهر شاد درشهر هرات از همین جمله است.

رابرت بایرون درسروی آرت فارس مینگارد : «متک سقفی‌جز اساسی وگنبد هدف آبدات‌تیموری را تشکیل میدهد. » (۴۲) و هم او درجای‌دیگر از متن خود چنین نگاشته است .

«متک سقفی و دامنی هردو درآبدات تیموری با هماهنگی کامل مورد استفاده قرارگرفته‌است »(۴۳)به هر حال استفاده ازشکنج یاپا ندانتیف (۴۴)در پهلوی سکوینچ یا

گوشوار(۴۵) یکی از ویژگی های معماری تیموری هامیباشد که قبل از آن سابقه نداشت.

کمان هاو تاقهای عصرتیموریان همانطور یکه قبل بر این نیز متذکر شدیم از نوع کمان اسلامی چناقی (۴۶) نوک دار ( تیزه دار ) است . از این نوع کمان در آبدات غوریها وغزنویان نیز استفاده به عمل آمده است وکدام ویژگی عمده ندارند. جز اینکه شانه در کمان عصر تیموری ها خمیده تر است و تعادل کامل در دو قسمت تیزه چناقی واتکاستقابل آنها در تیزه وتمایل سرگاه به درون و یا از شانه ها چنان انحنای اینگونه کمان ها را منطقی کرده که پس از قرنها هنوز به همان شیوه نخستین خودنمایی میکند و به اندازه یی کامل و استوار بوده که چیز بهتری جاگزین آن نشده است (۴۷)

در آبدات عصر تیموریان چه در روی کار بنا چه در داخل عمارت از طاقنما و نغول به قدر کافی وجهت زیبایی عمارت کار گرفته شده است .عکس های نمونهٔ ابنیهٔ نمونه گرفته شده که همراه این رساله تقدیم شده موید این ادعاست .

## ۸- نتیجه گیری عمومی

آبدات دوره تیموری هااز لحاظ هندسی و معماری یک دوره درخشان را در تاریخ مهندسی کشور ما تشکیل میدهد .در این عهد ابتکار و نوآوری در تمام هنر ها به ویژه در معماری گاهی شاهکار های بوجود آورده که حتی امروز نیز بر چکاد هنر معماری جهان قرار میگیرد .

این ویژگی ها به صورت خلاصه چنین بیان شده میتواند .

۱ ،مراعات کامل تناظر در هر دو محور اصلی .

۲ ،تاکید خاصی به روی کار و دورنمای آبدات .

۳ ،استعمال رنگ وافر به ویژه کاشی و در کاشی کاری هم استفاده از کاشی معرق با تزئینات نباتی وهندسی .

۴ ،کشف رنگ آبی ولاجوردی و استعمال آن در کاشی کاری گنبدها به وفرت تمام .

۵ ،ابتکار ساختن استوانه طویل برای گنبد .

۶ ،ساختن گنبدهای دو پوشی وسه پوشی .

۷ ،اعمار گنبدهای کلاه درویشی یاشیار دار .

۸ ،استفاده از ساحه تحول نوع مقرنس

۹، استفاده از خط‌های گوناگون بروی کاشی و تزئینات عمارت .

۱۰، اعمار ایوان های مرتفع درمساجد و مقابر .

مهندسی عمومی تیموریان که‌در این مختصر کمتر ازآن‌بحث‌شده میتواند عنوانی برای رساله جداگانه باشد ولی‌به‌صورت خلاصه ویژگی‌های ذیل را برای آن‌ردیف نموده میتوانیم:

(۱) دیوارهای اطراف‌شهر ودروازه‌های مربوط آن .

(۲) اعمار بالاحصار یاقلعه داخلی .

(۳) سرک‌های وسطی که‌شهر راعموماً به‌چار حصه تقسیم میکنند .

(۴) چاسوق شهر .

(۵) سیستم‌های آبرسانی زیر زمینی .

(۶) اعمار رده‌های بدرفت زیر زمینی .

(۷) اعمارحوض‌های سرپوشیده یاسردابها برای ذخیرهٔ آب .

(۸)اعمارحمام های عمومی .

(۹) مساجد نمازجمعه ومساجد محلی .

(۱۰) کاروانسراها ورباطها .

(۱۱) مدارس ،خانقاه‌ها ومقابر .

(۱۲) احداث پارک‌ها وچارباغ‌ها .

(۱۳) اعمار قصور وتفریگاه‌های شخصی .

دراکثر این‌آبدات وعمارات سیستم‌حویلی‌سرکزی باچارایوان کاملاً سروج بوده در اطراف این‌ایوان هایک‌ردیف کمان های کوچکتر گاهی یک‌منزله وگاهی دومنزله اعمار میشد.ایوان‌های سرکزی‌همیشه،بصورت معمول دردوطرف خودسیناره هایی میداشتند.

سیستم ساختمانی همیشه‌بطرف داخل بودتنهادر آبدات منفرد وبسیارسهم به‌بیرون عمارت نیز توجه‌میشد ولی‌روی عمارت ایوان‌دار به‌سمت داخل می‌بود .

باری تنها نتیجه‌ممکن که ازعمارات تیموریان میتوان گرفت اینست که‌اولادچنگیز و تیموربادب دوستی وهنرپروری خود روی سیاه پدران خودراسفید کردند وبرزخم هاییکه آنها گذاشته بودند سرهم نهادند .

این دوره در بسیاری از هنر ها به‌ویژه در معماری ، رنسانس مشرق زمین است و بربسیاری از شگردها و مهارت‌های معماری آن دوره نه‌قبل‌از تیموریان و نه‌بعداز آن کسی دست یافت .آبدات تیموری‌هانام معمارانی چون قوام الدین را همیشه زنده نگه‌خواهد داشت . نگهداشت و ترمیم این‌آبدات ازمهم‌ترین وظایف‌مقامات مسؤل است‌و ایجاب توجه‌زیاد را می‌نماید .

## پاورقی ها

(۱ و۲) تاریخ مختصرافغانستان . پوهاندعبدالحی‌حبیبی. جلددوم، ۱۳۴۶ ،مطبعه‌دولتی کابل ،ص ۲۱

(۳) ،معماری‌اسلامی هرات ، ،مطبعه‌دولتی کابل ۱۳۶۰

(۴) ،۵) هشت‌ضلعی در مقبره‌های‌اسلامی یك ضرورت‌تاریخی‌یاسمبولیزم میتافزیکی ،نوشته ریتاتاپلو .ترجمه کیوان ،مجله‌باستان شناسی ،شماره‌دوم ،سال‌دوم ، ص ۱۲۵

(۶ و۷)معماری اسلامی‌هرات ص ۱۵۱

(۸ ) هشت‌ضلعی‌در مقبره‌های اسلامی.....) ازقول تی پی‌هاکیس‌درمیان‌ترکان مقبره آنقدر بااهمیت‌تلقی می‌شد که اکثرآنان درزمان حیات خویش به‌اعمارآن اقدام‌می‌نمودند تاسبادا جا نشینان شان بعدازمرگ آن ها ،توجهی‌به حال شان نه‌کنند وعمارت باشکوهی برمزار آنهابلند نشود .ص ۱۲۵

(۹) مجله هنروسردم ،شماره۱۲۷ ،طاقنماونغول‌درآثار تاریخی اسلامی‌ایران ،داکتر عباس زمانی ص۲۵

نغول به‌آن نوع طاقنما اطلاق‌میشود که‌قسمت‌بالایی‌آن توسط‌یك‌خط مستقیم محاط‌می‌شود نه‌توسط یك کمان ومیتواندارای فرورفتگی باشد .یعنی نغول حقیقی و یاتنها نقش‌آن توسط کاشی‌یانقاشی‌بروی دیوارایجادشود که‌دراین‌صورت‌بنام طاقنمایا نغول نمایشی‌یاد می‌شود ودرمورد یکه‌ازآن‌صحبت می‌شود ازنوع دوم‌یانغول نمایشی آن است .

(۱۰) تاریخ مزارشریف واقع بلخ ،حافظ نورمحمد کهگدایی چاپ‌وفا ،لاهور ،سنه چاپ ندارد .ص۵۶

(۱۱)باستا نشناسی افغانستان ازگذشته‌های دورتاعهد تیموری ،اف آر الچین و نورمن‌ها سوند ،۱۹۸۱ ،لندن ،آرت تیموریان ،فیشر ،ص ۳۹۱ .

(۱۲) Monuments

(۱۳) Tension and compresion forces

(۱۴) آژندگلی که‌درساختمان روی‌سنگ یاآجر می کشند و بعدسنگ‌یاآجر دیگر را روی آن‌می‌گذارنددر زبان عربی آنرا ملاطمی‌گویند .فرهنگ‌عمید ۱۳۵۵ ،حسن‌عمید .تهران.

(۱۵) Opening

(۱۶) قطرگنبد حوض چارسوق در هرات ۱۹/۵ متراست .گنبدسلطانیه‌د رایران زیاد تراز ۲۲متر قطر دارد .

(۱۷ ،۱۸ ،۱۹ ،۲۰)این‌سه شماره‌درلست سهوشده است .

(۲۱ ،۲۲)مستك‌سقفی‌واژه‌ایست که توسط داکتر روان‌فرهادی دریك‌صحبت شخصی برای کلمه squinch وضع‌گردیده، و هم‌او مستك‌داسنی‌را برای کلمه pendentive معادل‌دانست چون‌این کلمات‌تاحدزیادی میتوانست معادل کلمات همگون‌آن درانگلیسی باشدازآن استفاده نمودم .ناگفته نباید گذاشت که در فارسی گاهی کلماتی ازقبیل گوشوار به جای squinch-و شکنج به‌عوض pendentive استعمال‌شده‌است راجع به‌این کلمات‌در مجله باستانشناسی شماره مسلسل (۸)در پاورقی مقاله نه‌گنبدبلخ نبشته نگارنده بقدر کافی توضیح ارایه‌شده است علاقه‌مندان‌میتوانند به‌آن مراجعه‌نمایند .

(۲۳) dram -

(۲۴) side trust -

(۲۵) یك موزیم‌درفضای آزاد، گالینا پوگاچینکوا ،تاشکند، ۱۹۸۱ ،ص ۸۸ کلده‌درویشی ص۹۵ منبره‌نوسن آقا(۱۴۰۵،۱۴۰۶) میلادی ،شاه‌زنده‌قرن ۱۴،۱۵ص ۹۲ گورامیر۱۴۰۴ میلادی ص۱۱۷ ،۱۱۸ ،۱۱۹ کلده دروینی .ساحه‌ریگستان قرن پانزدهم وهفدهم‌صفحات ۱۲۲ ،۱۲۳ ،۱۲۴ -مدرسه شیردر۱۶۱۹-۱۶۳۶ میلادی‌ص۱۲۷- ۱۲۸ مدرسه‌طلاکاری ۱۶۴۷ -۱۶۶۰ میلادی ص۱۳۲ ملاحظه شود .

(۲۶) درمورد گنبدهای این‌آبده رجوع شودبه کتاب «رهنمای هرات» تالیف محمدابراهیم‌رجایی (هرات: مطبعهٔ‌دولتی، نشرکرده‌مؤسسه طبع کتب هرات) ۱۳۴۷.

مولف محترم تعداد گنبدهای آن را چنانکه ذکر نموده اند ولی آنطوریکه از نزدیک مشاهده شده و تراش مربوط آن اخذ گردیده است آبده مذکور دارای سه گنبد می باشد .

(۲۷) باستانشناسی افغانستان از ادوار قدیم تا عهد تیموری (نگارنده) .

(۲۸) مزار شریف واقع بلخ . حافظ نور محمد کهگدایی .

(۲۹) گازرگاه ، فکری سلجوقی . کابل ، میزان ۱۳۴۱ ، مطبعه دولتی ص ۳۲ ، مطالب بالا در حاشیه صفحه متذکره آمده است .

(۳۰) نتایج این تحقیق که تا حال تکمیل نشده در رساله جداگانه بدست نشر سپرده خواهد شد.

(۳۱) - Depth of friezing line

(۳۲) این خشت ها خیلی مقاوم بوده ، در مقابل رطوبت و فشار تخریب نمی شوند ، رنگ آن ها سبز بوده ، و در اثر حرارت زیاد قسمت تحتانی داش به این شکل در می آیند .

(۳۳) مزار شریف واقع بلخ .

(۳۴) گنبدهای مقبره سلطان حسین بایقرا موجود نیست تا بر آن قضاوت کنیم و هم قابل تذکر است که گنبدهای دومی مزار شریف قرار نگارش کهگدایی بعدی است .

(۳۵) سروی آرت فارس ، پوپ ، ص ۱۱۳۲ مقاله رابرت بایرون (ساختمان گنبدهای تیموری)

(۳۶) مجله هنر و مردم شماره ۱۳۱ داکتر عباس زمانی ، تهران گنبد دو پوش تزئینی در آثار تاریخی اسلامی ، ص ۴۸۰ .

(۳۷) ایضاً ص ۵۷

(۳۸) خطوطی که جهت نگاه را به بالا رهنمایی میکنند در آبدات مذهبی تمام ادیان سماوی ذهن ناخود آگاه بیننده را به آسمان و در نهایت به خداوند (ج) متوجه میسازد . (نگارنده)

(۳۹) متک سقفی یا squinch که بعضاً بنام گوشوار نیز یاد شده در آبدات ساسانی، هخامنشی ، کوشانی و در گنبدهای بین النهرین زیاد استفاده شده . و به همین مناسبت به نام ساحه تحول شرقی نیز مشهور است در حالیکه متک نوع دامنی اکثراً در آبدات روم تاریخی و در غرب مورد استعمال داشته و این نوع راه حل برای تبدیل چارضلعی پلان به دایره گنبد توسط آنها کشف شده که آنرا بنام pendentive یا متک نوع بیزانین وغیره یاد میکنند . (نگارنده)

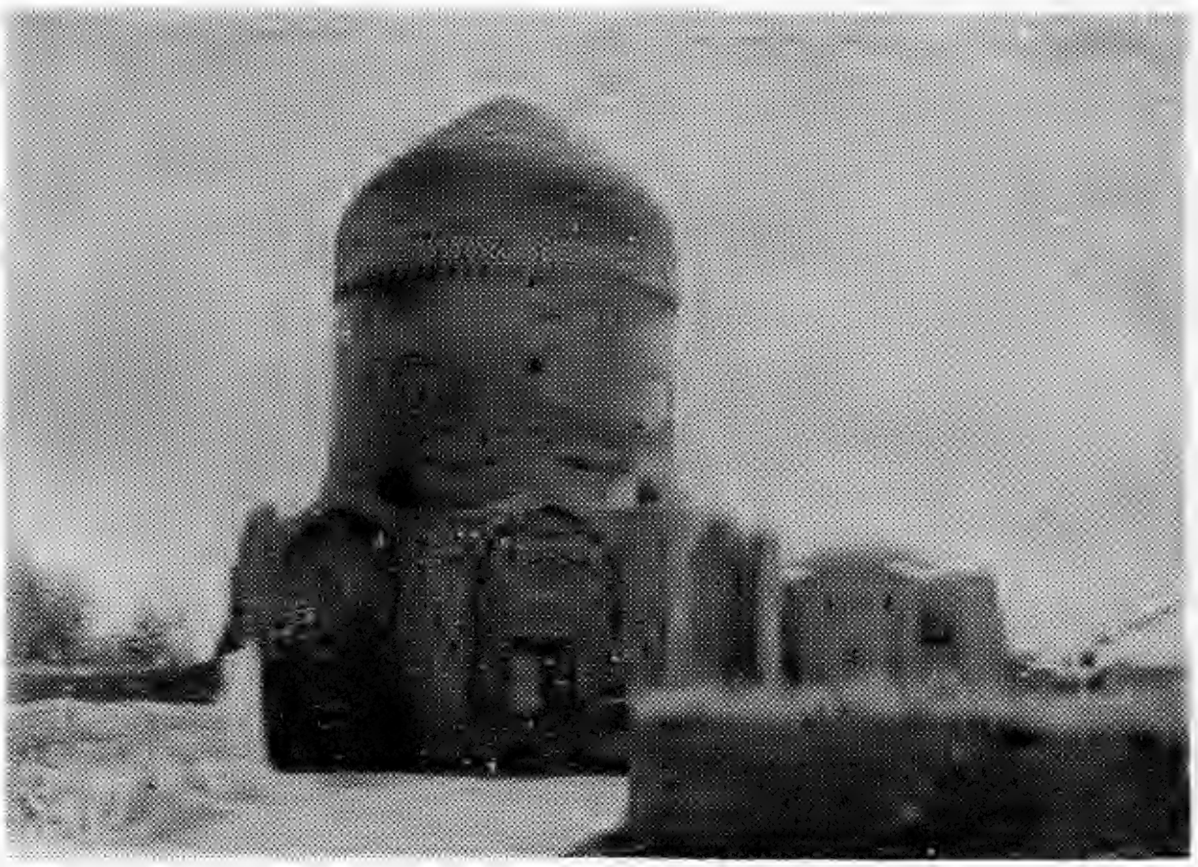

گنبد گوهرشاد در کوهسان ۰

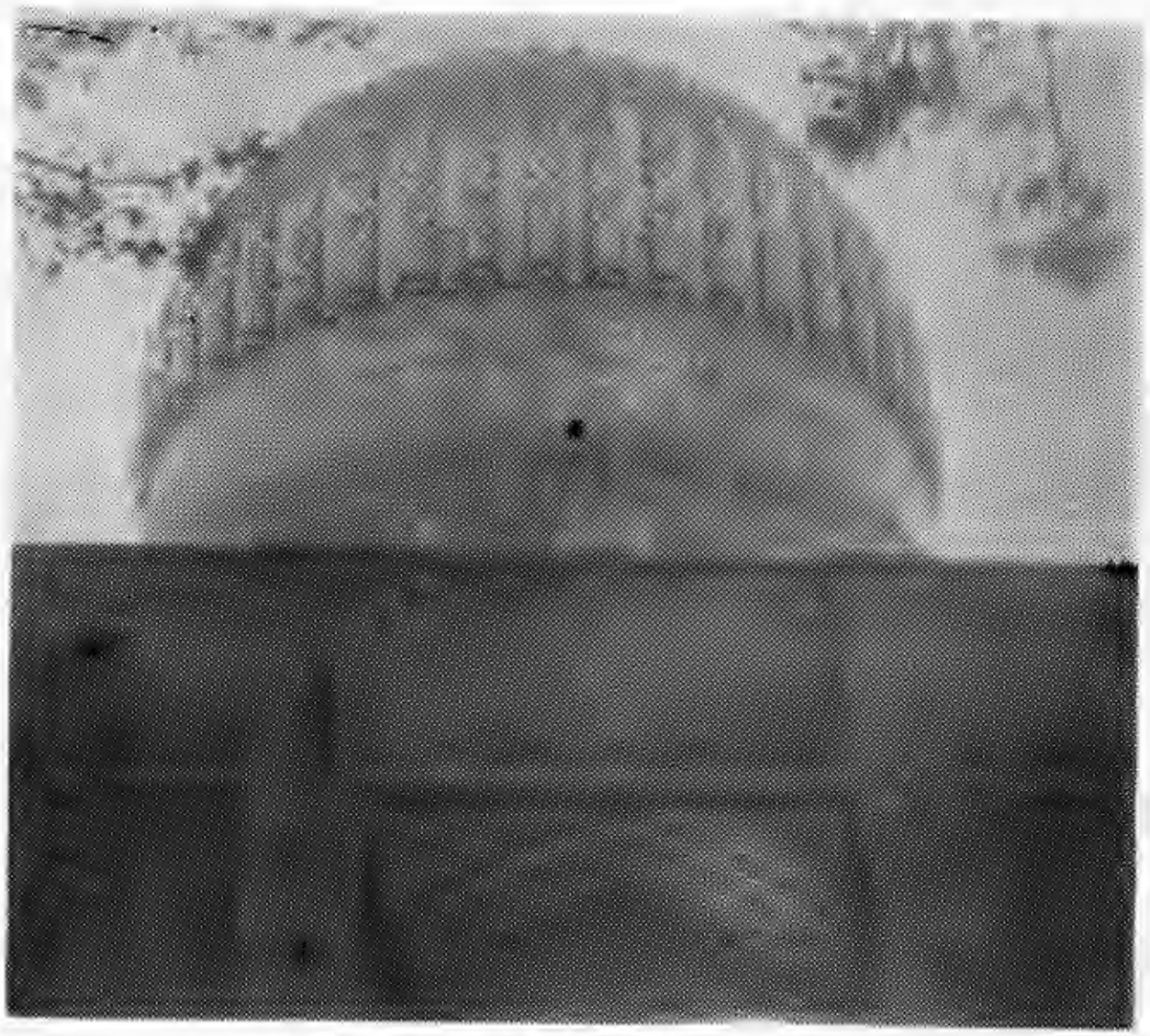

گنبد زیبای گوهر شاد در شهر هرات.

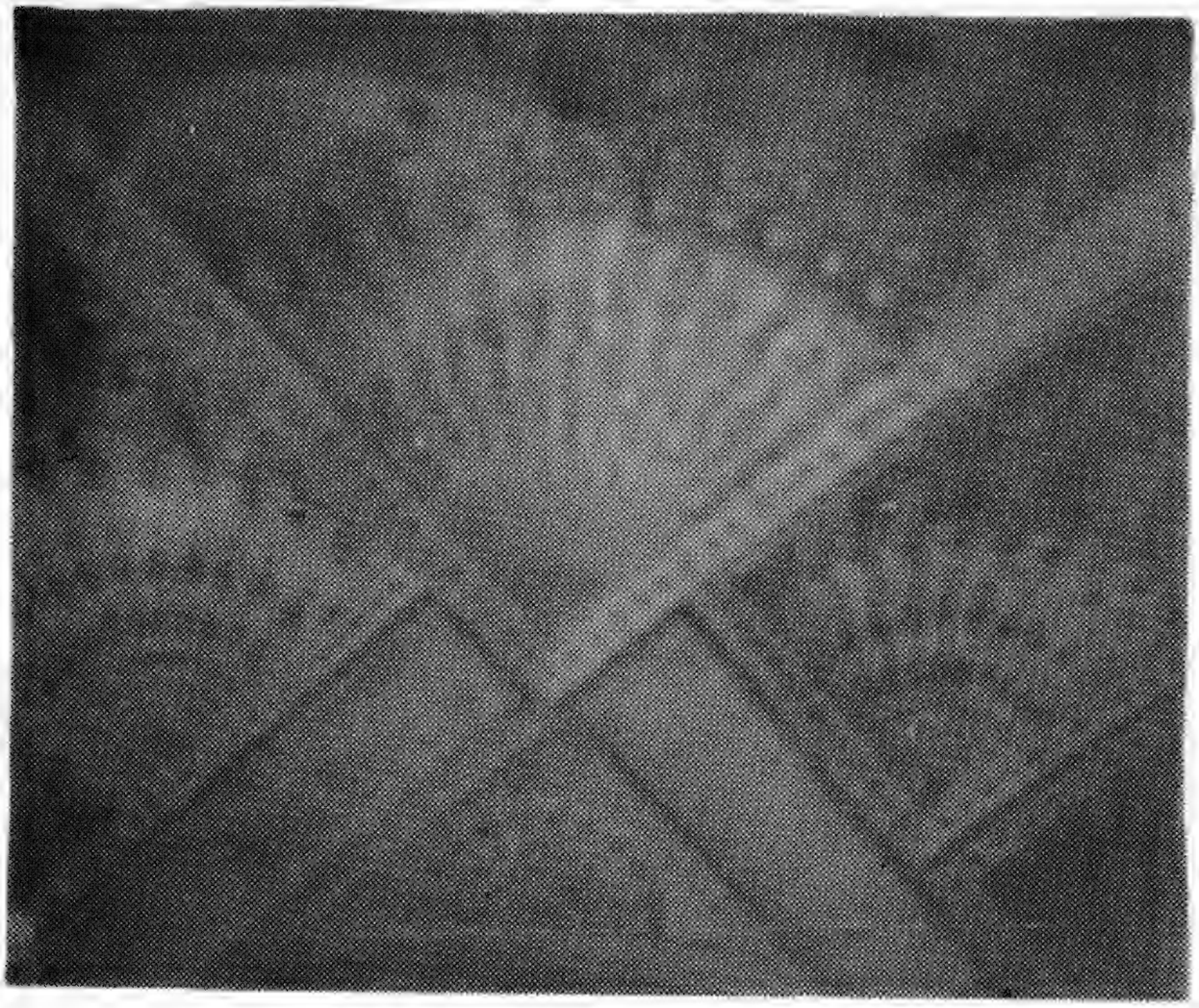

تزئینات وشیوه سا ختمانی سقف درونی گنبد گوهرشاد درشهرهرات

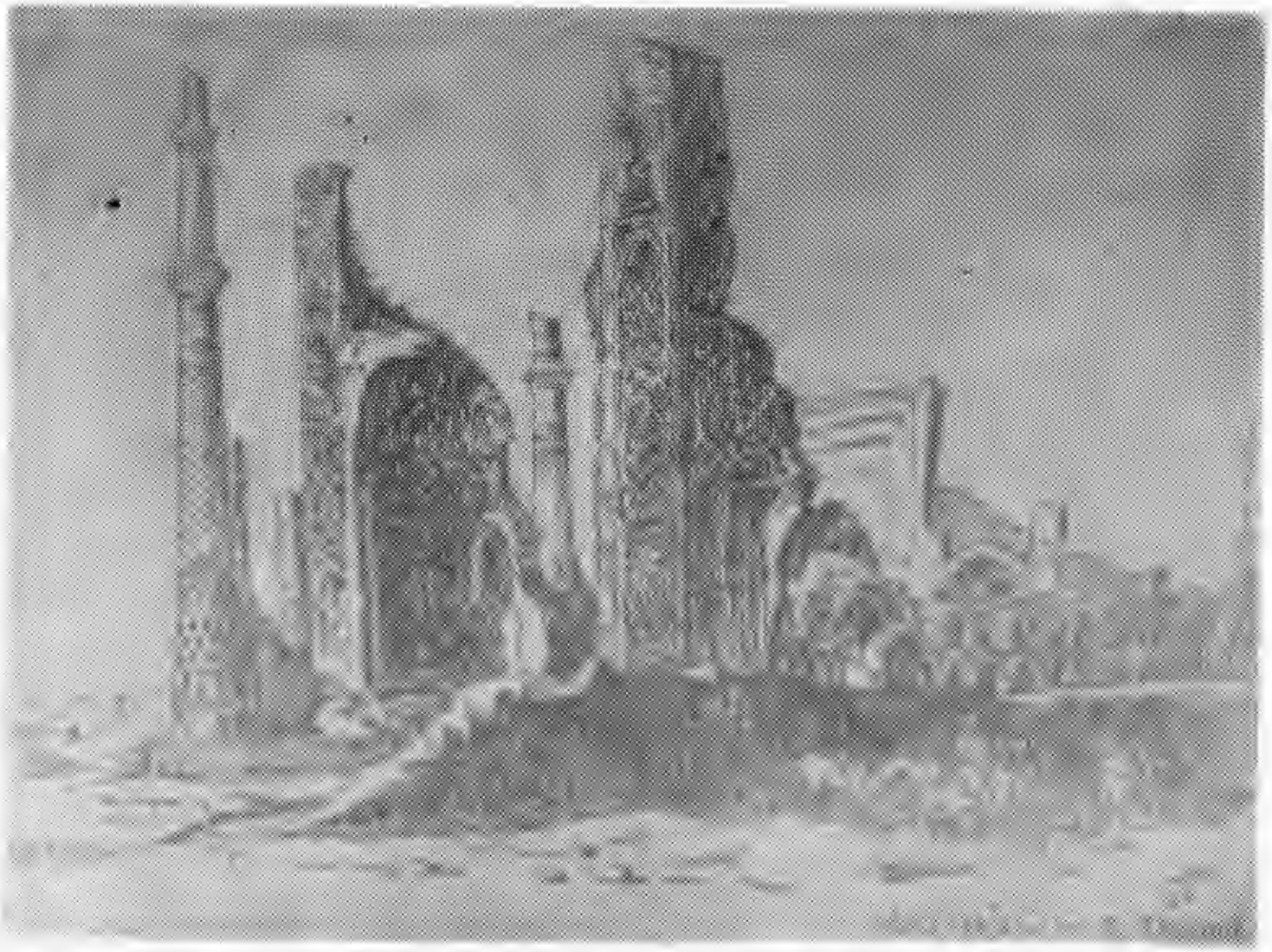

ایوان مدرسهٔ سلطان حسین (۱۹۰۱ قبل از انهدام کامل) رسم ازخانیکوف ۱۸۶۹م ـ گابی
نقل از کتاب معروف آرت فارس، پوپ ۲۰

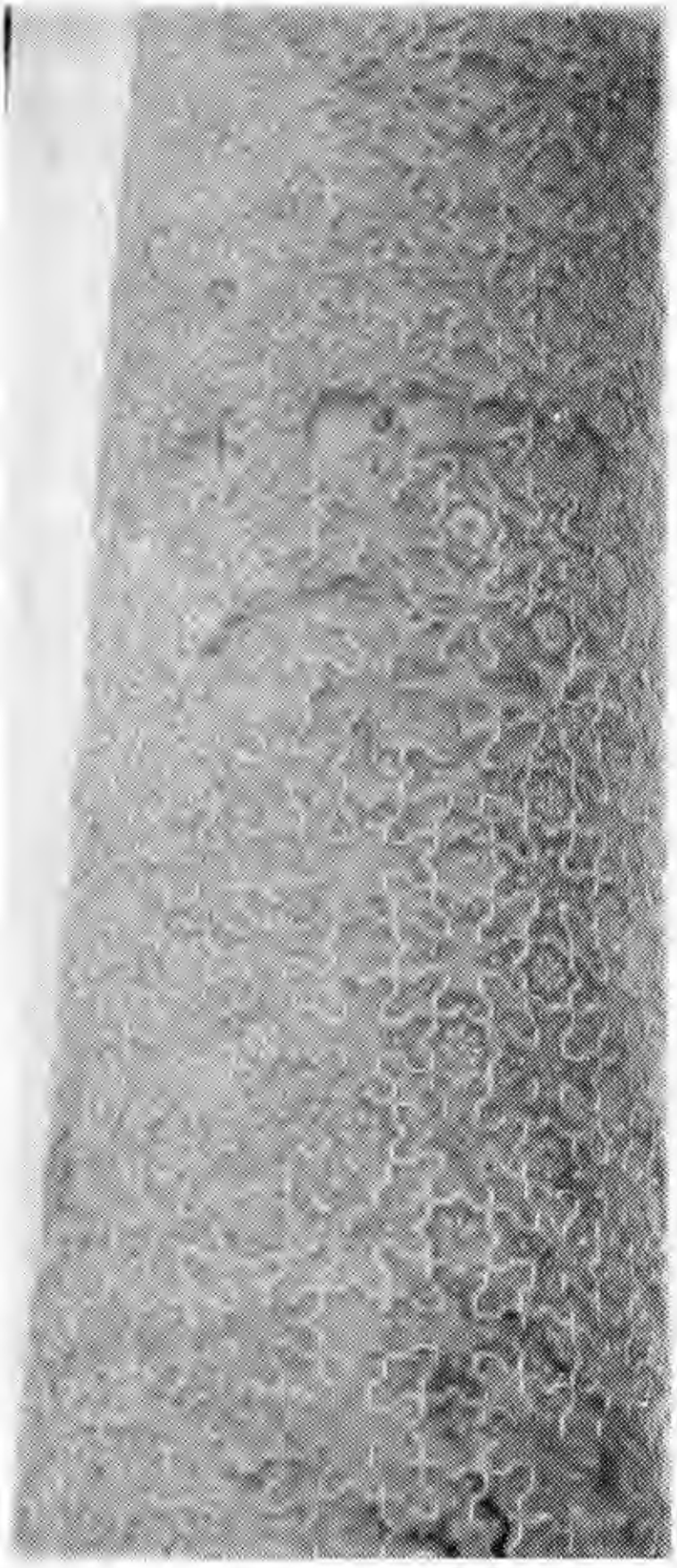

تزئینات کاشی نشان در یکی از مینارهای
مدرسهٔ سلطان حسین بایقرا در مصلی‌هرات

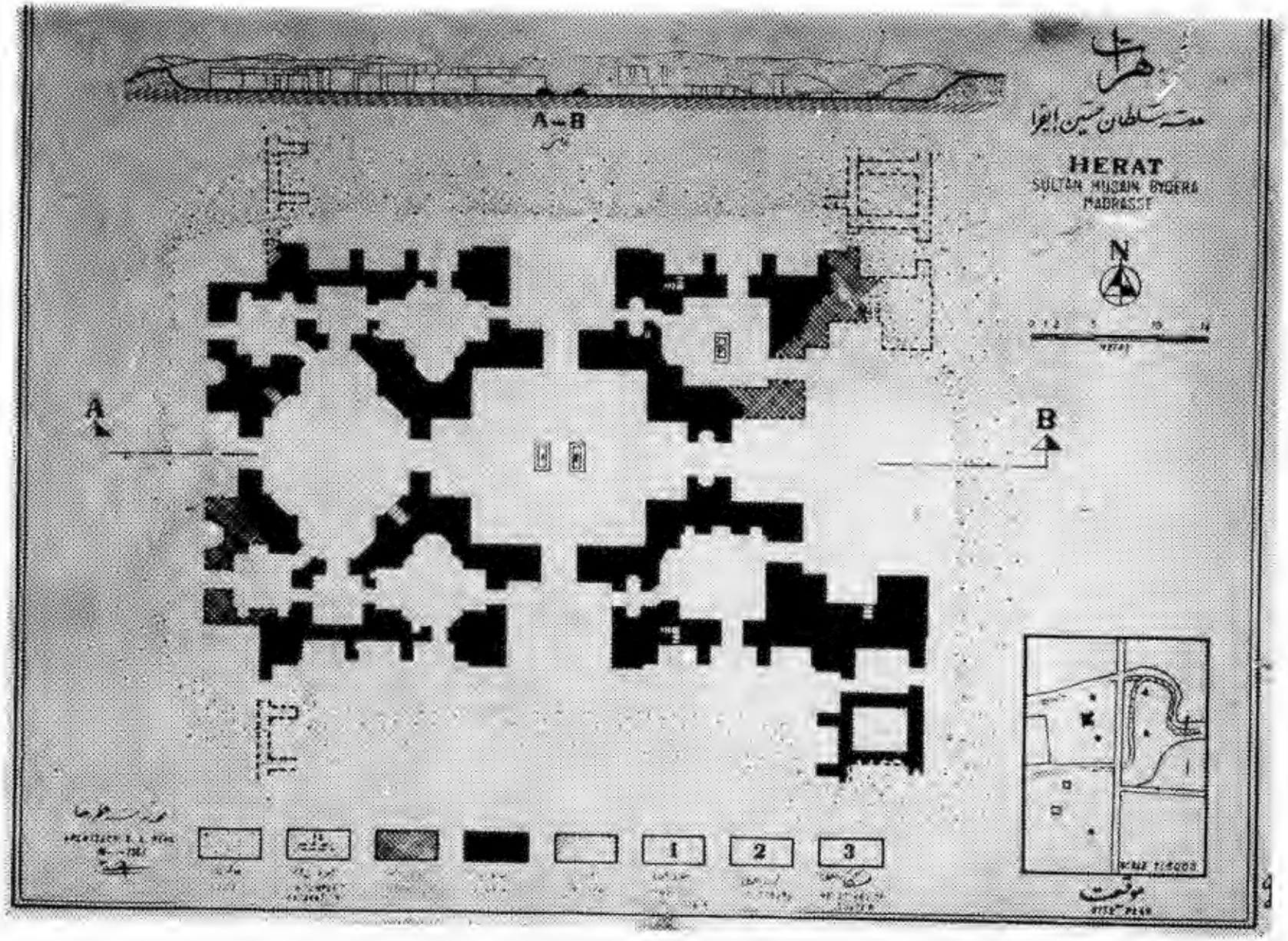
هرات
مدرسه سلطان حسین بایقرا
HERAT
SULTAN HUSAIN BAIQRA
MADRASSE
N
A
B
A–B
1
2
3

ایوان جنوبی روضهٔ مزارشریف ۰

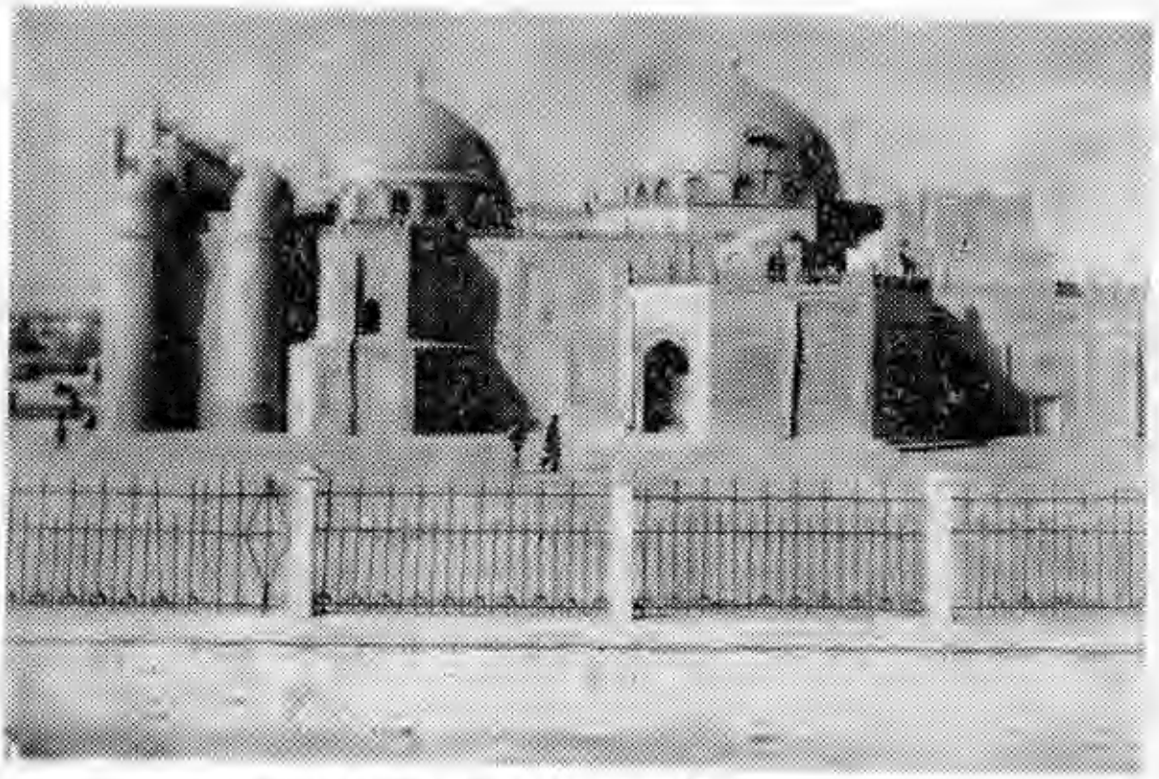

نمای سمت شرق روضهٔ مزار شریف ۰

# مقبره گوهرشاد در گوهرستان

الف : مقبره اصلی هشت ضلعی

ب : قبرها

ج : مسجد

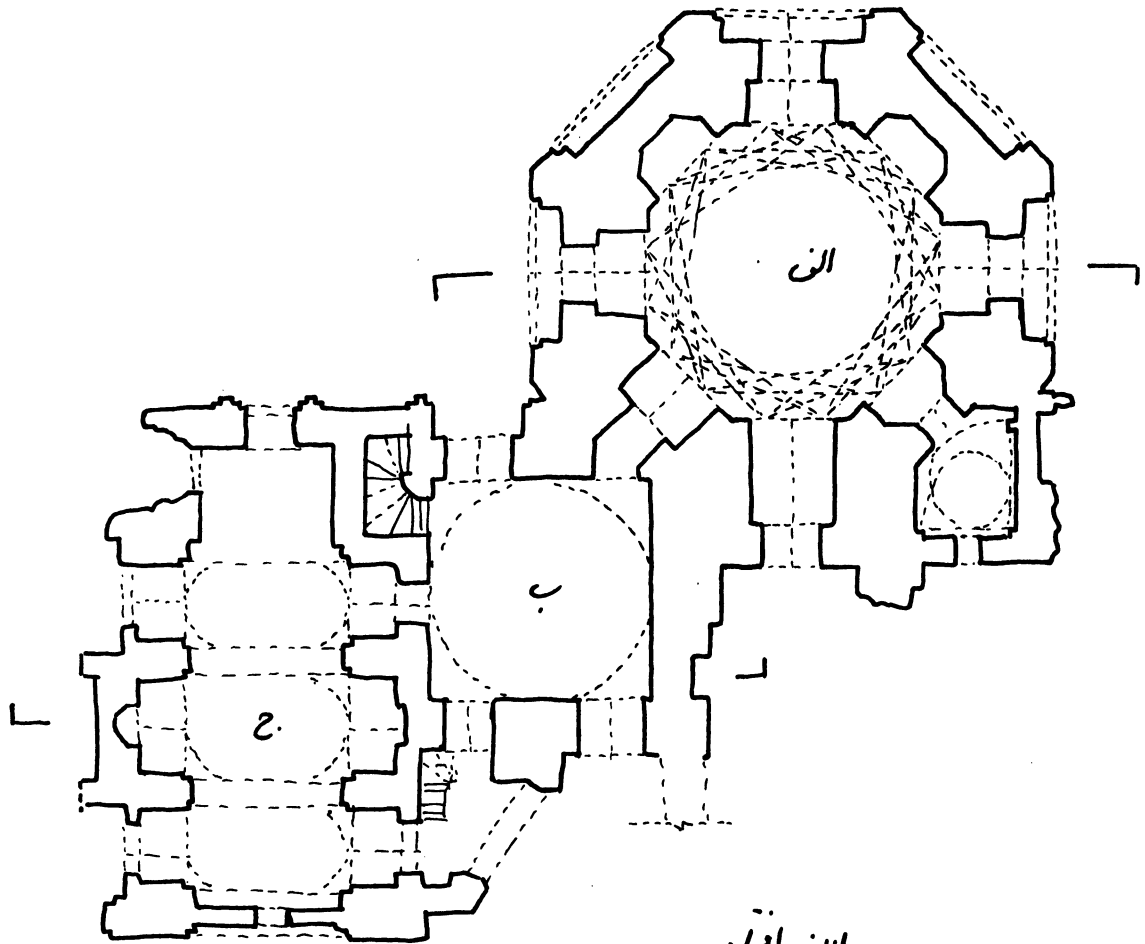


پلان افتاده

شمال

0 5 10

1 : 200

ترسیم از احمد تکمیل تالک

# مقبره گوهرشاد در کوهپایه

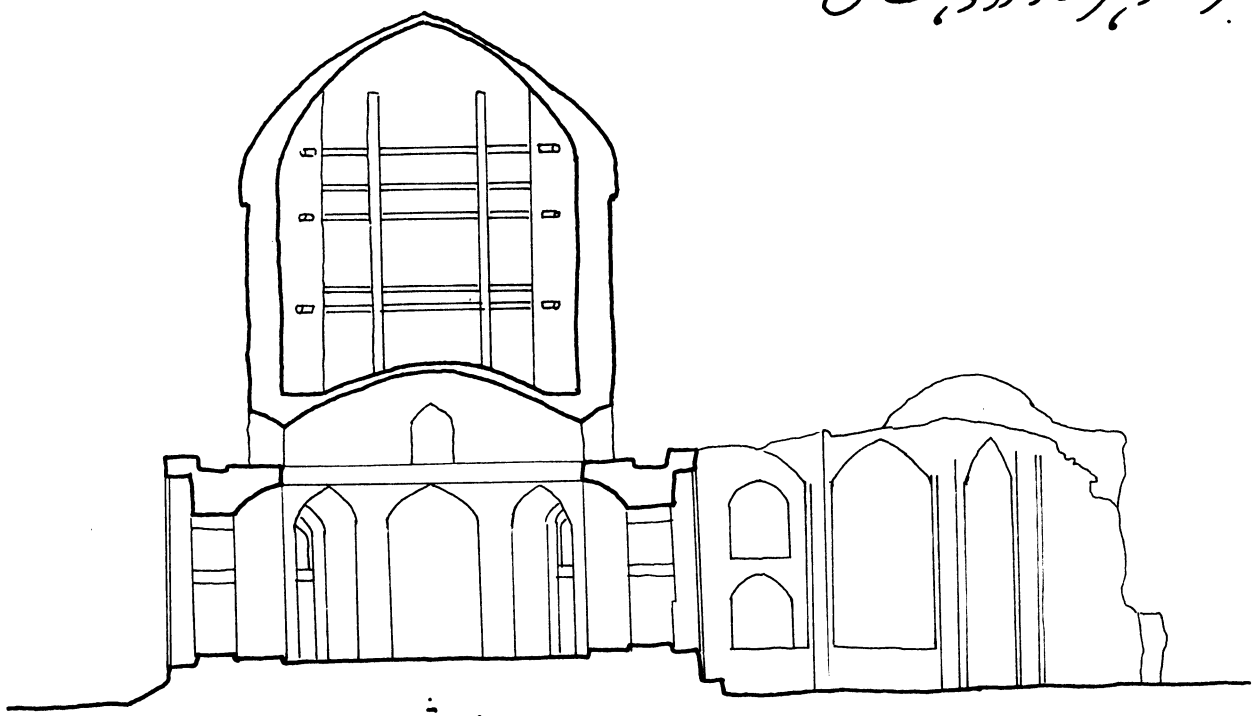

تراش

0 1 5 10

1:200

ترسیم از احمد شکیب ثابتی

# مقبره گوهرشاد در هرات

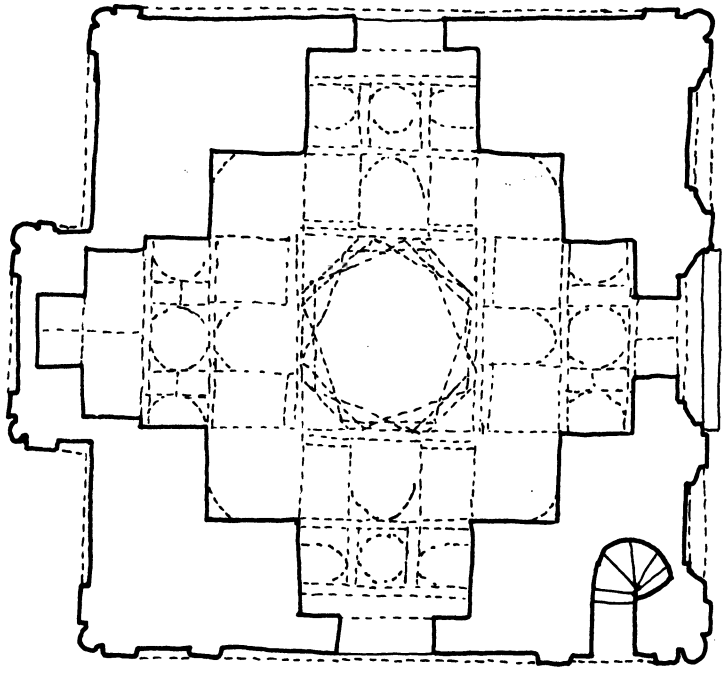

پلان افتاده

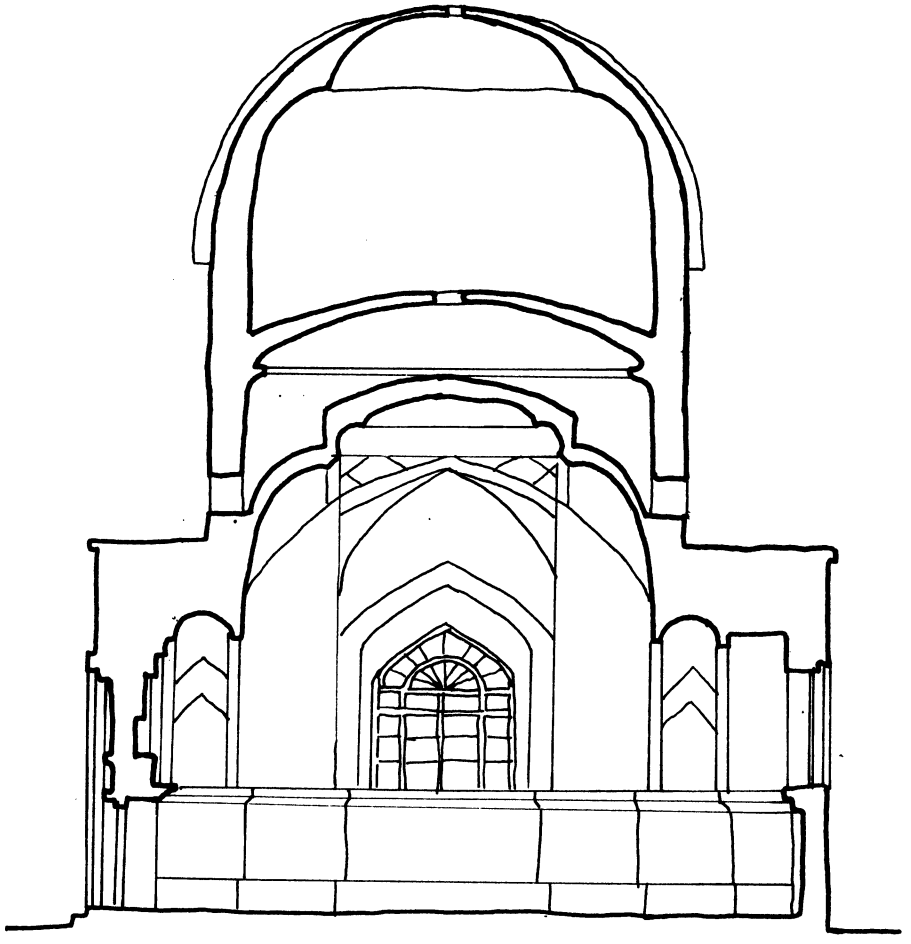

تراش

شمال

0 1 5 10

1 : 200

ترسیم از احمد تکمیل شالک

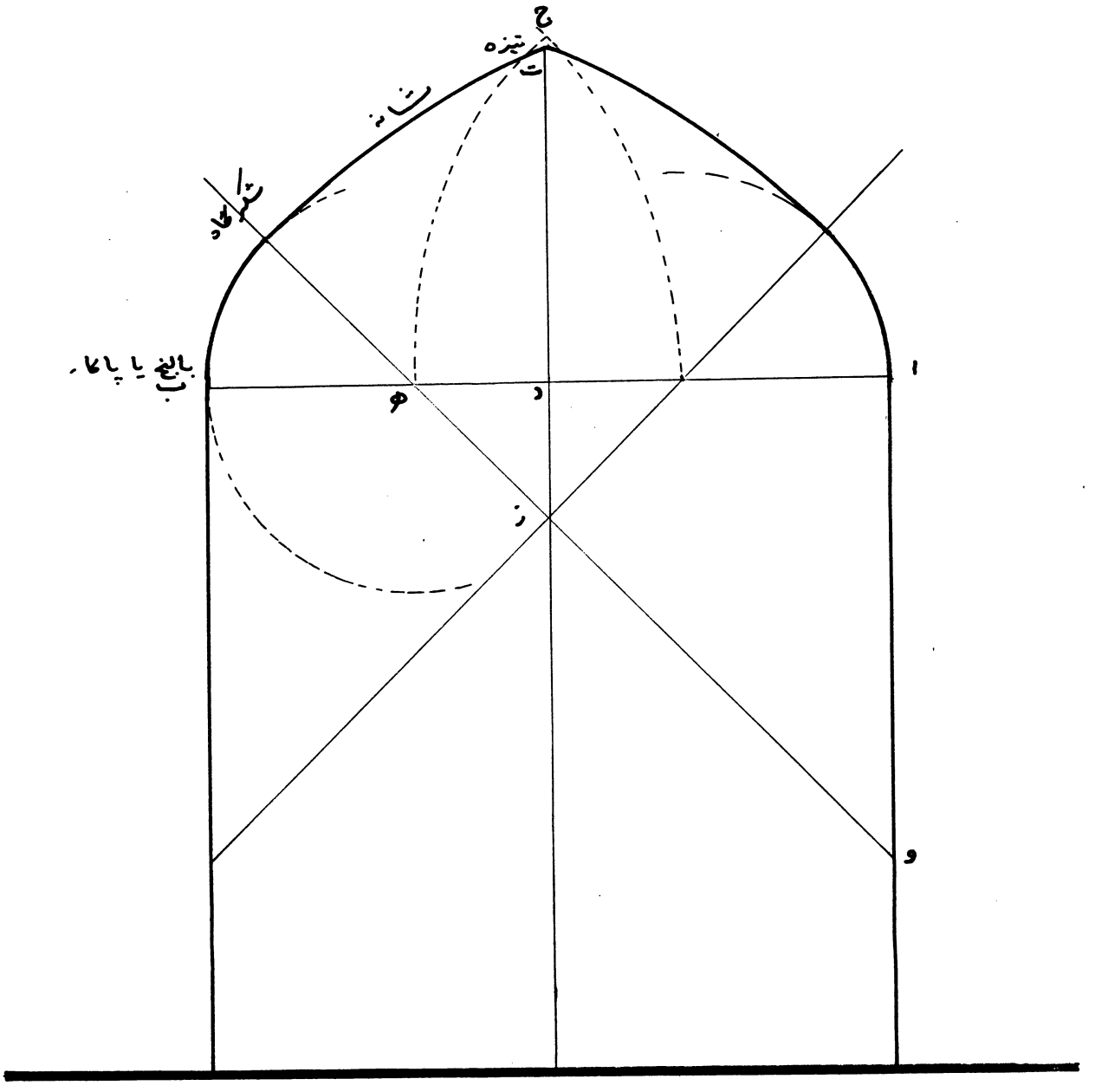


هز = هب

اه = اج

زو = زج

دز = ده

ه ← مرکز پاکار یا بالبخ

و ← مرکز شانه

دت ← افراز

اب ← دهانه

خیز = افراز بر دهانه

کمان تیمورف و طریقه
ترسیم آن

# پلان روضہ مبارک مزار شریف

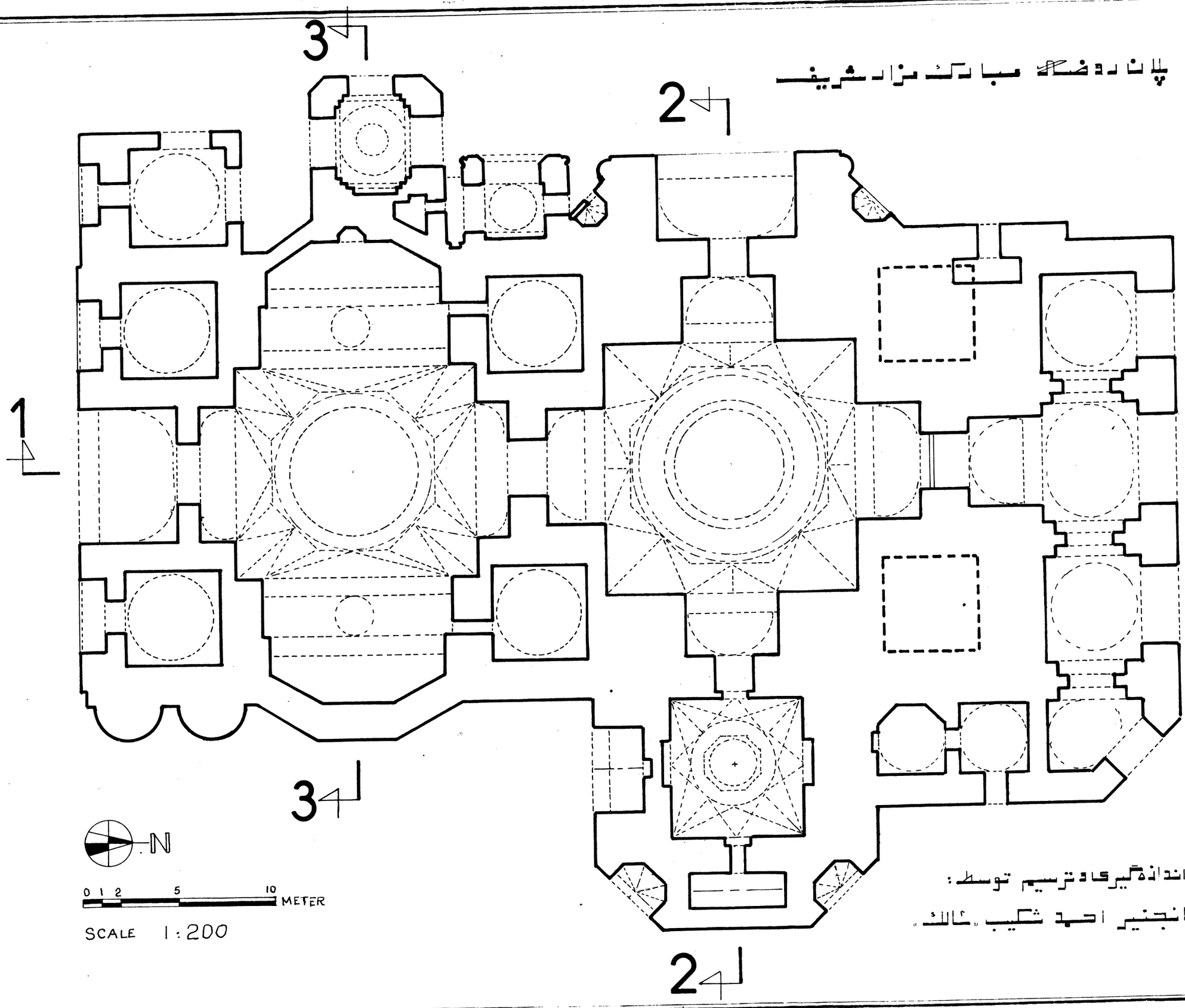


اندازہ گیری و ترسیم توسط:

انجنیر احمد شکیب "عالک"

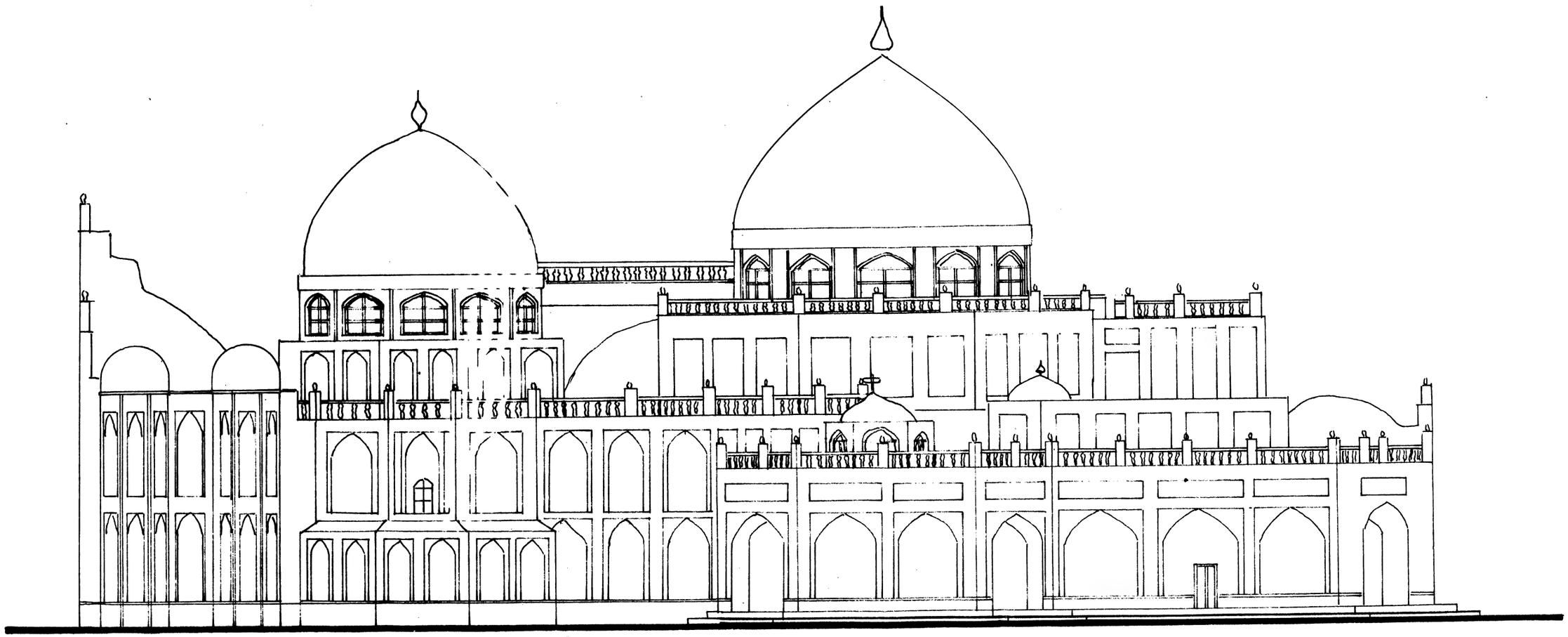

# East Elevation.

0 1 2 5 10 METER.

BY: ENG. A. SHAKIB "Salik"

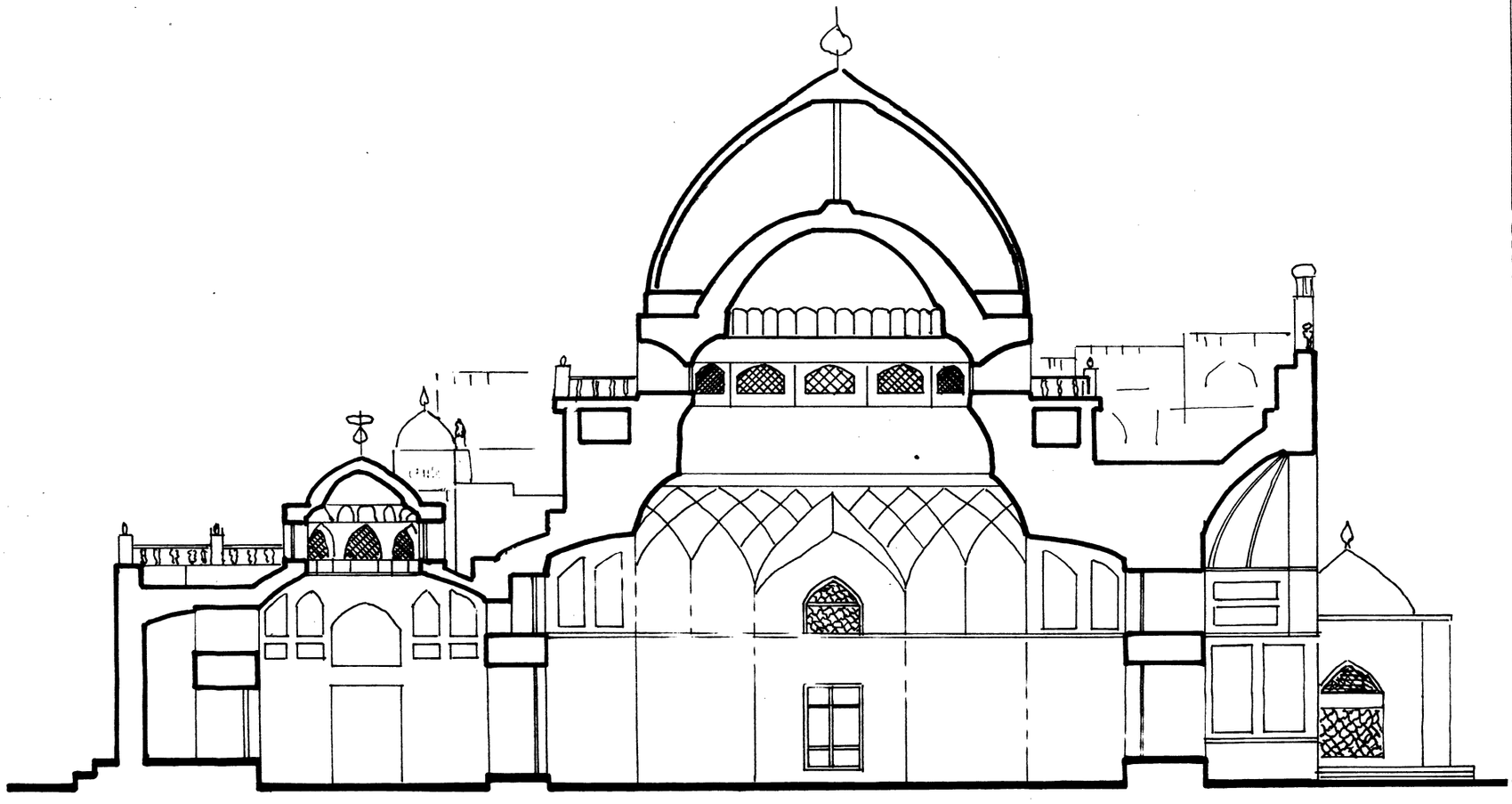

Sec. 2_2

0 1 2 5 10 M.

BY. A. SHAKIB "SALIK"

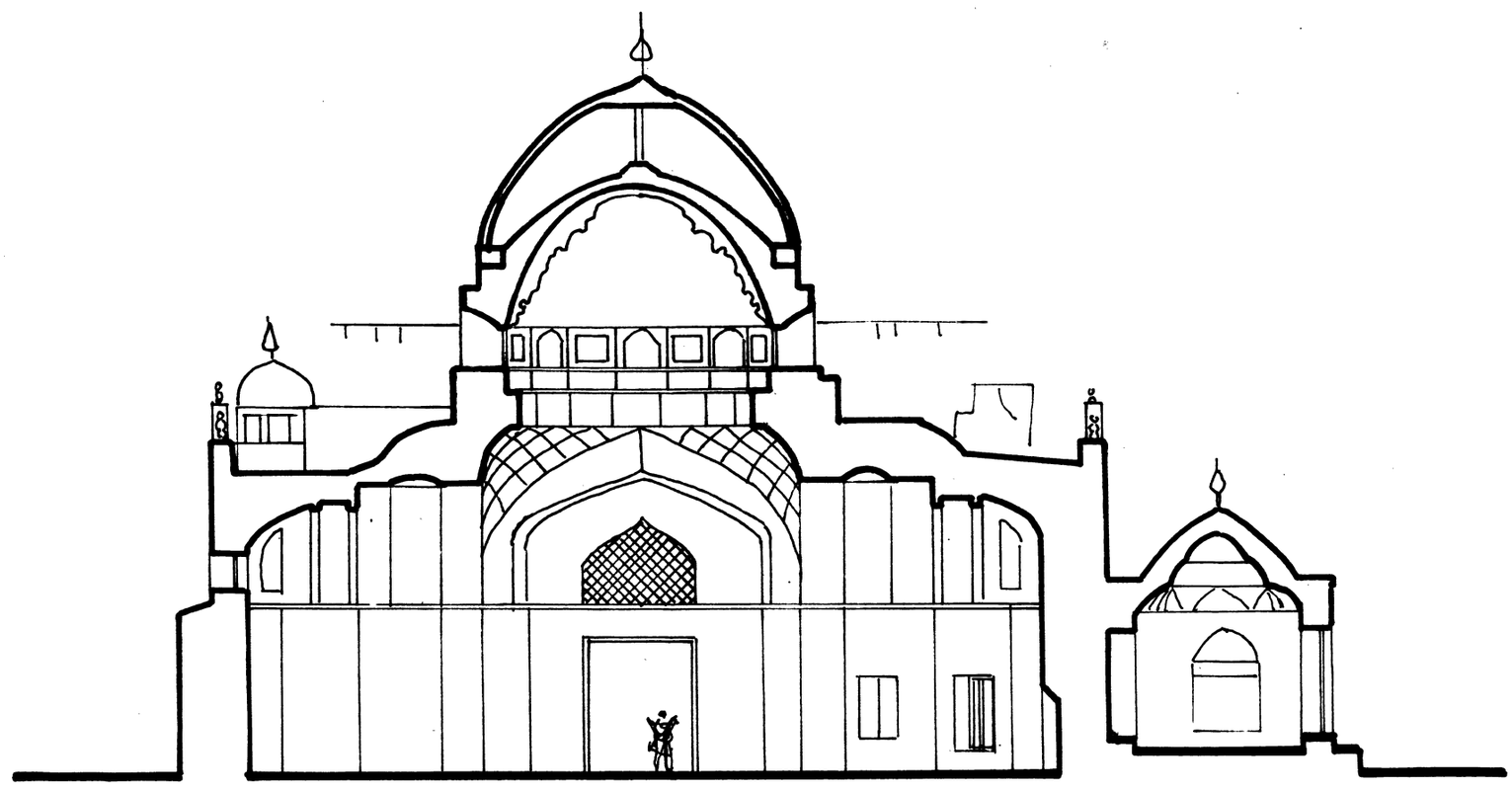

Sec. 3_3

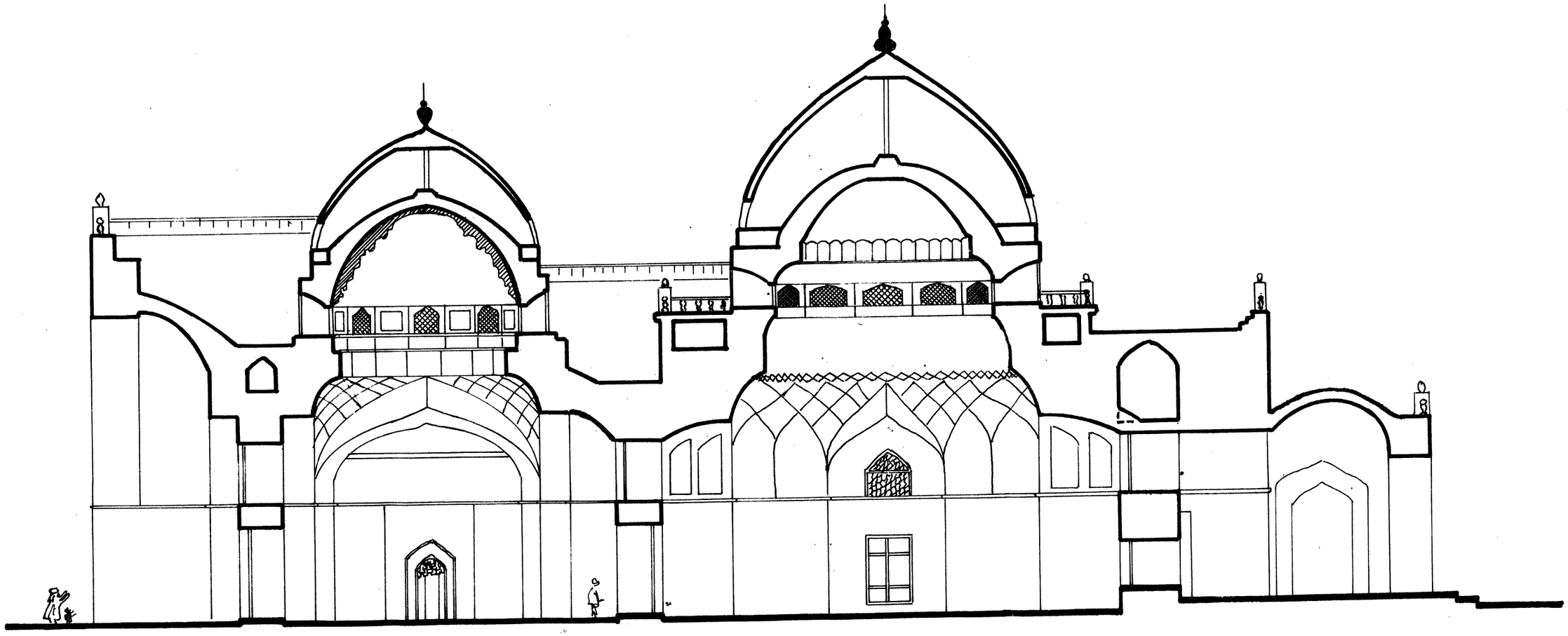

# Sec. 1_1

0 1 2 5 10 METER.

BY: ENG. A. SHAKIB "Salik"

(۴۰) pendentive یاشکنج

(۴۱) چون تقریباً همیشه ساحات تحول توسط تزئینات به ویژه رسم بندی و مقرنس پوشانیده شده مشکل تفکیک این دو نوع سیستم به‌وجود می آید

(۴۲) و (۴۳) سروی آرت فارس، مقاله رابرت بایرون ص (۱۱۲۱) جلد سوم

(۴۴) متک داسنی

(۴۵) متک سقفی

(۴۶) pointed arch

(۴۷) برای شناخت قسمت های مختلف کمان به رسم ضمیمه رساله هذا مراجعه نمایید و هم علاقه مندان طرق ساختمان کمان میتوانند به مجله هنر و مردم شماره ۱۴۲ مقاله محمد کریم پیرنیا تحت عنوان جناغ و کلیل مراجعه کنند که رسم مذکور نیز ازمقاله ایشان کاپی و اقتباس شده‌است.

## لست مآخذ

۱- حبیبی، عبدالحی، تاریخ مختصر افغانستان، جلد دوم، ۱۳۴۶ مطبعه دولتی کابل

۲ مجله- هنر و مردم، شماره های ۹۳، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۶، ۱۲۱، ۱۲۷، ۱۳۱، و ۱۴۲- چاپ وزارت فرهنگ وهنر ایران، تهران.

۳- کهگدایی، حافظ نور محمد. تاریخ مزار شریف واقع بلخ، مطبعه وفا چاپ لاهور پاکستان، سنه چاپ ندارد.

۴- رجائی، محمد ابراهیم. رهنمای هرات، ۱۳۴۷، مطبعه دولتی هرات، باسقدمه، تعلیق و تکمله محمد علم غواص.

۵ مجله هرات باستان، شماره های ۸، ۹، ۱۰، نشریه مدیریت ریسرچ پروژه بین المللی هرات، ریاست کوشانی، مطبعه دولتی کابل.

۶- مجله باستانشناسی افغانستان، شماره دوم سال دوم، نشریه مدیریت عمومی باستانشناسی کابل.

7. Fischer, K. From the Mongols to the Mughuls pp. 379-404 Archaelogy of Afghanistan from earliest time 90. The Timurid period, Edited by F. R. Allchin and N. Hammond, London, 1982.
8. Islamic Architecture in Herat, Kabul, 1981.
9. Restoration of Monuments in erat, UNESO printed in Italy 1981, technical report.
10. Rice, David Talbot, Islamic Art, London, 1977.
11. Golombek, Lisa, the Timurid Shrine at Gazargah, Toronto Press, 1969.
12. World Architecture, London, 1963, different editors.
13. Pugachenkova, G. A.,A Museum in the open, Tashkent, 1981.
14. Hill, Derek and Grabar Oleg, Islamic Architecture and its decoration, London, 1967.

۱۵-انصاری ،محمود . سیری در معماری ایران ، تهران ، ۱۳۵۰

۱۶ - پوگاچینکوا ، گالینا . تاریخ صنایع افغانستان ترجمه محمدصدیق طرزی ،مطبعه دولتی کابل ، ۱۳۵۷

۱۷- کونل ، ارنست ، هنر اسلامی ،ترجمه عنایت هوشنگ طاهری مطبعه چاپ آزادی، تهران ۱۳۴۷

۱۸- مجله های آریانا شماره های ۱۸۰ دور پانزدهم شماره ۲۵۱

۱۹ -مجله باستانشناسی افغانستان شماره مسلسل هشتم

20. POPE, Arthur Uphan, A survey of Persian Art vol. III, Oxford University Press, London, 1964.

۲۱-سلجوقی ، فکری . گازرگاه ،مطبعه دولتی ، کابل ۱۳۴۱

ترجمه و تحقیق از :
پوهاند دکتر جلال الدین صدیقی

# هرات ازنظر جهانگردان

## بازتاب هرات درسفرنامه فریه

(جهت اطلاع خوانندگان این بخش یادآور باید شد که بعد ازاین تلاش میشود تا گزیده یی ازسفرنامهٔ فریه که بیشتر به مسایل تاریخی وسوابق انسانی اما کنی که فریه بازدید کرده مربوط میشود ترجمه گردد وبا بررسی مختصر ارائه گردد. هرچند که مترجم این سطور بدین باور است که بیشتر مطالبی راکه جهانگردان درباره کشورعزیز ما درگذشته نگاشته اند، به نحوی از انجا بیا نگر اوضاع واحوال اجتماعی اقتصادی واداری وحتی باور های دینی مردم ماست که باید آنها را مطالعه نمود وشناخت کافی ووافی ازوضع مردم درگذشته ها حاصل نمود. در غیر آن مطالعات تاریخی برپایهٔ پژوهش تکاملی ومترقی مردم ما به تنهایی امکان پذیر نخواهد گشت.)

فریه در فصل پانزدهم سفرنامه اش به مناطقی از قبیل کافرقلعه که محل بودوباش ازبکان بوده ورباط عبدالله خان که در ناحیه خیرآباد واقع بوده است سفر کرده و با کوچیان در تماس آمده از وضع زنان وفقر و ناداری آنان وسکونت در کاروان سرای مترو که یی سخن زده وسپس به ناحیهٔ شبرغان رسیده است. اوسی نویسد که بتاریخ سوم جولای به شبرغان رسیده است. شبرغان قصبه یی است که دران دوازده هزار تن شامل از بیك ودری زبان زندگانی دارند اما اکثریت باشندگان این ناحیه را مردم ازبیك تشکیل میدهند. درداخل شهر بالاحصاری وجوددارد که محل سکونت حاکم آن بنام رستم خان میباشد ولی کدام حصار دیگری دران وجودندارد. این بالاحصار با باغستانها وسزارع زیبا احاطه شده است. مردم شبرغان دارای روحیه واخلاق عالی بوده مردمی اند شجاع ودلاور که در منطقه خوش آب و هوای دیارشان ازحیات سرفه برخوردارند. ولی خالیگاهی که درشبرغان به چشم می رسد همانا تامین آب درانجا میباشد که گاهی این منطقه به قلت آب مواجه گشته وحتی برسر آب جنگ‌ها ومنازعه های زیادی میان مردم باشندهٔ آن وکوچیهای آن بوقوع می پیوندد که مناطق زیادی ازاین گونه منازعات خساره مندی گردد. درشبرغان به تعداد دوهزار سرباز سواره و پنجصد سرباز پیاده نظام وجود دارد اما در حالات اضطراری میتوان ازاین ناحیه به تعدادشش هزار تن سرباز احضار نمود.

فریه بعدازارائه اطلاعات فوق الذکر درباره عزل حاکم آندیار مطالبی راآورده است وسپس به اندخوی توجه داده است. او در باره اندخوی می نویسد که نتوانسته است ازاین ناحیه دیدن نماید اما بنا به اطلاعات سماعی چنین دانسته که سه ربع باشندگان اندخوی که در سمت شمال غرب شبرغان افتاده مردم افشار میباشند که در زمان شاه عباس کبیر پادشاه صفوی بدین منطقه مسکن گزین گردیده اند و ربع باقیمانده را همانا مردم از بیك تشکیل میدهند حکومت اندخوی بدست خان افشار میباشدوجمعیت این ناحیه به پانزده هزارتن بالغ میشود. قوای نظامی که ازاین منطقه میتوان تدارك نمودعبارت از ۱۸۰۰ سوار کار و ۶۰۰ تن پیاده نظام میشود که در موقع ضرورت میتوان تعدادافراد نظامی مذکور را به سه چند افزایش داد. فریه سپس به معرفی آقچه

و بلخ و مزار شریف پرداخته، درباره مقبره حضرت علی کرم الله وجه مینویسد که « مزار در مجموع مورد توجه واحترام زیاد اهالی قرار دارد و بویژه فرقه شیعه بدین مزار بسیار ارادت می ورزند، زیرا در خواب یکی ازشهزاد گان تیموری درآمده است که حضرت علی داماد پیامبر اسلام، در انجامد فون است اما یقین اینست که مقبره این خلیفه درنجف نزدیك بغدادمیباشد

این مسجد و مقبره را سلطان حسین پادشاه هرات آباد کرده که بنام مزار شاه مردان مسمی گشته و اوقاف زیادی وقف آن گشته است که شامل خیرات وصدقات زوار نیز میگردد. در این مزار متولیان زیادی توظیف اند تا زیارت کنندگان انبوهی راکه از نواحی مختلف خانات آسیای مرکزی جهت زیارت بدانجا میشتابند پذیرائی کنند »

فریه از مزار شریف به خلم رفته وپای صحبت اشخاصی نشسته که‌در باره جنگ میرولی ودوست محمدخان امیر کابل اتفاق افتاده بود. هنگامیکه دوست محمد خان با امیر بخارا اعلام جنگ نموده بود از میرولی خواهش کرده بود تا برایش اجازه داده شود ناحیه زیراداره اش راعبور نمایداما از آنجائیکه میرولی باامیر بخارا روابط حسنه داشته بدین تقاضای دوست محمدخان پاسخ مثبتی نداد و چنین ابراز داشت که هرگاه‌سپاه افغانان درآن ناحیه سراز یر شوند این خطر موجود خواهد بود که آن‌منطقه راویران کرده وحکومت منطقه را خود تصاحب نماید. این بوده که جنگ‌بین دوست محمدخان ومیرولی‌خان اتفاق افتاده است. امابه نظر فریه این امر دلیل جنگ نبوده بلکه اصل علت منازعه چنین بوده است که وزیر اکبر خان فرزند دوست محمدخان در مدتیکه در خلم سکونت‌داشته دل به عشق کنیز قشنگی داده بوده که در دربار میرولی حاکم‌خلم می زیسته است. هنگام بازگشت بکابل این کنیز راجبراً باخودبه‌آنجا میبرد اما آن کنیز جوان وزیبابا استفاده ازاسکانات موجود راه‌فرار به‌خلم راسی یا بدونزد آقای قبلی اش‌می شتابد وفوق العاده زیر نظارت وی‌قرارمی گیرد. اکبر خان که‌درآتش عشق کنیز مذکور می‌سوخت و به پاسخ منفی‌میرولی مواجه میگشت پدرش راسجبورساخت تادست به‌جنگ بزند. فریه بعدازبیان این مطلب به

هیبك می رود و از انجا راهی کورم می شود. در فصل شانزدهم، فریه از منطقه کرچو دیدن کرده و مطالبی را درباره هزاره تاتاری که در کوه‌های واقع میان دریای خلم و دریای بلخ سکونت داشتند ارائه نموده است او از منطقه دهاس و سرپل سخن رانده به منطقه بودهی می رسد. در این منطقه در سر کوهی چند مجسمه و هیکل با کتیبه‌هایی توجه فریه را بخود جلب می نماید فریه میگوید مجسمه ها گروهی از شاخص راشامل میشد. یکی نمایندگی از پادشاهی می کرد که دربار کرده و مشغول صدور احکام برای دربار یانش میباشد، مرد قوی هیکلی درحالیکه با زنجیر های بسته شده به روی زمین افتاده و گویا مورد محاکمه قرار گرفته است. همچنین از چهره و بازوی راست سلطان که بطرف جلو کشانده شده چنین برمیاید که گویا شخصی را از زنجیر هایش آزاد ساخته باشد. شخصی که به زانو های شهزاده افتاده با وحشت تمام تقاضای ترحم و بخشودگی مینماید. عبارت عربی که در روی کتیبه نوشته شده بود نسبتا متاخر مینمود و ظاهر اچنین می نمود که باید درجای کتیبه یی قدیمی نوشته شده باشد. فریه میگوید که رهنمایش چیزی درباره هیکل ها و مجسمه ها نمی دانست ولی مردم آنرا یار عقیده داشتند که آن مجسمه ها را سلطان محمود غزنوی ساخته است.

در ناحیه ده حصار فریه از عقاید مردم سخن رانده و مینگارد که مردم صحرایی ازدین اسلام برداشت مبهمی دارند گاهی هم بنام حضرت علی و پیامبر اسلام سوگند یا دمیکنند اما این سوگند هایشان غالبا از برداشت قبلی آنان ازدین اسلام میباشد. همچون پارسیان کهن به دو اصل نیکی و بدی معتقد هستند.

عادات مردم صحرائی بیشتر بر مبنای نظام پدر شاهی استوار است غالبا از بشر بدور زندگی مینمایند و درجهل و نادانی بسر برده هرچند در برخورد نخستین خشن بنظر می رسند اما هنگامیکه با آنان تماس حاصل شود، فهمیده میشود که مردمی وارسته هستند و آن همه تکالیفی که مردم شهری بخاطر تامین رفاه شان برخود تحمیل کرده اند، مردم صحرائی ازان تکالیف بدور اند.

فریه در فصل هفدهم سفرنامه اش از سنگلک و کوهستان با باو دریا دره یا درهٔ مصطفی خان عبور کرده و درباره باشندگان آن نواحی مطالبی را ارائه داشته است و سپس به ولایت غور پرداخته است درباره ولایت غور می گوید که ولایت غور به سمت

جنوب شرق هرات افتاده و بازمانده شهزادگان غوری میباشد . شهزادگانی که سلطنت شان را برروی ویرانه های سلطنت سبکتگین و فرزندش محمود غزنوی بنا کردند . این بخش ازدامنه کوههای پاروپامیزوس با قبیله یی بعدا مسکون گشت که بنام قبیله سور یادمیشد ازاین قبیله هنوزهم به تعداد چهار تا پنج هزار خانواده درناحیهٔ شمال غربی ولایت غورحیات بسرمی برند. وبا افزایش جنگ های داخلی قدرت ور فاهیت قبیله سوررو به کاهش رفته وستاره تیمنی ها درخشندگی پیدا کرد . اینها سنا طقی را که سوریان تخلیه کرده بودند متصرف گشتند و بزودی درموقعی قرار گرفتند که توانستند خود حکومت آن ناحیه را با برخورداری ازحمایت حکومت هرات در اختیار شان بگیرند . اما بعد از وفات سلطان حسین میرزای تیموری وانقراض سلسله تیموریان، تیمنی ها به حکومت هرات صرفا به عنوان حاکم با لقوه شان نگاه می کردند .

هنگامیکه ولایت هرات بدست حاکم نیرومندی قرارمیگرفت که توانائی حمله به غور رادرخود مشاهده مینمود، مردم تیمنی ساکن غور هم حاضر به اطاعت شده سالیاتی راکه جنسی بودوشامل غله وسواشی ویاچندراس اسپ میگردید به مرکز هرات تحویل میدادند ولی با تزلزل دردستگاه حکومتی هرات بازباشندگان غور سرباز زده وغالبا آنان یا به عنوان دوست قوی ویا بحیث مخالف حکومت هرات شمرده میشدند در سالهای اخیر حکومت غوربه سه بخش قسمت شده بود تخست بخشی بود که زیر اداره سردار ابراهیم خان بود . سردار مذکور در ناحیه تیوره اقامت داشت این منطقه نزدیکترین منطقه به هرات بود که میشد ازاین منطقه درهنگام ضرورت به تعداد هزار تن سوار کار و هفتصد تن پیاده نظام تهیه کرد.

دوم ناحیه دریادره میباشد که مصطفی خان برآن حکومت داشت و نیروی عسکری آن مرکب ازدوصد سوار کار وسه صد تن پیاده نظام بود.

سوم وادی جوین است که محمود خان برآن حاکم است و هزار تن پیاده نظام دراختیاردارد.

ابراهیم خان از فدائیان شاه کامران سدوزائی بود که ازسوی این شهزاده سدوزائی همواره کمك های دریافت داشته بود وحاضر نبود ازوزیر یار محمد خان اطاعت نماید . ابراهیم خان برای دوفرزند کامران میرزای

سدوزائی و عده یی دیگر از هراتیان پناه داده بود. اما وزیر یار محمد خان این عدم اطاعت ابراهیم خان را تحمل نکرده وحملات پی درپی را به ناحیه تحت ادارهٔ ابراهیم خان انجام داد. اما از آنجائیکه دو شاخه دیگر قبیله تیمنی همراه باحسن خان فرزند سهراب خان از هزاره پشت کوه به حمایت ابراهیم خان برخاستندوزیر یارمحمدخان نتوانست تامدت زیادی برناحیه تیمنی ها دست یابد. تا اینکه وزیر مذکور به سیاست حیله وخدعه دست یازید ومقارن سال ۱۸۴۴ میلادی او توانست تقریبا به تعداد زیادی از افراد تیمنی را به خدمت سربازی جلب نماید و اکثرا آنان را مجبور ساخت در هرات اقامت اختیار نمایند وبه عنوان شبه نظامی و افراد سلیشیا در خدمت حکومت هرات قرار بگیرند. بدین وسیله و با سوگند قرآن، وزیر یار محمد خان نخست تعهد کرد که ابراهیم خان که تقاضای رفتن به کابل را داشت، اجازه بدهدناحیه خود را تخلیه نماید. ولی بعداً وزیر یار محمد خان درپی تعقیب ابراهیم خان افتادتا اینکه توانست اوراتابع خود بسازد.

فریه در فصل هجدهم سفرنامه اش ازمنطقه زرنی بازدید نمود. او چنین می گوید که زرنی پایتخت قدیمی ولایت غور بوده است که اکنون به ویرانی گرائیده است، قصبه زرنی کوچك است که با دیواری سنگی وخشت پخته احاطه شده است که این دیواردر قسمتهای زیادی ویران وخراب شده است. وادی زرنی از نظرموقعیت وسرسبز بودن جای مناسبی برای پایه تختی بوده است که با باغهای انگوری در گرد ونواح آن بدین ناحیه زیبائی وسرسبزی ویژه بخشیده است. نهر های پرآب از این وادی می گذرد وآنرا سیراب میکند. فاصله زرنی ازهرات چهل فرسنگ است و جمعیت آن از یك هزار ودویست تجاوز نمیکند. مردم سوری وتیمنی وبه تعداد قابلی خانواده های گبری دراین منطقه بودوباش دارند. این گبران فقط در این ناحیه از افغانستان حیات بسرمی برند.

اساس وبنای غوردرتاریخ آسیاجای کوچکی را بخوداختصاص داده است. درقرن دوازدهم میلادی، درغوردولت مستقلی تاسیس شد. شهزادگان غوری با انقراض و انهدام غزنویان براریکه قدرت قرار گرفتند ونفوذ خویش رادرتمام نواحی که در این آوان زیر عنوان افغانستان وسیستان می آید گسترش دادند. سلطنت غوری در

سال. ۱۱۵۰م (۵۲۸ق) بنیادنهاده شدو ۶۴ سال طول کشید. دراین سلسله پنج سلطان به ترتیب زیر به قدرت رسیدند.

علا الدین جهان سوز که شش سال سلطنت کرد.
سیف الدین محمد که هفت سال » »
غیاث الدین ابوالفتح که چهل سال » »
شهاب الدین ابوالمظفر که چهار سال » »
محمود که هفت سال » »

فریه ازاینکه درین منطقه متوقف ماندواز مسافرتش به قندهار به بهانه اینکه گویا حاکم آن ناحیه با یار محمدخان وزیر هرات خصومت ودشمنی می ورزد ناراحت شده ودر نواحی کوهستانی زرنی باسردار حبیب الله خان که درزرنی حکومت میکرد به گردش و سیاحت پرداخت. اودرنواحی جنوب شرقی این سلسله کوهها سه قصبه قدیمی را که بزرگ بوده و باحصاری محاط شده است مشاهده کرده است که باید روزگاری از اهمیت ویژه یی برخوردار بوده باشد بدین ترتیب.

نخست قلعه قیصار که توسط غیاث الدین ابوالفتح آباد گشته.
دوم قلعه سنگی که شاه سلطان حسین غازی آنرا آباد کرده.
سوم فخرآباد که آنرا امیر فخرالدین بنیادنهاده است.

این سه قلعه به فاصله چند فرسنگی شمال شرق تیوره ودرمنطقه بسیار زیبا وخوش منظر ولایت غور موقعیت دارد متاسفانه ویرانیهای که در طی جنگ اخیر در این ناحیه بوجود آمده است مردم را از آن بیرون رانده و به کوههای اطراف آنها را متواری ساخته است که باشندگان آن نواحی از دور مشاهده مینمایند که بدون اینکه توانائی جلوگیری از ویرانی اماکن شانرا دارا باشند عساکر یار محمد خان باخشونت هرچه بیشتر و به طرز بی رحمانه یی خرمن هاومزارع سرسبز وپردرخت ومنازل زیبای آنها را از بین برده ومنهدم ساخته اند.

فریه بتاریخ هفدهم جولای درتپه یی که بیشتر شبیه به منطقه قبرستان مرتفعی بوده است خرگاه خود را مستقر ساخته ودر اینجا درجهیل کوچك ماهی

های کوچکی از نوع Yaw-Fish مشاهده کرده است که‌در آسیای مرکزی این نوع ماهی فقط در همین منطقه مشاهده شده است وبس . در این جهیل کوچك جزیره کوچکی به نظر رسیده که بادرختان ناجو محاط شده ودران ویرانه یی وجود دارد که توسط اهالی بنام بت گیه But guiah نامیده شده که معنای آن گویا جایگاه بت بوده است.

قصبه قیصار فاصله زیادی از این منطقه ندارد که ازان بجزبالا حصاری که از خشت پخته آباد شده دیگر چیزی باقی نمانده است . این بالا حصار در بالای تپه بلند و کوچکی افتاده و اطراف آن چنان‌شیبی طولانی دارد که‌امکان بازدید ازآنرا کمتر مساعد میسازد .

در شمال‌آن گویا قناتی موقعیت‌داشته که به ویرانی گرائیده وآب آن از ناحیه چالاب دالان به قصبه سیر سیده است وچند کانال این قنات هنوزهم بجای خود استوار بوده است . و دو کانال آب یکی بالای دیگری ساخته شده بود .

قلعه سنگی بسیار نزدیك باقلعه قیصار موقعیت دارد که‌چون از سنگ ساخته شده بنام سنگی یاد میشود . این قلعه نیز در یك بلندی زیادی افتاده است . دیواریکه آنرا احاطه کرده از سنگ های تراشیده ساخته شده که یکی با لای دیگری قرار گرفته بدون اینکه از سمنت جهت استحکام آنها کار گرفته شده باشد . ولی استحکام آنها طوری بوده است که در طی تها جمات بیگانگان به شدت از خود مقاومت نشانداده وهنوز بقایای آن استوار است . اکنون باشنده یی در آن ساکن نبوده وغالباً جایگاه‌حیوانات وحشی میباشد آب آن همچون آب قلعه قیصار ازدو مخزن تدارك میشده است که‌نسبت به مخزن آب قلعه قیصار کوچکتر بوده است آب از این مخازن به تانك بزرگی در داخل قلعه جریان مییافته است . در شمال شرق این ناحیه راه نسبتاً همواری وجود دارد که گفته میشود در عهد غزنویان ساخته شده است . درآسیای مرکزی بندرت راه همواری وجود داردو تمام‌راه ها خراب و صعب‌العبورمیباشدکه‌علت ویرانی آنها تهاجمات ولشکر کشی های بوده که بعداز ویرانی راه ها ومعابر دیگر امکانتسطیح وآبادی آنها مساعد نگردیده است .

یار محمد خان با ترس از اینکه ویرانیها شاید زمانی جایگاه مخالفانش قرار گیرد امر کوده است تا تمام آن ویرانه ها را هموار وتسطیح کند .

فخرآباد که به فاصله دوساعت راه به‌سمت جنوب موقعیت دارد و باشندگان آنرا مغولان تشکیل میدهند در حال حاضر (منظور همان روز گاریست که فریه ازآنجا باز دید کرده است. م ) یگانه وادی بزرگی شمرده میشود. در این منطقه نیز ویرانی های زیاد وجود دارد که گفته میشود ازآنجا سکه‌های زیادی بدست آمده است مغولان دراطراف قلعه سنگی وقلعهٔ قیصارنیز خرگاههای خود را مستقر ساخته اند .

فریه در بارهٔ فهم لفظ ایماق و مرد میکه تحت این نام یاد میشوند به مشکلاتی مواجه بوده است زیرا بقولش نه خودمردم ازاصل و نصب خوداطلاع کافی داشته اند ونه هم تا ریخ دراین زمینه گواه روشنی به دست داده است . این مردم در طول تاریخ چنان اخطلاط و امتزاج یافته اند که در یافت اصالت شان مشکل ودشوار شده است . باآنهم فریه بدین باور است که ایماقها متشکل از تمام قبایلی میباشند که اسلاف فاتحان پاروپا میز یس بوده اندوزبان‌شان‌هم‌زبان دری بوده است درمیان این‌مردم آنقدر شباهتهای رفتاری و زبانی وجسمانی موجود است که آنها را بتواند باهم متحد ساخته علیه دیگر مردمی که قصد استیلای شا نرا داشته اند، به مقاومت وایستادگی وادارد وهمین امر موجب می شود تا انسان بدین باور راسخ گردد که ایماقها زمانی ملت بزرگی بوده اند که به چندین شعبه بعد امنقسم گشته و حکومت های محلی تشکیل داده اند طرز زندگی ایماقها از حیات‌مالداری گرفته‌تا انجام وظایف نظامی را احتوا میکند .اقوام‌دیگریکه‌درمجاورت‌ایماقها بود وباش دارند. پیشرفته‌تر میباشند. زبان دری‌مردم ایماق ،دری باستان و نسبتا خالص میباشد که الفاظ عربی در آن کمتر مخلوط شده است .ایماقها مردمی‌مهمان‌نواز هستند و بی سوادی در بین آنها چندان نا راحتی را ایجاد نکرده است زیرا که این مردم بجز از خرگاه واسپ وزن به‌اندیشه‌دیگری نمی پردازند .

زنان ایماق تمام کارهای لازمی را انجام میدهند آنان به امور

خانه‌داری، کشاورزی وهمچون هزاره ها، در مبارزات علیه تهاجم بیگانگان سهم میگیرند. دختری که در مبارزات از خود شهامتی نشان نداده باشد، تن به ازدواج نمیدهد. زنان ایماق ودختران آنان هیچگاه روی خود را نمی پوشانند، حتی در برابر بیگانگان هم باروی باز ظاهر می شوند.

فریه میگوید کشوری را که بنام پاروپامیزیس نامیده است برای باشندگان آن به این نام شهرت ندارد. مناطق موجود در این قسمت بنام اقوام ویا سرکردگان اقوام نامگذاری ومسمی شده است. بطور مثال، ولایت فیروزکوهی واقع در ناحیه یی میباشد که مردم فیروزکوه درآن بودوباش دارند وباملك حسن خان بن سهراب شامل ناحیه یی میشود که مالك آن حسن خان بی سهراب بوده است من (یعنی فریه) اصطلاح پاروپا میزیس را به تمام نواحی کوهستانی اطلاق کرده‌ام که توسط هرات، میمنه، بلخ، بامیان، غزنی، کلات غلجائی، کندهار زمینداور وساخر محاط گشته است.

فریه همینکه به هرات برگشت و وزیر یارمحمدخان راملاقات نمود، توانست اجازه مسافرت به هندوستان را از راه قندهار دریافت دارد. او بدین منظور راهی قندهار گشت واین بار از طریق ادرسکن وسبزوار یعنی شیند ندحا لیه، بسوی قندهار شتافت ودرنزد یك قندهار مورد از بیت صدیق خان فرزند گهندل خان قرار گرفت ومجبور شد دست از مسافرت به سوی هند را بردارد ودوباره به هرات برگردد. صدیق نه تنها به زور از فریه رضائیت نامه گرفت، بلکه در مقابل خود نیز برای فریه تعهدنامه یی بدین عبارت نگاشت که متن آن جالب توجه است.

((چون مهربان جنرال فریه صاحب وبنده باهم دوستی کردیم که مدام که زنده ودر حیات باشیم باهم دوست ویك جهت باشیم، واین خط دوستی نامه را برای اینکه نشان دوستی باشد، به جنرال فریه صاحب دادم. قرارشد که هرو قتیکه من حاکم کابل شده باشم جنرال فریه برای نوکری در افغانستان بیاید.

بتاریخ ۲۰ سپتامبر سنه عیسوی ۱۸۴۵ ۲۴ رمضان سنه محمدی ۱۲۲۳. این خط از سردار محمدصدیق، گرشك را مهرخان براین سندزده شد».

جنرال فریه بتاریخ پانزدهم نوامبرسال ۱۸۴۵م به‌روضه باغ نزدیك‌هرات رسیده‌و این منطقه را که‌مقر حکام هرات بوده است، بسیار ویران ونامرتب یافته‌است ودراینجا شنیده‌که مرض کولرا در هرات شیوع پیدا کرده است

دراینجا به سفرنامه فریه‌در باره‌ء هرات خاتمه‌داده وازشماره آینده‌درباره «بازتاب هرات‌درسفرنامه یات» سخن به میان خواهیم آوردو گزیده‌هایی‌ازآنرا که درباره آثارکهن هرات ووضع اجتماعی ـ اقتصادی مردم‌آن دیارنگاشته‌شده به معرض مطالعه خوانندگان این‌بخش قرار خواهیم داد.

رساله ترفیع به رتبه علمی معاون محقق
از: مسعود رجایی

# حوضهای سر پوشیدهٔ هرات

## سخنی چند که باید پیرامون این اثر نگاشت

چنانکه هر یک از ابعاد گسترده فرهنگ نا کرانمند هرات، توجهٔ همه فرهنگرایان را بخود کشاند، و باز هم در خور پژوهش وجویش بیشتر است، صنعت و هنر معماری آن سرزمین نیز بسان پدیدهٔ اعجاز گونه فرهنگی، سزاوار تحقیق وسیعتر وژرفتری از آنچه که تاحال صورت گرفته می باشد.

اگرچه هنر معماری هرات بصورت کلی توسط هنرشناسان متخصص مورد پژوهش قرار گرفته، ولی این پدیدهٔ اوجگیرو بالندهٔ هنری چنان گسترده است که باز هم گوشه‌ها یی از آن نسبتاً ناشناخته باقی مانده است.

مثلا بر که‌ها یا حوض‌های سرپوشیدهٔ هرات، از آن آثار ونمود های معماری اصیل آندیار است که از جهات گوناگون قابل تحقیق وشناسایی تمام است.

آب انبارهای سرپوشیدهٔ هرات نه تنها از جهت حفظ و تامین آب موردنیاز مردم، در خور شناخت است بلکه بایست از حیث جزئیات و خصوصیات شگرف معماری خود چون سقف‌های گنبدی و خشت پوش عالی ، رواق های زیبا و تزئینات دلپسند نیزمورد مطالعه وپژوهش قرار گیرد .

بادرک ارزش‌های تاریخی ، محیطی وصنعتی حوضهای سرپوشیدهٔ هرات و با در نظر داشت ضرورت و اهمیت شناخت این آثار بود که به‌انجام این تحقیق، تشویق و ترغیب شدم .

اکنون که این اثر نا چیزرا به‌پیشگاه دوستداران فرهنگ و تاریخ هرات باستان پیشکش میدارم ،توضیح نکاتی‌چندرا درمورد این اثرلازم می‌پندارم .

۱ـ رسالهٔ «حوضهای‌سر پوشیدهٔ هرات» دربرگیردو بخش عمده می باشد، یکی «حوضهای سرپوشیدهٔ شهر کهنهٔ‌هرات »ودو دیگر«حوضهای سر پوشده دربرخی ازولسوالی های هرات » در بخش نخست ، تمام حوضهای سرپوشیده شهر کهنه هرات تا حد امکان و توان معرفی و شناسانده شده ولی در بخش دوم ، فقط به معرفی یا نامبرد برخی از حوضهای چند ولسوالی ولایت هرات پرداخته شده است .

۲ ـ برخی مطالب این رساله را چشمدیدها و یادبودهای‌نگارنده می سازد ، اما بیشتر معلوماتی که دراین مورد ارائه گردیده به استناد کتب و آثار تاریخی تهیه شده و ماخذ هر مطلب، درپاورقی ها بگونه های معیاری و به روشهای قبول شدهٔ امروزی نگاشته است . مزید براین ها از یادداشت‌های‌شخصی ومعلومات‌شفاهی‌دانشمندمحترم محمدعلم غواص نیز استفاده شده ومن‌از همکاری های صمیمانه وبیدریغ آن فاضل بزرگمرد، باکمال‌احترام وامتنان سپاسگزارم .

۳ـ خوانندگان گرامی‌خواهند دید که‌درمتن این‌رساله هرگاه‌نامی ازمسجدی زیارتی، روستای و یا شخصیتی آمده باشد در پاورقی ها به معرفی مختصر آن پرداخته شده . مثلا ضمن توضیح موقعیت یك حوض تاحد ممکن و لازم، مسجد یا زیارت یابنای تاریخی جوار حوض نیز در پاورقی ها شناسانده شده‌است.

۴ـ اگرچه‌درمتن اثر، گاه گاه بجای نام «حوض » کلماتی‌چون « آب انبار»

«انبارآب» «برکه» و «استخر» نیز بکار رفته است ولی درمجموع نام « حوضهای سرپوشیدهٔ هرات » برای این اثر برگزیده شد. زیرا این بنا ها ، دربین مردم بیشتر به همین نام شهرت دارند. *

۵- بدون شک تحقیق درباب حوضهای سرپوشیدهٔ هرات ، مستلزم انجام یک سلسله سروی های فنی می باشد و ضرور است تا این آثار ارزشمند در تمام شهرک ها وروستا های هرات جستجو ومشاهده گردد . چه عمده ترین وسیله شناخت کاملتر و بهتر این آثار، تهیهٔ نقشه ها ، رسم های تخنیکی وعکس های از هرحوض می باشد. برای این اثر تعدادی فوتو تهیه گردیده وچند رسم ونقشه تخنیکی نیز با استفاده از « کتاب معماری اسلامی هرات » آماده شده ولی با اینهم معترفم که این اثر خالی از نواقص وکمبود ها نمیباشد . اما از ابتدا تا انتهای کارم فقط این پندار وامید مرا تاحدی توان بخشید که اگر این اثر ، جامع وشایسته از کار نبرآید حیثیت خاکهٔ بنیادی یا فهرستی ازحوضهای سرپوشیدهٔ هرات را خواهد داشت وراه تحقیق بیشتر ووسیعتر رابروی دیگران بازخواهد نمود .

به امید گشایش راه تحقیق بیشتر بروی دیگران !

(۲-۸-۱۳۶۲)

## اهمیت و نقش حوضهای سرپوشیده در حیات مدنی

آب پدیده یی است حیاتبخش که از نیاز مندیهای اولی و طبیعی انسان بشمار می آید. انسان ازسپیده دم حیات تا آنگاه که به تغییر و دگر گونی طبیعت دست یازید ، از آب جوی ها ، کاریزها دریا هاوچشمه‌ها بصورت ساده وطبیعی کار میگرفت که این همه منابع حیاتی از جریان طبیعی آب باران و برف در پیچ وخم کوه‌ها و دامنهٔ صحراها ودره ها حاصل می‌شد.

اما با گذشت زمان وتشکیل کتله ها و اجتماعات بشری ، مسالهٔ تهیهٔ آب و استفاده سهلتر از آن اندك اندك به صفت یکی از موضوعات مبرم حیاتی شناخته آمد. هرخانواده یی که به سبب ازدیاد نفوس از کتله یی جدا

*معانی کلمات: آب انبار، انبارآب، برکه واستخر دیده شود در فرهنگ عمید، حسن عمید (تهران : انتشارات جاویدان، سال ۱۳۴۷) صفحات ۱۷، ۹۱، ۱۹۱، ۲۷۴، ۴۱۱.

میشد میکوشید در جاهای مسکن گزینند که منابع آب چون جوی ،چشمه یا رودخانه یی درآنجا موجود باشد بدینگونه نخستین اجتماعات وقبایل بشری درنقاطی تشکیل و گسترش یافت که منابع طبیعی آب موجود بود .

بهویژه این پدیدهٔ حیاتبخش ؛آنگاه بیشترحایزاهمیت گردیدکه انسان بزراعت پرداخت. باکشف زراعت ، انسانهاازرودخانههاودریا های بزرگ ،نهر های فرعی را بهجوانب مختلف کشیدند وشبکه های از منابع دست داشته آبی ایجاد کردند .

چون آباین منابع طبیعی بعضاً درتابستانها کم میشدومردم بهمشکل کمبود آب روبرو میشدند ، سرانجام مفکورهٔ ذخیرهٔ آب بهمیان آمد .

درمراحل ابتدایی ،تذخیر آب بهگونه هایی ساده انجام می یافت، مثلا حفر کاریزها (قناتها ) حوض های سرگشاده و احداث سردابه های ابتدایی نیز نوعی ازعملکرد ذخیرهٔ آب بوده است.

درخراسان قدیم بهویژه درهرات باستان ،آنگاه ذخیرهٔ آب به شکل پیشرفته وسالمتری صورت پذیرفت که آب انبار های سرپوشده تاسیس یافت .تاسیس حوض های سر پوشیده امکان آنرا فراهم ساخت تا سردم درپهلویذخیرهٔ کافی آب ، به آب فلتر شده ،شفاف ،سرد وصحیتر دست یابند .

قدیمترین برکه های موجودهٔ هرات ، مربوط به دوره های بعد از نفوذ و گسترش اسلام میگردند و این آب انبار های سرپوشیده با تزئینات خاص خویش بیشتر درمناطق پایین بلوک (۱) بنا گردیده اند،چه در این نقاط کمبود آب درتابستانها بیشتر احساس میشود .

---

(۱) درهرات بهاصطلاح زارعین ودست اندر کاران تقسیم آب،مناطق و محلات معمولا بهسه دسته « پایین بلوك» ، «میان بلوك»و «بالا بلوك» تمیز و تفریق گردیده اند. « پایین بلوك » به آن مناطقی گویند که از منابع اصلی آب بدور بوده و امکان رسیدن آب کافی بدانجا کمتر باشد. « بالابلوك » به مناطق جوار ونزدیك منابع اصلی آب گویند که آب وافر دارد.و «میان بلوك» به همان اراضی وسط «پایین بلوك»و« بالا بلوك» گفته*

به خصوص درمسیر راه های کاروانی ونقاط مزدهم وبا اهمیت که از منابع طبیعی آب فاصله دارند چنین آب انبار های ساخته شده که نمونه آن حوض‌های ژرف و تراش سنگی در فراز قلعه مرتفع کالیوین در بادغیس می تواند بود.

استخر بزرگ و سرگشاده فراز قلعه کالوین « نریمان » که از تراش سنگ ساخته شده در زمستان و بهار از آب باران پر میگردیدو در تابستان مورد استفاده قرار میگرفت.

دلیل و انگیزهٔ دیگر احداث حوض های سر پوشیده در شهرها ذخیرهٔ آب کافی برای مواقع بحرانی و جنگ های درازمدت محاصره‌وی بوده است زیرا در چنین گاهی، زیاد بیم آن میرفت که دشمن ضمن محاصرهٔ شهر، جریان آب را بداخل شهر مانع شودو شهر نشینان محصور را به علت فقدان آب، به تسلیم وادارد. مثلا اگر حملهٔ قوای چنگیزی را به شهر هرات در سال ۶۱۷هق درنظر گیریم به نقش مهم آب انبار های هرات در درازنای تاریخ بهتر پی خواهیم برد.

وقتی قوای چنگیزی به سرکرد گی تولی پسر چنگیز، میخواست شهر هرات را بدست آرد، دیوارهای رفیع و برج های بلند دفاعی شهر هرات، مانع ورود عساکر به داخل شهر گردید. ناچار تولی برای مدت شش ماه به محاصرهٔ شهر هرات پرداخت چون آب شهر از ورای دیوارها ومناطق دوردست وارد شهر میگردید بعید نیست که محاصره کنندگان ورود آب به شهر را مانع شده باشند. اما طوریکه تاریخ نشان

---

*میشود. در هرات این اصطلاحات به شکل « پایین آو » و « بالا آو » نیز مروج است.

در قدیم مالیه سالانه فی جریب زمین در حصه بالا بلوک ۱- افغانی در میان بلوک ۸ - افغانی و در پایین بلوک ۶- افغانی تعیین گردیده بود. اراضی بالا بلوک در دو فصل سال و زمین های پایین بلوک صرف در یک فصل سال کشت میشود. اما درحصه میان بلوک در فصل اول تمام اراضی و در فصل دوم نیمی از اراضی زرع میگردد.

البته به اصطلاح زارعین، کشت اول سال چون گندم و شالی وغیره «سفید بر» وکشت دوم چون ماش، کنجد، تنباکو وغیره « سوزبر » گفته میشود.

میدهد، مردم رزمجوی هرات درطی این محاصره وقلاع بند درازمدت، هرگز به کمبود آب دچار نشدند. این خود دلیلی است برنقش واهمیت حیاتی آب انبارهای موجود آن وقت که توأم باچاه های آب آشامیدنی مورداستفاده قرار میگرفت.

اگرچه در شهرهای دیگرخراسان نیز آثاری از انبارهای ذخیرهٔ آب دیده شده که گونه یی ازآن سردابه های بسیار ساده ومعمولی است، ولی همانندفن حوض سازی هرات راکه درپرتواسلوب های پیشرفتهٔ معماری اسلامی آن سرزمین به اوج شگفت آفرین خود رسیده بوده است، دردیگر جای ها کمتر میتوان دید.

درایران به ویژه درایالت اهواز (جنوبشرقی ایران) نمودهایی ازبرکه های سرپوشیده راسراغ داریم که آنها نیزنمایانگرپیشرفت هنر برکه سازی می باشند وهمچنان در شهر تهران درخیابان بوذرجمهری درحصهٔ تقاطع خیابان ناصرخسرو- حوضی مستقف ازقرن دهم وزمان شاه عباس صفوی موجوداست که برای سردگردیدن آب حوض، بادگیرهای بزرگی دارد. و اکنون که به آب مشروب حوض نیازی نیست، آنرا به شکل موزیم ابسه وعادات ملی آن عصردرآورده اند طوریکه ازآن قهوخانه یی ساخته اند که ابسه عمله و تزئینات و وضع عمومی آنجا، طرززندگی مردم تهران وری رادر قرن دهم تمثیل میکند. به همین ترتیب در شهرهای تایباد، تربت، طوس و نیشاپور نیز که درآن عصر ها از توابع خراسان بوده اند حوض های سرپوشیده بناسی شده است.

## ساختمان و معماری

برای اعمار حوض های سرپوشیده اولتراز همه مخزن آن در زمین به اندازهٔ لازم (معمولاسه تاشش متر) حفر میگردید، سپس تهداب پایه های عمارت حوض برهمین سطح عمیق نهاده می شد. آنگاه که این پایه ها به حد کافی بلند برده می شد گنبدسقف حوض بر روی پایه های اصلی ساختمان، پوشش می یافت.

دردوسمت یا بعضاً درسه یاچهار سمت حوض، رواقهایی جهت مدخل، تنویر وتهویهٔ حوض نیزساخته می شد. رواق مدخل که چند پله زینه تاسقف حوض داشت معمولا به سمت شمال برکه گشایش می یافت تا بادازسمت شمال بداخل برکه راه

یا بدوهم باعث سردی آب گردد وهم اگر احیاناً خاشاك و کثافاتی روی آب را پوشانیده باشد توسط باد به قسمت اخیر (جنوب) برکه عقب زده شود .

مواد اصلی ساختمان حوض‌ها خشت پخه ، ساروج (۲) سنگ و بعضاً گچ بود خشت پخته وساروج در پایه‌ها ، رواق‌ها ، تحت‌وسقف برکه وسنگ معمولا درتهداب‌ها وگاهی گچ در تزئینات سقف حوض و رواق‌ها بکار میرفت.

نمونه‌های بسیار جالب وانکشاف یافتهٔ هنر گنبدسازی هرات را میتوان درسقف حوض های آنجا نیز مشاهده نمود که به سبك‌های «ضربی» «تزر» «تزرچناقی» « کمانی» وغیره از خشت پخه پوشش یافته اند.

بیشتر برکه های هرات یك یا چندنوع تزئینات عالی چون گچبری ، مقرنس بندی، کاشی کاری وتراش سنگ مرمر را نیز درخود دارند ودر برخی از آنها کتیبه هایی به‌خطوط بسیار زیبا و با نظمی یا نثری پخته منصوب است که از کاشی معرق یا تراش سنگ مرمر ساخته‌شده اند. البته این کتیبه‌ها چه به گونهٔ آثار هنری وچه به حیث معرف تاریخ بنا و بنیانگذار حوض ، ارزشی فراوان دارند. برکه‌های سرپوشیدهٔ هرات که اکثرا در دوره‌های اسلامی اعمار یافته اندبه حساب شرعی (ده درده) شناخته میشوند. واصلاحوض (ده در ده) چنان است که‌هم طول وهم عرض آن ده گز شرعی (۳) باشد .

ازقدیم درهرات، آب حوضی صحی و پاك پنداشته می شد که کوچکترازده‌درده گزنمی بود و گویند حوض‌ده در ده‌چنان است که اگر دریك سمت ، آب آنرا بدست

---

(۲) ساروج : مخلوطی ازچونه وخاکستراست و قسمی ساخته میشود که ابتدا برروی این مخلوط به حدی چوپ می کوبند تا آب آن ترشح نماید. سپس بروی خشتی پخته مقداری ازآن را میاندازند و بروی آن خشت دیگری می چسپانند لحظه یی بعد اگر خشت دومی را از زمین بلند کنند وخشت زیرین ازان جدا نشود معلوم میشود که ساروج بخوبی رسیده وبحد کافی مقاوم گردیده است گاهی شیر هم درترکیب ساروج علاوه میگردد .

(۳) گز مقیاس طول است که به عربی زرع گفته میشود. گزشرعی درنزد فقهای اسلام ، معادل بیست‌وچهار انگشت است*

حرکت دهی درسمت دیگر، آب به‌حرکت وجنبش نیایدواین نیز به پندارمردم دلالت میکند برمطمئن بودن و پاك بودن آب از نظر شرعی .

این پندار درنزدعوام به‌حدی تقویت یافته که حوض‌های بسیار کلانتر از ده‌درده گزرا- اگر مستطیل‌هم باشدحوض ده در ده میگویند .

برکه‌های سرپوشده دورهٔ اسلامی، ازنگاه صحی، ممیزاتی نیز دارندمثلا سطح حوض طوری‌سخت واز خشت پخته وساروج فرش‌می شدکه‌نه آب‌حوض به‌زمین نفوذمیکرد ونه‌هم امکان‌تنفیذ آب‌های فاضله‌بدرون حوض، باقی می‌ماندوهمچنان دیوارهای حوض‌نیز چنان‌پخته کاری‌می‌شد که‌از نفوذآب فاضله کاملاجلوگیری کرده میتوانست. ازطرفی برکه‌های مسقف معمولادرنقاطی‌ساخته‌میشد که‌ازمخزنهای آب فاضله بدورمی بود و زمین آنجا ریگزار نه بکله سخت و مقاوم‌می بود .

## سیستم آبرسانی

چنانکه اراضی زراعتی درتابستان هاازخودحقا به‌یی معین دارد، هرحوض نیز دارای حقا به‌یی خاص‌است اززمانه‌های‌دورغرض رفع منازعات و تقسیم‌درست وعادلانهٔ آب، معمولا درهرمحله‌وقریه‌یکی ازاشخاص خیرو معتبره وظف‌تقسیم آب میگردید.

حقابهٔ محله‌هاوقریه ها ازرود خانه های اصلی توسط «قلب‌ها» یا «نتره‌ها» (۴) تعیین میگردد. البته این عملیه، کاری ساده‌نیست بلکه‌فنی است بخصوص که آنرا «طریق‌تقسیم آب‌قلب» میگویند.

به همین ترتیب نهر فرعی هر قریه که توسط « قلب ها »

---

*این اندازه گیری توسط چهار انگشت دست‌صورت میگیرد این چهار انگشت از خنصر (کلیك) شروع و به‌سبابه (شهادت) ختم میشودالبته ابهام (شصت) دراین اندازه گیری شامل نمی باشداو سط انگشتی که معتبر است برابرباشش‌دانه جو می باشد که‌پهلوی هم‌نهاده باشند مقیاس‌طول بحساب‌علمای اسلام همین گزشرعی است که آنرا گز کرباس‌هم گویند .

(۴) معمولا دراستدادنهرهای کلان واصلی ودرآن نقاطی که بایست آب به‌چندین سمت تقسیم‌شود «قلب» یا «نتره» می سازند. به وضعی که‌دروسط نهراصلی توسط‌خشت پخته‌و چونه «سد» می‌سازند و دراین دیوار «سد» پخته‌وسحکلم، چندین سوراخ (قلب -قلبه) تعبیه میکنند که از مجرای هریك ازاین «قلب‌ها» آب یك محله یا قریه به‌آن سمت جریان می یابد البته تقسیمات قلب‌ها وتعیین فراخی آن بادرنظر داشت ضرورت های متفاوت هرمحل‌صورت می‌پذیرد .

توزیع میگردد ، درهرقریه توسط «سد» های ویه سیستم مخصوصی بهچند شاخه تقسیم میگرددو بهدحقابهٔ هرحوض نیز ازآب همان محل مربوطش تعیین میشود.

مثلا : نهر آب محلات چارگانهٔ شهر کهنهٔ هرات ، اصلا از نهر عمومی انجیل تا محلهٔ قطبیچاق ( ناحیهٔ اول ) کشیده شده ودروسط این محله نزدیك به مسجد جامع بزرگ هرات ، «آببخش» مخصوصی است که مقدار آب این نهررا به چهار شاخه طوری تقسیم میکند کههرشاخهٔ آن بهیکی ازمحلات چارگانهٔ شهر کهنه راه می یابد . بههمین سان ضمن تقسیم مجددآب هرمحله،حقابهٔ حوض های آن محل نیز مشخص میگردد

دربرخی ازولسوالی های هرات ، حوضهای سرپوشیده از آب کاریز ها وقناتها پرمیشوند ، طوریکه حقابهٔ هرحوض ازنزدیکترین کاریز یا قنات محل تامین میگردد.

آب ازجویهای سرپوشیده یی که دربرخی مناطق از بین منازل شخصی هم میگذرد بهحوض هامی رسد وازطریق سوراخ «آبرو» کهدرگوشه یی ازقسمت زیرین حوض تعبیه گردیده ،واردحوض میشود.

## ترمیم و بکار برد نوین

برکه های سرپوشیدهٔ هرات - گذشته از اینکه همین اکنون نیز دوما از نقاط آندیار مورد استفاده قرار دارد از شمار گونه های مختلف آبدات اصیل تاریخی از ارزش فرهنگی فراوانی برخوردار است .

اگر امروز ارزشهای فرهنگی کهن کشور ما باآبداتی چون مسجدها ، مینارها ، مدرسهها ، وصدها بنای شکوهمند باستانی ، توجهٔ سیاحان وفرهنگرایان شرق و غرب دنیارا بخود می کشاند ، برکه های سرپوشیدهٔ هرات نیز به صفت نمونهٔ گویای از هنر معماری خراسان زمین بهویژه هرات باستان ، سزاوار توجه و نگهداشت است .

ترمیم ونگهداشت آب انبارهای تاریخی، ازدو جهت، مهم وضرور پنداشته میشود. یکی از لحاظ ارزش تاریخی ،هنری وفرهنگی شان و دیگری از نگاه بکاربرد مجدد و نوین شان . البته امکان تعمیل هدف دوم را

در قسم اول اجرا وتأسین مأمول نخست فراهم می‌سازد .

اهمیت وضرورت حفظ وترمیم این آثار در این است که بسیاری از برکه‌های مسقف هرات مبین فن کهن معماری وهنرهای اصیل گچبری ، کاشی کاری ، نقاشی وخطاطی آن دیار می تواند بود. به‌ویژه در بسا از آب انبارهای هرات چون «حوض چارسوق» میشود عروج هنرسقف سازی هرات باستان را مشاهده ودریافت نمود.

پس این آثار پرارج تاریخی که ممثل نمود های ازهنرو فرهنگ باستانی آن سرزمین است از جهات مختلف قابل نگهداشت، سروی و پژوهش میباشد.

اما چه‌سان میتوان از برکه های سرپوشیده استفادهٔ مجدد نمود ؟

از یك برکهٔ سرپوشیدهٔ تاریخی به اشکال وگونه های مختلف میشود استفادهٔ نوین کرد که چگونگی این کارگیری های مجدد را تقدم نیاز ها و گاهی هم موقعیت ومحل برکه تعیین خواهد نمود .

مثلا حوض چارسوق هرات را که دروسط شهر کهنه قرار دارد . در نظر میگیریم :

چارسوق از پر از دحام ترین مناطق شهر هرات هم در گذشته و هم در زمان حال بشمار می آید در همین محل است که بازارکیت ها ودوکان های تجارتی فراوانی موجود است بخصوص در همین محل است که بنا بررسم قدیم ،مردمان اطرافی محصولات دستی و محلی شان را برای فروش عرضه میدارند .

با در نظرداشت همین ویژه گی مدنی چارسوق وبه‌منظور خدمت به سازندگان صنایع محلی وایجاد سهولت ونظم درست در کار عرضه گران و تقاضا گران این صنایع جمیل، میتوان از «حوض چارسوق» به‌حیث فروشگاه ونمایشگاه صنایع دستی ومحلی هرات کار گرفت چنانچه این مأمول در پلان گستردهٔ پروژهٔ بین المللی آبدات تاریخی هرات که همین اکنون در ترمیم واحیای حوض چارسوق نیز تلاش می ورزد ،شامل میباشد .

همچنان از برکه های سرپوشیده میتوان به‌حیث یک موزیم کوچك ویا یك صالون تیاترو یا یك رهنمای توریستی نیز استفادهٔ مجدد نمود .

# حوضهای سر پوشیدهٔ شهر کهنهٔ هرات

قبل ازآنکه به معرفی هریک ازحوضهای سرپوشیدهٔ داخل شهر قدیم هرات بپردازیم ، بهتراست درمورد چگونگی شهر قدیم هرات اندك معلوماتی ارائه بداریم.

شهر قدیم وتاریخی هرات بصورت یک مربع درساحه تقریبا (۱۲۰۰ متر × ۱۲۰۰ متر) طوری طرح وآباد گردیده که دوجادهٔ محوری وستقاطع آنرا به چهار ناحیه (محله) مساوی تقسیم نموده است . قسمت تقاطع این دوجادهٔ اصلی ومحوری که درمرکز وقلب شهر واقع است ازقدیم بنام «چارسوق» یاد میشود .

درسابق این شهر ازچار سمت محاط به دیوار های بسیار بلند محافظوی ودفاعی بوده است که درچار انجام دوجادهٔ محوری آن ، پنج دروازهٔ بزرگ شهر موقعیت داشته است .

موقعیت این دروازه های تاریخی اکنون نیز نسبتاً با حفظ همان نام ها وشهرت قدیمی آن آشکار است . دروازهٔ سمت شرق را درب خوش ، دروازهٔ غرب را درب عراق ، دروازهٔ جنوب را درب قندهار ( در قدیم فیروز آباد) وازدو دروازهٔ سمت شمال ، درب شرقی را قطبیچان (اصلا قبچان) ودرب غربی رادرب ملک گفته ومی گویند .

به همین ترتیب ازتقاطع این دوجادهٔ محوری چهار بازاروچهار محله (ناحیه) نیز تشکیل یافته است که بازار شرقی را بازار خوش بازار غربی را بازار عراق ، بازار جنوبی را بازار قندهار و بازار شمالی را بازار ملک گفته اند .

واما ازنواحی چهارگانه : ناحیهٔ بین بازارخوش وبازار ملک (درشمال شرق شهر) محله قطبیچاق یا قبچاق (درقدیم محلهٔ پهنه قزان) ، ناحیهٔ بین بازارخوش وبازار قندهار (درجنوب شرق شهر) محلهٔ خواجه عبدالمصر (دراصل خواجه عبدالله مصری) ، ناحیهٔ بین بازار ملک وبازار عراق (درشمال غرب شهر) محله بردرانی ها یاشوره خانه (درقدیم محلهٔ قضات) وناحیهٔ بین بازار عراق وبازار قندهار (درجنوب غرب شهر) بنام محله مهمندها (در قدیم سمت شمال آن کیچکجی وجنوب آن سلانی ) مسمی گردیده است . (۵)

---

(۵) برای معلومات بیشتر دربارهٔ شهر قدیم هرات، رك به : مقالهٔ شهر قدیم هرات درشمارهٔ سوم (سرطان سنبله ۲۳۵۹) مجلهٔ «هرات باستان» ،ص ۲۹-۳۰ وهمچنان مقالهٔ شهر قدیم هرات درشصت سال قبل ازمحمد ابراهیم رجایی درشمارهٔ

درشهر قدیم هرات- که چار بازار آن در سابق سقف بوده-در پهلوی شبکه های تجارتی ورها یشی ودیمی ، شبکه های وسیع و کافی آبرسانی نیز موجود بوده وبی باشد .

شبکه های آبرسانی آن مشتمل بر آبرو های فاضله (از داخل شهربه بیرون) نهر ها ی فرعی آب (که از نهر انجیل کشیده شده ) و همین آب انبار های سرپوشیده می باشد .

چار محلهٔ شهر قدیم هرات ، دارای شانزده حوض سر پوشیده بوده که فهرست مکمل آنها بدینصورت است :

الف ) درمحلهٔ قطبیچاق (ناحیه اول )

۱- حوض گدام .
۲- « مزار ومسجد سلطان سید احمد کبیر .
۳- « برده .
۴- « پهلوان
۵- « چار باغ .
۶- « هوشمندخان .

ب ) در محلهٔ خواجه عبدا لمصری ( ناحیهٔ دوم ) .

۱- حوض چارسوق .
۲- « ذوا لفقارخان .

ج ) در محلهٔ بردرانی‌ها (ناحیهٔ سوم ) .

۱ -حوض ماسك .
۲- « حاجی سرور .
۳- « اسماعیل قازی .
۴- « پا یحصار .

د) درمحلهٔ مهمند ها (ناحیهٔ چارم )

۱ - حوض و زیر .

---

* دوم وسوم (حمل- سنبله ۱۳۶۱ ) سال دوم «هرات باستان» ص۸۱ .
وهمینطور (سالهٔ مزارات هرات . به تصحیح ، مقابله، حواشی وتعلیقات فکری سلجوقی ( کابل : مطبعهٔ دولتی ۱۳۴۵) ص۱-۲ تعلیقات .

۲ - » نقاشی .

۳ - » کشمیریها .

۴ - » قطب الدین پهلوان .

از جملهٔ این شانزده حوض ، حوض برده در حدود هفت‌سال پیش و حوض هوشمندخان درحدود ۴۲ سال پش وحوض قطب الدین پهلوان ده هاسال قبل ، از بین رفته است وسیزده حوض دیگر آن فعلا موجود می باشد .

# درمحلهٔ قطبیچاق (ناحیهٔ اول)

## حوض گدام (حوض مسجدمحمدابدال درانی)

این حوض سرپوشیده در غرب مسجدمحمد ابدال درانی درمیدانی شرق گدام غلهٔ سابق سرکاری موقعیت دارد.

اصلاً مسجدرا محمدابدال درانی پوپلزایی درسال ۱۲۲۲ هق بنا نموده است که این تاریخ ازکتیبهٔ سرسرین فرازمحراب داخلی شبستانهای مسجد پیداست. بموجب همین کتیبه ، بانی مسجد، عواید سی جریب زمین ودودوکان خویش را وقف مصارف مدرس وطلاب وامام وتنویروتسخین مسجد نموده است .

حوض که درصحن میدان جنوبغربی مسجد واقع است نیز از ملحقات مسجد پنداشته میشود، ازاینروشاید تاریخ بنای آن همزمان باسال اعمار مسجد بوده باشدچه بانی مسجدی که این همه دارایی راوقف مسجدنموده بعید نیست که بر که جوار آنرا نیز تعمیر کرده باشد.

وضعیت کنونی حوض نشان میدهد که باید ترمیماتی درآن صورت گیرد، درغیر آن خطر ویرانی و انهدام بر که حتمی خواهد بود زیرا بر فراز حوض، بطورخود سرانه اتاق هایی شخصی ساخته شده که به استحکام آن زیان رسانیده است .

## حوض مزار و مسجد سلطان سید احمد کبیر

به سمت شمال غرب مسجد و شمال زیارت سلطان سید احمد کبیر (۶) واقع در

(۶) شادروان استاد فکری سلجوقی به حوالهٔ « خزینة الاصفیا طبع کانپور ، ص ۳۵و۳۸ درمورد سلطان سید احمد کبیرمی نگارد : *

کنار جاده یی که از چارباغ «مرکز سابق دوایر ولایت هرات» به پا یحصار منتهی میگردد ، موقعیت دارد که درسال ۱۰۴۰ هـ ق به دستور حسن خان شاملو (۷) اعمار گردیده است .

ساحه عمومی این حوض ۱۸×۱۴ متر وساحه مخزن آب آن ۸×۸ متری باشد .

ایوان جنوبی آن به سمت مسجد وایوان مدخل و شمالی آن به سمت جادهٔ عمومی چارباغ - پا یحصار گشوده است . برحواشی رواق

* «ظاهراً این سلطان سیداحمد کبیر ، همان سیداحمد پسر سیدجلال بخارایی است که درملتان به صحبت شیخ بهاوالدین زکریای ملتانی رسیده واورا چهار پسر بوده که یکی از آنها سیداحمد کبیراست . ظاهراً سیداحمد کبیر به هرات آمده ودر اینجا از دنیا رفته ، یکی از فرزندان سیداحمد کبیر بنام سرداود ، پهلوی رباطی که برسر راه ادرسکن واقع است ، مدفون می باشد وآن رباطرا رباط سیرداود میگویند» رسالهٔ مزارات هرات ، قسمت تعلیقات ، ص ۱۰ .

(۷) حسن خان شاملو فرزند حسینقلی خان شاملو ، از بزرگان دودمان شاملو است که در عهد شاه عباس ثانی وشاه سلیمان (شاه صفی) مدتی والی و حکمران هرات بوده ودرهرات عماراتی زیاد ساخته است . همو ازشاعران وخطاطان قرن یازدهم هرات به شمار میاید که خط نستعلیق را عالی وزیبا می نگاشته وصاحب دیوانی در سه هزار بیت نیز بوده است .

رک : تذکرهٔ نصر آبادی از میرزا محمد طاهر نصر آبادی ، به تصحیح و مقابله وحید دستگردی (تهران : چاپخانهٔ ارمغان ، انتشارات کتابفروشی ابن سینا ، ۱۳۵۲ ش) ص ۲۰ . وتذکرهٔ آتشکدهٔ آذر از لطفعلی بیک آذر بگیدلی ، به اهتمام سیدجعفر شهیدی (تهران : انتشارات مؤسسهٔ نشر کتاب ، اردیبهشت ۱۳۳۷) ص ۱۳ . وهمچنان میرزایان برنا باد . سایل هروی (کابل : انجمن تاریخ افغانستان ، ثور ۱۳۴۸) ص ۹-۱۰ .

مدخل آن، کتیبهٔ منظوم ناظم‌هروی (۸) به خط زیبای نستعلیق حسن خان شاملو، در قطعات مرمر حکاکی شده و نصب است که چنین خوانده میشود :

بدور شهنشاه ایران صفی — که در علم شاهی است جمشید فن
حسن آنکه بردر گهٔ بند گیش — قد یمی تر است از سپهر کهن
بنا کرد این کوثر فیض را — کز و تا زهر وشد بهشت زمن
بباد زلالش که صاف بقاست — زآب روان دست شوید بدن

را قمهٔ حسن بن حسین شاملو

شود زنده تصویر شیرین اگر — خورد آب از او تیشهٔ کوهکن
هوس داشت ناظم که تاریخ او — کند نقش بر پیشطاق سخن
خردمندی ازروی تحقیق گفت — یکی از بناهای خیر حسن

(۹۴۰. اه ق)

اما برفراز قسمت وسطی ایوان جنوبی مذکور کتیبهٔ دیگری نیز از گوهری (۹)

---

(۸) ناظم هروی: نامش فرخ حسین بوده و ناظم تخلص شعری او ست. ملا فرخ حسین ناظم‌هروی ازشعرای بلندپایه هرات درقرن یازدهم هجری وازشاگردان فصیحی هروی بود. او منظومه یی بنام «یوسف زلیخا» سروده و آنرا به عباس قلی خان پسر حسن خان شاملو پیشکش نموده است. بقول صاحب تذکرهٔ «مرآة الخیال» (چاپ ایران ص. ۲) ناظم‌هروی درسال ۱۰۶۸ هق وفات یافته است.

رک: میرزا یان برناباد، ص. ۳ و تذکره نصر آبادی، ص ۳۳۰-۳۳۱ وهم آثارهرات (ج۲) (هرات: مطبعهٔ فخریه سلجوقی جدی ۱۳۰۹) ص ۴۰۹ .

(۹) گوهری درسال ۱۲۵۶ ق بدنیا آمده و به قول مولف بحر الفواید در جمادی الاول ۱۳۱۳ ق-۱۹۰۰ م درخراسان چشم ازجهان پوشیده است. این شاعر گمنام وپرکارهراتی که مدتی ازعمرش را درمشهد گذرانده درحدود چهل هزار بیت به‌شمول قصیده وغزل ومثنوی ورباعی وقطعه سروده که دیوان او بخش‌های مختلف دارد بنامهای طغیان البکا، دفتر حسینی، ریحان العرفا وجواهر المواعظ.

جزئی ازمجموعه ریحان العرفا بنام (ذریعة الرضویه) درسال ۱۳۲۱ ق درمشهد به طبع رسیده و موجود است و اما از سایر بخش های پیش گفته اثری نیست تنها مجموعهٔ کوچکی نیز از شعار *

در قطعات سرسرسفید حکاکی شده و نصب است که گویای ترمیم حوض و ایوان مذکور درسال ۱۳۰۷ ه ق یعنی عصر امیر عبدالرحمان خان می باشد این کتیبه که در دورهٔ نایب الحکومگی سعدالدین خان نصب شده چنین است:

در زمان امیر مهر سریر  عبدالرحمان سپهر جاه وجلال
این کهن برکه شد زنو تعمیر  زاهتمام خجسته پدر کمال
بندهٔ آستانش سعد الدین  جان نثار شهٔ بلند اقبال
آنکه دارد سری بپای ثبات  از جبای به نیکسی اعمال
وه چه حوض وچه آب کاندر ملک  نه قرینی بر آن بودنه همال
« گوهری » بهر سال تعمیرش  غوطه ور شدچودرمحیط خیال
سر برآورد ز آب و تاریخش  گفت زین آب نوش آب زلال

(۱۳۰۷ق)

دوصدو شصت وسه ازاین تعمیر  تا بنای کنون شمر از سال

باید یادآورشد که هرمصرع ازاین دو کتیبه، در داخل یك قلمدان سنگ سرسفید به طور برجسته حکاکی شده و بر نگهای آبی وسرخ و سبزتزئین گردیده است.

مواد ساختمانی این برکهٔ سرپوشیدهٔ تاریخی، خشت پخته وچونه وساروج بوده است.

وضع فعلی حوض مذکور چندان رضایت بخش نیست وایجاب ترمیم اساسی میکند.

---

* گوهری بنام (دیوان گوهری) به شماره ۹۷۸ در «گنجینه دستنویسها» در انستیتوت شرقشناسی اکادمی علوم تاجکستان اتحاد شوروی موجود و محفوظ است که دارای ۹۵ صفحه و در حدود ۹۰۰ بیت میباشد. نام گوهری در آثار دست داشته اش ذکر نشده ولی ظاهراً از سراج التواریخ چنین پیداست که این گوهری همان میرزا ابراهیم هروی متخلص به گوهری بوده که قصیده یی در وصف امیر عبدالرحمن ساخته بوده است.

(حسین نایل. مجلهٔ آریانا، شمارهٔ اول، سال بیست وششم ۱۳۴۶ ش، ص ۲۷-۳۰ و مقاله «یادداشتها و برداشتهایی از گنجینهٔ دستنویسها» در مجلهٔ خراسان، شماره اول، سال چهارم (حمل - ثور ۱۳۶۳) ص ۲۲ نبشتهٔ حسین نایل و همچنان یادداشتهای فردی موصوف.

## حوض برده

حوض برده به سمت جنوب جادهٔ موجودهٔ کاکر نیکه و نزدیک، قسمت شرقی بازار مالک موجود بود. در ایوان مدخل آن که به سمت شمال باز بود کتیبه یی به خط ثلث عالی ملا عبدالله هروی (۱۰) منصوب بود. کتیبه از گچ و برنگ سفید و بخط برجسته برزمینه یی لاجوردی نگاشته شده بود وحاشیهٔ خط کوفی آن به‌رنگ زرد تزئین یافته بود.

رواق سمت جنوب آن کوچکتر از رواق شمالی ومشرف به کوچهٔ عقب حوض بود وبد ینصورت جریان باد از سمت شمال به جنوب ممکن بود که درسرد نگهداشتن آب حوض، مؤثر واقع میشد.

برکهٔ سرپوشیدهٔ برده، تا هفت سال پیش (۱۳۰۰ش) نیز بصورت مخروبه یی موجود بود، ولی متأسفانه بعداً بکلی ازبین برده شد. طوریکه مخزن آنرا ازخاک پرساختند وساحهٔ استخررا به‌میدانی هموار تبدیل نمودند.
نقل کتیبهٔ حوض برده را به دست آورده نتوانستم ولی پیداست که کتیبهٔ مذکور در حدود سال ۱۳۲۰ هش تهیه و نصب گردیده بوده.
بگفتهٔ دانشمند محترم محمد علم غواص، ظاهراً حوض برده سه صد سال قدامت داشت‌ودرسال ۱۲۸۰ هش-۱۳۱۹ ق درعهد امیرحبیب‌الله مجدداً ترمیم شده بود.

## حوض پهلوان

حوض پهلوان در قسمت جنوب بغربی محلهٔ قطبیچاق و در جوار شرقی مسجد صادقیه موجود است. در جنوب شرق این مسجد مدرسه یی ساخته شده، طوریکه مدرسه در جنوب کوچهٔ دو دالان و مسجد و حوض در شمال کوچهٔ دو دالان موقعیت دارد.

---

(۱۰) مرحوم حاجی ملاعبدالله‌هروی فرزندمرحوم آخند ملادلدارواز اولاد شیخ‌الاسلام آخندملاخدا بخش بود که‌هنرخطاطی راازپدران خویش‌آموخته بود. او که‌خطوط ثلث‌ونسخ وکوفی راباکمال استادی می‌نگاشت‌درسالهای اخیرعمر به‌نگارش خطوط ثلث ونسخ برخی ازکتیبه‌های مسجدجامع‌هرات اشتغال‌داشت.
موصوف‌بعداز هشتادسال‌عمردر سال۱۳۲۲هش پدرودحیات گفت.
خطاطان‌ونقاشان‌هرات. تتبع، نگارش‌وگرد آوری‌میرعبدالعلی شایق‌هروی (هرات: از نشرات‌مؤسسهٔ طبع کتب هرات، ۱۳۵۳ش) ص۲۳۹-۲۴۰.

رواق مدخل این حوض سرپوشیده ، به‌سمت جنوب گشوده است. این رواق در حدود شصت سال پیش با خشت پخته و چونه بساز سازی شده بود اما اخیراً کمان آن فرو افتاده است.

درفراز تاق مدخل حوض ، کتیبه یی از سنگ سرمر در دوسطر نصب وموجود است که‌چنین خوانده میشود :

« این حوض درسال ۷۳۲ هجری قمری به‌مصرف سحمدرحیم‌خان ولد مصطفی‌خان ولد محمدرضاخان قوم شاملو ساخته‌شد . »

دردوحاشیه رواق جنوبی مدخل ، گلهای زینتی برجسته یی ازآجر ساخته شده است . درجناح غربی این رواق یک رواق کوچک دیگری نیز به‌مشاهده میرسد که‌زمانی به‌سمت شمال بازبوده اما اکنون مسدود است.

در دو طرف رواق شمالی حوض، دو رواق کوچک ساخته اند . اکنون رواق شمالی حوض پهلوان معمور است ولی تاق داخلی آن شکست کرده ودرز دارد .

سقف‌حوض ازآجر به‌طرز «ضربی» پوشش یافته وازوسط روشن دانی دارد. ارتفاع حوض ازسطح تا سقف به‌شش متر و عمق‌آب به پنج متر میرسد.

اکنون این حوض، خالی ازآب است وسملو از خاکروبه‌و کثافات. به قول شاد روان استاد فکری سلجوقی بر فرازتاق حوض پهلوان ، قطعه یی به‌خط نستعلیق با کاشی معرق نصب بوده که بیتی از آن قطعه چنین بوده‌است .

پهلوان عصر قطب الدین که‌ضرب سیلی اش
دزدرا آواره‌می سازد به صحرای عدم

اما درحدود شصت‌سال قبل، آنگاه که‌حوض را ازآبهای فاضله‌و پایاب مطبخ ها وتشناب های حویلی های مجاور پاک‌کرده وآنرا ترسیم نمودند، کتیبه های کاشی آن بکلی از بین رفت (۱۱)

باید یاد آورشد که این پهلوان قطب الدین غیر از پهلون محمد- عهد سلطان حسین بایقرا بوده است. قبر کتیبه دار پهلوان محمد (متوفی ۸۹۹ه ق) درمحل نعمت آباد در دو لتخانه‌واقع است اما پهلوان قطب الدین عصرصفوی (معاصر

حسن‌خان‌شاملو) در نزدنك منار گوشهٔ جنو بغربی مدرسهٔ سلطان حسین میرزا بایقرامد فون است که قبرآن ازحد معمول کلانتراست ودارای سنگ صندوقی بزرگ‌و بی نظیری هم‌بوده است. «۱۲»

با درنظرداشت کتیبه‌منثورموجودو کتیبهٔ منظومی که ازبین رفته میتوان گفت که برکه پهلوان درسابق،دوباراعمار گردیده است. نخستین باربکو شش پهلوان قطب الدین معاصرحسن‌خان شاملووشاه‌عباس ثانی ودومین باردرسال۱۲۳۷هق توسط عبدالرحیم خان (ازقوم شاملو). ظاهراً باردوم بازسازی نگردیده بلکه ترمیم شده باشد.

## حوض‌چارباغ

برکه‌چار باغ درجنوب جادهٔ کاکرنیکه (سرك‌غرب‌مسجدجامع الی بازارسلك) واقع‌است‌که‌زمانی ازملحقات «چارباغ» (۱۳) معروف تاریخی هرات بوده‌ودر زمان‌فرمانداری وزیریارمحمد خان حکمران‌هرات(۱۲۴۵-۱۲۶۷هق) اعمار گردیده است.

اصلااین برکهٔ‌سرپوشیده درقسمت جنوبی چارباغ واقع بوده که‌درفرازایوان شمالی آن اتاقی‌ساخته بودندکه کلکین‌های آن ازسمت شمال‌به صحن‌چارباغ واز جنوب بروی‌بام‌حوض بازمیشده. این اتاق به سلسلهٔ چندین اتاق‌اختصاصی‌دیگری

(۱۱-۱۲) خیابان. فکری سلجوقی (کابل: ازنشرات انجمن جامی مطبعهٔ دولتی،عقرب۱۳۴۴)ص۵۷.

همچنان‌رك: رسالهٔ‌مزارات هرات، قسمت تعلیقات‌ص۶۷.

(۱۳) «چارباغ» هرات باعمارات الحاقیه جوانبش به‌سمت مغرب مسجد جامع هرات‌درساحه‌بست جریب زمین‌موقعیت داشته‌که‌گویند درزمان وزیر یارمحمد خان الکوزایی درسال ۱۲۵۰هـ ق‌مسجداً تعمیر وتزئین یافته است.

ازعمارات‌شگفت وبی‌مانند چارباغ، «سراچهٔ زرنگار» بودکه درسال ۱۳۰۷هـ ق‌دردورهٔ‌زمامداری‌سعدالدین خان نائب‌الحکومهٔ هرات، باهنرگچ بری، خطاطی، نجاری‌و شیشه کاری معاصر زینت گردیده دارای دو منزل بوده است.*

آباد گردیده بوده که این سلسله اتاق‌های دومنزله، محل در بار و دفتر کار نائب الحکومه بوده است به ویژه همان اتاق فراز حوض که از جریان هوا و تاثیر رطوبت آب انبار سرد بود، دفتر کار تابستانی نائب الحکومه بوده است (۱۴)

اکنون ایوان بزرگ برکه چار باغ ویران گردیده وخود برکه به خطر انهدام مواجه می باشد. ازینرو اخیرا در پلان کار ترمیماتی (۱۳۶۳-۱۳۶۷ش) پروژهٔ بین المللی هرات شامل گردیده است. حال در دو سمت شرق وغرب آن منازل شخصی موقعیت دارد که بمرور زمان بعد از تخریب چار باغ ساخته شده اند.

تا سال ۱۳۲۴ش نیز بر که چار باغ مورد استفادهٔ اهالی آنجا قرار میگرفت. اکنون خالی از آب و بدون استفاده باقی مانده است.

ساحهٔ عمومی بر که چار باغ. ۲۴ متر مربع و ارتفاع آن از سطح حوض ۱۲ متر می باشد. مواد ساختمانی آن را خشت پخته، چونه، سنگ و گچ تشکیل میدهد. سقف آن از خشت پخته به طور گنبدی پوشش یافته است. اکنون در هیچ جای آن کتیبه یی به نظر نمیرسد.

## حوض هوشمند خان

تا چهل و دو سال قبل در شمال مزار مولانا فخر الدین علی-

---

* این چار باغ اصلا تا سال ۱۳۱۴ش مرکز و محل دارالحکومه وتمام ادارات دولتی هرات بوده است ولی در سال ۱۳۲۴ش باطرح وتطبیق نقشهٔ جدید بناهای اطراف مسجد جامع هرات واحداث جادهٔ سرجودهٔ کاکرنیکه (در وسط چار باغ) این محل شگفت وتاریخی بکلی ویران وبجای آن جاده ودو کانها وسارکت‌های تجارتی اعمار گردید اکنون از آن همه عمارات فقط همین حوض سرپوشیده باقیمانده است.

برای معلومات مزید دربارهٔ «چار باغ» رک به مجله «هرات باستان» شمارهٔ اول سال سوم (میزان-حوت ۱۳۶۰.) مقالهٔ «چار باغ هرات» بقلم محمد علم غواص. ص۵۰-۶۰ وهمچنان کتاب «آثار هرات» ج۲ ص۵۴.

(۱۴) محمد علم غواص، همان مقاله وهمان ص۵۲.

صفی (۱۵) در بین پارک فعلی پا یحصار حوضی سرپوشیده و تاریخی معروف به حوض هوشمند خان موجود بوده است.

همچنان تا حد ودسال ۱۳۳۳ ق نیز درمحل پارک فعلی پا یحصار تکیه یی بوده که در بین مزار فخرالدین علی صفی موقعیت داشته است و بعداً در صحن آن تکیه، اهالی آنجا بخود خانه‌هایی ساخته بودند.

لکین درحدود چهل ودوسال قبل، آن خانه هایی شخصی وحوض هوشمندخان ازبین برده شده ودرآنجا پارک فعلی پا یحصار احداث گردیده است.

رواق جنوبی حوض هوشمندخان بصحن تکیهٔ مزار فخرالدین علی ورواق شمالی آن به کوچهٔ عمومی باز بوده است.

اکنون از آن تکیه وحوض هیچ اثری باقی نیست به جز مزار موصوف ودرخت ناژوی بزرگی که از قدیم برسر مزار سایه افگن است.

## در محلهٔ خواجه عبدالله مصری (ناحیه دوم)

### حوض چارسوق

معروفترین و بزرگترین بر کهٔ هرات، حوض چار سوق است که در وسط شهر کهنه و در گوشهٔ شمالغرب ناحیهٔ دوم (محلهٔ خواجه عبدالله مصری) موقعیت دارد وازطرف غرب به بازار قندهار واز جانب جنوب وشرق به تیمچهٔ (بازار سرپوشیده) حاجی موسی وازسمت شمال به بازار خوش محاط است.

انبار آب چارسوق دارای دوایوان بزرگ مدخل است که یکی ازغرب، به بازار قندهار و دیگری از شمال ببازار خوش باز است. درحواشی ایوان

(۱۵) مولانا فخرالدین علی صفی پسر مولانا حسین واعظ کاشفی است که در سال ۹۳۹ هـ ق وفات یافته ودر پا یحصار دفن شده است. اکنون در پهلوی مزار «فخرعلی»، قبر هلالی جغتایی شاعر معروف هرات متوفی ۹۶۳ هـ ق (ست و ثلاثین وتسعمائة) نیز موجود است.

(درمورد مزار فخرالدین علی صفی وهلالی وحوض هوشمندخان رک به: رسالهٔ مزارات هرات، قسمت تعلیقات، ص ۱۳-۱۵)

مدخل سمت غرب، کتیبه یی به خط حسن خان شاملو روی سنگ سرسرحک شده که تا پنجاه سال قبل در آنجا نصب بود وچنین خوانده می‌شد:

کز فیض بخت اوست جهان عالم کهن ... در عهد

آبش که همچو روح روان میدهد به تن ... این حوض بهر تشنه لبان زمانه ساخت

کز وصفش آبدار شود در زبان سخن ... محسوس لب نمیشود از بس بود لطیف

ناظم که بود تشنهٔ تاریخ او نوشت

« رنگین بنای ملک هری برکهٔ حسن »

براساس این کتیبه، حوض درسال ۱۰۴۰ هق در دورهٔ حکمرانی حسن خان شاملو خطاط و شاعر معروف قرن یازدهم هجری هرات تعمیر گردیده است. (۱۶)

ظاهراً معمار اصلی واولی آن کسی بنام استاد سبز هروی بوده که در عهد حسن خان شاملومی زیسته است.

یوسف ریاضی درکتابش «ضیاألمعرفه» چنین می نگارد:

«بنای دیگرهرات، چارسوق وحوض معروف آن شهر است که استاد سبزعلی نام بنا در عهد مرحوم شاه صفی (۱۷) باحضور مرحوم حسن خان شاملو بنا نهاده وآن حوض درعمق ازسقف تا تحت چهل زرع ودرعرض وطول هرطرفی بیست زرع است وضریبی پوشیده است که عقل حیران است.» (۱۸)

---

(۱۶) رهنمای هرات. محمد ابراهیم رجایی. بامقدمه، تعلیق وتکملهٔ محمد علم غواص (هرات: موسسهٔ طبع کتب، مطبعهٔ دولتی، ۱۳۴۷)

(۱۷) شاه صفی: سام میرزا فرزند صفی میرزا صفوی بوده که از ۱۰۳۸-۱۰۵۲ هق درایران سلطنت کرده ودراین دوره بنام شاه صفی موسوم شده است. شاه صفی نواسهٔ شاه عباس بزرگ صفوی بوده است.

رک: رهنمای تاریخ ایران. احمد بن احمد (تهران: انتشارات شورای مرکزی جشن شاهنشاهی ایران، سال ۲۵۳۰) ص ۱۳۷.

(۱۸) ضیاألمعرفه. کلیات یوسف ریاضی (ایران: چاپ سنگی، سال ۱۳۲۴ ق) ص ۴۳.

اولتر باید خاطر نشان ساخت که حوض چارسوق ضربی پوشیده نشده و در سورد سقف آن ، بعداً در همین اوراق مفصلا صحبت میگردد .

اما در سورد (استاد سبز علی هروی) اگرچه معلوساتی مستند و معتبر در دست نیست ، ولی میتوان نگاشت که او اصلا از دودمان بنایی هروی (متوفی ۹۱۸) شاعر معروف و معاصر سولانا جامی هروی بوده است . لیکن باید به خاطر داشت که این استاد سبز علی هروی غیر از استاد محمد سبز پدر بنایی هروی بوده است چه (استاد محمد سبز) معاصر سلطان حسین بایقرا بوده و بنا بر روایات شفاهی ، اول در اواخر حیات (در ۸۸۶) به دستور سلطان حسین بایقرا ، همراه پسرش بنایی عازم بلخ شده و روضهٔ سبارك شاه ولایتماب حضرت علی کرم الله وجهه را اعمار نموده است . همچنان بنا بر پندار اهالی بلخ ، موصوف در آنجا وفات یافته و غالباً در تاق شرقی عمارت روضهٔ سبارك دفن گردیده که هنوز هم آن قبر سعروف به قبر سعمار روضهٔ شریف سوجود است .

بنا بر نوشتهٔ سرحوم استاد فکری سلجوقی ، سرحوم حاجی محمد اسماعیل بنا سهند س سعروف و معاصر هرات نیز بانی گنبد بزرگ چارسوق و حوض چارسوق هرات را همین استاد سبز علی شناخته و خود را نیز از عشیرهٔ استاد محمد سبز و استاد سبز علی سعرفی نموده است*

من سصراعی از یك شعر را از زبان بزرگی سعمر یزن در هرات چنین شنیده ام :

«حوض چارسو که بنا کردهٔ استاد سبز است»

متاسفانه سصرع دیگر آن را نتوانستم از کسی بشنوم و از جانبی هیچ سادهٔ تاریخی از این سصرع بدست نمی آید .

تا اکنون در گوشهٔ جنوب غربی سطح حوض چارسوق قبری است که روی آن ساروج گردیده و سردم چنین عقیده دارند که صاحب این قبر همان استاد سبز هروی

---

* در سورد استاد محمد سبز و استاد سبز علی و بنایی هروی رك : سجلهٔ آریانا ، شمارهٔ چارم ، سال سوم ، ثور ۱۳۲۴ ، ص ۲۶ سقاله «استاد سبز سعمار و استاد بنایی هروی» از سرحوم استاد فکری سلجوقی .

بانی حوض چار سوق است که او را به اساس سفارش قبلی اش در آنجا مدفون ساخته اند.

به‌موجب یکی از روایات شفاهی ومحلی، استاد سبز هروی ،بدستور حکومت وقت به‌اعمار برکه چارسوق اقدام کرد، اما وقتی کار به قسمت پوشش سقف حوض رسید،استاد بخاطر بلندی سقف به ادامهٔ کار پوشش حوض موفق نشد و هم برای آنکه پایه‌های بزرگ آن قبل از پوش ،نشست کند از کار دست کشید وترک شهر هرات نمود .

آوازهٔ عدم موفقیت استاد در تکمیل پوشش حوض ،در شهر وروستای هرات پیچید واستاد سبزماه‌ها و بلکه سالها ازقریه یی به‌شهری واز شهری به روستایی سفر میکرد . سرانجام روزی از کوچه یی می گذشت که صحبت چند طفل بر سرامکانات پوشش حوض چار سوق به گوشش رسید، استاد بعد از آنکه لحظه یی به جدل و مباحثهٔ بلند بچه ها گوش داد ، از طفلی شنید که به‌دیگران میگوید : اگر استاد سبز حوض چارسوق را از کاه پر میکرد دستش به‌سقف حوض میرسیدو پوشش حوض را تکمیل کرده می توانست .

ناگهان استاد را شوق و امید واری بسیار دست داد و از همانجا روی به شهر هرات نهاد وراساً نزد حکمران شهر رفت و آمادگی خود را به تکمیل پوشش سقف حوض اعلام نمود.

فردای آن ، استاد سبز حوض را به قدری از کاه پر کرد که وقتی بر روی کاه ها می ایستاد ، به آسانی می توانست به پوشیدن سقف بپردازد اوبا همین روش به تکمیل سقف حوض چار سوق موفق گردید . همچنان گویند که استاد سبز در اخیر تمام مقدار کاه رادر بین حوض بسوختاند که هم از تأثیر حرارت زیاد سقف حوض مقاومتر و پخته‌تر گشت و هم حوض از کاه خالی شد .

به‌هر حال، این یکی از روایات زیانزد مردم هرات است که بر جزئیات آن نمیتوان زیاد هم اطمینان نمود .

ژنرال فریه (فریر) صاحب منصب وسیاح مشهور فرانسوی که سفرنامه یی معروف دارد

در قسمتی ازسفر نامه‌اش‌در موردحوض‌چارسوق‌روایتی نگاشته که‌تا حدی روایت پیش گفته‌را تایید میکند. فریه‌چنین می نگارد :

«نزدیک‌به‌چارسوق، حوض‌بسیار‌قشنگی ساخته شده که درنوع‌خود شاهکار‌هنری قرن‌شناخته میشود. این گنبد- حوض‌مطابق به‌روایات عنعنوی، به‌فرمان شاه عباس کبیر صفوی (۱۹) وبه‌دنبال‌تکمیل اعمار بخشی ازشهر ساخته‌شد بدین‌ترتیب که‌فرماندار شاه‌موصوف که‌شخصی جدی وکم‌حوصله‌بوداصرکرد تاهرچه‌زودتر این گنبد بزرگ حوض‌درزمانی کوتاه‌ساخته‌شود. معماری که‌مصروف‌ساختمان آن بودبه وی‌اطلاع داد که‌درآن مدت‌کوتاه ناممکن است‌ساختمان مذکور به‌اتمام برسد. حاکم‌مستبدبدون اینکه‌موضوع را بدقت بررسی کند، بر فرمان خود اصرار کرد و معمار بدبخت هم که‌ازبیم‌جان خودبه‌هراس افتاده‌بود، فرار را برقرارترجیح داده‌وازهرات گریخت. یک‌سال گذشت‌و ساختمان همچنان ناتمام باقی ماند زیرا هیچکس‌دیگری حاضرنشد که لیاقت تکمیل این بنارا داشته‌باشد، تا اینکه بالاخره همان معمار قبلی ظاهر گشت وفرماندار شهر هم که خودرا درمضیقه یافت وازبیم آنکه‌مبادا ساختمان ناتمام بماند مجازات اعدام معمار را تخفیف‌داده‌وصرفا باچوب زدن‌وی بسنده کرد. اما قبل از آنکه مجازات به فلک‌کشیدن معمار عملی‌شود، فرماندارمصوف معمار را باخودبه سرساختمان حوض برد، معمار که‌سوی دیوارهای بلندمی نگریست، خطاب به‌فرماندار هرات گفت: متوجه‌هستید که‌تهداب این ساختمان ازهنگامیکه‌من‌هرات‌را ترک دادم تاحدود یک قدبه زمین نشست کرده است ! اگر درآن‌هنگام من ازساختمان گنبد حوض خود داری میورزیدم سرم‌را قطع میکردید و یاهرگاه این گنبدبعدازاعمار فرومی غلطید بازهم‌سر نوشت‌مشابهی درانتظارم می بود، شما از گوش کردن به‌حرف من خود داری کردید و من هم برای نجات جان خودپابه‌فرار نهادم تااینکه فرصت‌آن رسیدتامن‌کارم‌را بدرستی

(۱۹) باید یادآورشدکه‌شاه عباس‌کبیر صفوی از۹۹۶تا ۱۰۳۸هق سلطنت کرده، در حالیکه حوض چارسوق درسال ۱۰۳۵هق ساخته‌شده است. لذا این قسمت‌روایتی که‌فریه ثبت کرده درست‌نمیباشد، زیراحوض چارسوق درعصر شاه صفی (۱۰۳۸-۱۰۵۲هـ ق) نواسه‌شاه عباس کبیر صفوی بنا گردیده است .

به انجام برسانم و اینك برای آن بر گشتم وحاضر شدم تا به کار ساختمان گنبد ادامه بدهم.

بعد از اندکی عذر خواهی ، بنایان معمار سنز بوربه انجام رسید و کار ساختمان آغاز گردید بدینترتیب که حوض پر از کاه گردیده وتا ارتفاع لازم این قالب کاهی بالابرده شده و برروی آن یکی از گنبد های بی نظیر و شکوهمند فن معماری ومهندسی ساخته شد.» (۲۰)

به پندار نگارندهٔ این سطور، شاید عمر حوض چارسوق بدرازای تاریخ شهر کهنه هرات باشد، زیرا از روزگاریکه اساس شهر کهنه هرات نهاده شده، چارسوق به مثابه قلب و سر کز شهر ، از پر ازدحام ترین نقاط شهر بوده است. به ویژه این محل پر نفوس درمنطقه پایان آب شهرهرات موقعیت داشته ودارد . با در نظر داشت این دوخصوصیت میتوان گفت که موجودیت انبار آبی کلان درچنین محلی ازضروریات اهالی آنجا بوده است پس شاید بتوان گفت که اعمار حوض چارسوق درسال ۱۰۴۰ هق بار نخست نبوده بلکه حوض فعلی باید برخرابه های گذشته های دور، مجدداً تعمیر یافته باشد .

طوریکه وضع موجودهٔ حوض چار سوق نشان میدهد، این حوض برساحه تقریباً ۲۵×۲۵ متر به صورت تقریباً مربع شکل از خشت پخته، سنگ ، چونه، گچ وساروج اعمار یافته وساحهٔ داخلی آن ۱۹/۵×۱۹ متر وارتفاع آن از سطح حوض ۱۶/۵ متر است.

گنبد بر که چار سوق که نیم کره یی سی باشد دارای دو بخش ساختمانی است یکی اصل بنای گنبد ودیگری قسمت زیرین پوشش گنبد که به شکل یک گنبد تزئینی توسط خشت پخته ساخته شده است این دو بخش گنبد کاملا باهم متصل اند وخلایی در بین آنها وجود ندارد .

سیستم ساختمان گنبد بر اساس ستك سقفی (Squinch) می باشد *

---

(۲۰) از فصل دوازدهم متن انگلیسی سفر نامه، ص۱۶۲ -۱۷۴- بر گرفته از ترجمه دری متن سفر نامه (ترجمه پوهاند دکتر جلال الدین صدیقی ) منتشره شماره دوم وسوم سال چارم. حمل - سنبله ۱۳۶۲ مجله هرات باستان ،ص ۲۲-۲۴.

* اصطلاحات «ستك سقفی وستك دامنی» در ین رساله با استفاده از یادداشتها و مقاله های محترم انجنیر شکیب سالك انتخاب و بکار گرفته شده است .

که در روزگار تیموریان کمتر معمول بوده است. متکهای سقفی مذکور، چهار ضلعی پلان افتادهٔ گنبد را اولا به هشت ضلعی متساوی الاضلاع و بعد آنرا به دایرهٔ قسمت زیرین گنبد، انکشاف میدهد. بهمین گونه سقفی که بر بالای این هشت ضلعی اعمار گردیده بیک شانزده ضلعی متساوی الاضلاع تحول یافته است.

گنبد حوض چارسوق استوانه یا ساقه ندارد و بلافاصله بروی همین ساحه تحول یافته، استوار می باشد.

این گنبد از نگاه قطر، از کلانترین گنبدهای منطقه به شمار میرود و حتی میشود گفت که گنبد حوض چارسوق از حیث قطر، بعد از گنبد مقبرهٔ او لجایتو در سلطانیهٔ ایران، بزرگترین گنبد منطقه است.

کمانهایی که بر فراز گنبد استوار است از نوع کمان نوک تیز دورهٔ اسلامی (Pointed Arch) به شمار میاید که بیشتر در عصر تیمور یان از آن استفاده شده است.

نظم و ترتیب خشت کاری گنبد از داخل به شکل شعاعی (Parugection) به نظر میرسد که این مطلب را با ملاحظه دقیق نقشهٔ پلان افتادهٔ ساختمان حوض، میتوان دریافت.

وضع موجوده: در سالهای اخیر آنگاه که سیستم آبرسانی عصری با تمدید نل آب مشروب، در شهر هرات عملی شد، حوض چارسوق نیز از آب تخلیه گشت و بدون استفاده باقی ماند.

این بزرگترین بر که سرپوشیده هرات که یکی از آثار و آبدات ارزشمند تاریخی آندیار است از چندین سال به این طرف رو به ویرانی میرفت. فراز رواق بزرگ شمالی و گنبد سقف بی نظیر آن شکست کرده و درز (ترك) برداشته بود.

بر فراز بام آن، غرفه‌ها و اتاقهای شخصی طور خود سرانه ساخته بودند که بر استحکام و متانت سقف بر که صدمهٔ فراوان رسانده بود همچنان بدو جانب آن (در حاشیهٔ بازار خوش و بازار قندهار) دوکانهای ساخته بودند که تاکنون زیبایی و شکوه این آبدهٔ نفیس تاریخی را از انظار ربوده و ساخته است.

پروژهٔ بین المللی آبدات تاریخی هرات که فعلا پلان ترسیم، احیا وبازسازی آبدات تاریخی هرات بر صدر برنامهٔ فرهنگی آن جای دارد ، بادرنظر داشت وضع ناگوار حوض چار سوق وخطر ویرانی‌های بعدی آن ،در اخیر سال ۱۳۶۱ پلان کارترسیم حوض را طرح و سرازشروع سال جاری (۱۳۶۲) ترسیمات آنرا عملا آغاز نموده است .

این ترسیمات،ودر ربع اول سال ۱۳۶۲ ، از رواق بزرگ شمالی برکه آغاز گردید . پایه های بهم پاشیدهٔ دو جناح رواق مذکور مجدداً از خشت تراش و ریگ وچونه ،به سبک اصلی آن ساخته شدوتاق های کوچك وتزئینی دو جناح رواق نیز بصورت فنی خشت کاری وترسیم گردید .

البته پلان کار ترسیم برکهٔ چارسوق به حد کافی وسیع طرح گردیده است تا این آبدهٔ ارزشمند تا ریخی طور یکه شایسته آن است رونق یابد .

مثلادرآینده علاوه بر ترسیم سقف،دیوارها ،زینه ها ،رویکار بیرونی ،رواقها وتخریب غرفه‌های سربام حوض، ساحهٔ چارطرف آن نیزبه اندازهٔدوتا پنج متر از وجود دوکان‌ها وبناهایی که خود سرانه ساخته شده وبر اصالت تاریخی حوض صدمه رسانده ، پاك خواهد شد و بدینگونه این برکهٔ عظیم درصحنی وسیع شکوهمندانه جلوه گر خواهد گشت .

ناگفته نماند که کتیبهٔ منظوم رواق غربی آن که قبلا از آن یاد شد، در حدود پنجاه سال قبل ،هنگام تخریب و توسعهٔ بازارهای سرپوشیدهٔ شهرقدیم هرات به اندرون گنبد گوهرشاد درمصلای‌هرات انتقال داده شده است . البته این کتیبه سرسرین ورنگین و پربها بعدها در محل رواق غربی حوض،به‌همان شکل اصلی آن مجددا نصب خواهد شد .

مزید براین‌ها قرار معلوم -پلان پروژه بین المللی هرات ،در مورد حوض چارسوق چنان است که باحفظ اصالت تاریخی حوض در آینده از آن به حیث نمایشگاه‌و فروشگاه صنایع دستی هرات‌استفاده شود .

## حوض ذوالفقارخان

این حوض تقریبا در وسط محله خواجه عبدالله مصری و در جنوب بغرب مسجد

جامع سکندر جان (۲۱) واقع است که اثری تاریخی به نظر میرسد ولی کتیبه یی ندارد که گویای تاریخ آن باشد .

ولی ظاهراً این حوض بهذوالفقار خان برادراحمد شاه بابای درانی منسوب است که اجداد و خانواده شان دراین محل میزیستند و شاید حوض را ذوالفقار خان درانی حکمران هرات( ۱۱۳۶ - ۱۱۴۴ هـ ق) تعمیر ویا ترمیم کرده باشد .

سقف حوض‌ذوالفقار خان از خشت پخته بگونهٔ ضربی پوشیده شده وایوان مدخل آن نیز از خشت پخته است که به سمت شمال باز میشود . رواق مدخل دارای چهار متر عرض و شش متر ارتفاع می باشد . درسمت جنوب برکه نیز رواقی دیده میشود که فعلا مسدود است .

عمق حوض سه‌متر وبلندی آن از تحت آبدان به شش متر میرسد ، ولی اکنون خالی ازآب است و درآن خاکروبه وکثافات می اندازند. چه درسال های اخیر مانند اکثر حوضهای داخل شهر درکنار آن نل آب آشامیدنی تمدید و فعال گردیده است .

---

(۲۱) مسجدجامع سکندرجان در سال ۱۳۴۲ ش به کوشش حاجی سیدعلی خان تخریب وسراز نوبه شکل عصری وپخته آباد شده که گنجایش پنجصد نمازگزار را دارد .

این مسجدجامع دارای شبستانهای وسیعی می باشد که‌همه‌روی چارستون باخشت پخته پوشیده شده است. در سه‌حاشیهٔ شمالی، جنوبی‌وغربی قسمت‌وسطی‌شبستانها سورهٔ‌مبارکهٔ «سبح اسم ربک الاعلی» به‌خط ثلث‌استاد محمدعلی عطار، توسط گچ بصورت برجسته نگاشته شده ونصب است . درسمت شرقی برفراز کلکین شبستان این کتیبه خوانده میشود :

« بجدیت‌مساعی عالم‌ربانی آقای علم‌الهدی‌سیدحاجی علی‌جان‌کابلی افتتاح این‌مسجد شریف جمعه‌۱۳۴۲جوزا واختتام دراخیرحوت ۱۳۴۳ صورت گرفت.»

در فراز محراب‌مسجد که مقرنس کاری‌عالی دارد، آیه کریمهٔ «فنادته‌الملائکة وهوقایم یصلی فی المحراب» بگچ‌نوشته‌شده، درصحن‌مسجدجامع ، حوضی‌ده‌در دوسر گشاده با چاهی آب، ساخته‌شده‌است .

# در محلهٔ بردرانی ها (ناحیهٔ سوم)

## حوض ملک

درقسمت جنوبغربی قلعهٔ اختیار الدین وبه طرف چپ جاده یی که از پایحصار به دروازهٔ ملک وبراسان سفلی میگردد، سرقعیت دارد که رواق غربی آن متصل است به مسجد نواب . (۲۲)

این برکه تاریخی از چهار سمت دارای چهار رواق بزرگ است . رواق های سمت شمال و جنوب آن که دارای زینه ها است مدخل حوض می باشد .

تاحال رواق شرقی آن بازمی باشدولی رواق غربی که متصل به مسجد نواب است مسدود گردیده است .

درجناح راست رواق جنوبی وجناح چپ رواق شمالی ، دو رواق کوچک کمانی هم گشوده وموجود است .

---

(۲۲) بنا بر کتیبه های تاریخی موجود درمسجد نواب ، بخش جنوبی این مسجد درسال ۱۲۸۲ ه ق درعصر امیرشیرعلیخان اعمار گردیده است چه در فراز شبستانهای جنوبی آن کتیبه یی منظوم به خط نستعلیق بر روی سنگ سر در نصب است که مصرع اخیر آن چنین است «بنای فرامرز چون عرش بین» (۱۲۸۲ ه ق) البته این فرامرز همان فرامرز خان سپهسالار هرات درعصر امیر شیرعلیخان بوده است .

اما به اساس کتیبهٔ دیگری که درسمت غربی مسجد نواب موجود است بخش غربی آن درسال ۱۲۷۴ ه ق درعهد سردار نواب سلطان احمدخان اعمار گردیده است .

این سردار نواب سلطان احمدخان همان سردار سلطان احمد خان زعیم وسپارز ملی بوده که درزمان امیر دوست محمدخان علیه سیاست انگلیس ها در افغانستان مجاهداتی بسیار نمود وچون مخالف سیاست امیردوست محمدخان بود درسال ۱۲۷۲ ه ق توسط امیر به ایران تبعید گردید ولی درسال ۱۲۷۴ ق پس از آنکه هرات از عساکر قاجاری ایران تخلیه شد به هرات آمد وزمام امور را بدست گرفت . او که دختر امیردوست محمد خان را به زنی گرفته بود درسال ۱۲۸۰ ق هنگام مقابله و جنگ با امیر ، درهرات پدرود حیات گفت ودرگازرگاه شریف مدفون گشت .

رک : افغانستان درمسیر تاریخ . میر غلام محمد غبار ( کابل : مؤسسهٔ چاپ کتب مطبعهٔ دولتی ، میزان ۱۳۴۶ ) ص ۵۸۴ و ۵۸۶ و ۵۸۸ .

برکه ملك از آب انبارهای معمولی ده‌درده قدری کلانتر به نظر میرسد عمق آب آن مانند حوض عطارباشی تقریبا چار متروا رتفاع سقف از بالا تا سطح آبدان تقریبا یازده متر می باشد

سقف آن از آجر با صنعتی عالی و بصورت کماندار پوشش یافته است. آبدان آن، برخلاف دیگر برکه‌ها به اندازهٔ دو متر از سطح زمین بلندی دارد. ظاهراً علت آن اینست که در وقت اعمار حوض، زمین جادهٔ جوار حوض و ساحه اطراف آن بلند بوده ولی بعد از آن، خاك برداری صورت گرفته زیرا اصلا سطح دروازه ملك نسبت به جاده دوجانب آن، ارتفاع زیاد داشته که بعد از تخریب در وازه، از تحت آن خاك برداری شده تا حدیکه به سطح دوجانب پایین افتاده و در نتیجه حوض بر بلندی واقع شده است.

از سال اعمار این حوض اطلاعی بدست نیاوردم و فعلا کتیبه یی هم ندارد، ولی وضع ساختمان آن قدامت پنجصد سالهٔ آن را نشان میدهد. حوض ملك بمرور زمان وسالهای زیاد صدماتی فراوان دیده و حال، ضرورت به ترمیم عاجل و اساسی دارد.

## حوض حاجی سرور

درقسمت غربی محلهٔ بردرانی ها ودرسمت جنوب مسجد حاجی سرور مو قعیت دارد که دارای چهار رواق است، طور یکه رواق شمالی آن به صحن مسجد باز میشود و رواق‌های جنوبی، غربی وشرقی آن به مقابل کوچه واقع است.

هر رواق بزرگ در دو جناح خود دو رواق کوچك دارد، طوریکه هر یك از این رواق های کوچك دروسط دو رواق بزرگ واقع است و به این ترتیب، حوض به شکل ساختمانی هشت ضلعی بنا یافته است. سقف گنبدی حوض که بالای هشت رواق پیش گفته اعمار وپوشش یافته مدور وبلند بالا می باشد. زینه هایی که از آنجا آب بر میدارند در رواق شرقی موجود است. عمق برکه به پنج متر میرسد واکنون نیز مخزن آن پر از آب است ومردم محل از آن استفاده می کنند.

به قول اهالی محل، این حوض ومسجد متصل آنرا بدان سبب مسجد وحوض حاجی سرور گویند که مسجد در سال ۱۳۴۲ هق مطابق سال ۱۳۰۲

هش توسط حاجی سرور خان دره گی ، سابق مدیر قند و شکر و از تجار معروف هرات، تعمیر وترمیم اساسی گردیده است .

درفراز تاق مدخل مسجد، کتیبه یی ازسنگ مرمر موجود وچنین است :

| | |
|---|---|
| اللهم صل علی محمد وعلی آل محمد | اللهم صل علی محمد وعلی آل محمد |
| بماند سالها این نظم وترتیب | زما هرزره خاک افتاده جایی |
| عرض نقشیست کز ما باز ماند | که هستی را نمی بینم بقایی |
| مگر صاحبدلی روزی برحمت | کند بر حق این مسکین دعایی |

سنهٔ هجری قمری ۱۳۴۲ سنهٔ هجری شمسی ۱۳۰۲

مگر این حوض کتیبه یی که معرف تاریخ بنای آن باشد ندارد ولی از سبک ساختمان آن میشود گفت که کهن حوضی است بس تاریخی که همزمان با ایجاد مسجد جوارش تعمیر گردیده است .

## حوض اسماعیل قاضی (حوض عطار باشی)

تقریباً به سمت جنوب محلهٔ بردرانی ودر جنوب شرقی مسجد خواجه رخبند (۲۳) برکه یی کلانتر از حوض های معمولی موجود است که درسال ۱۰۷۷ویا۱۰۷۹ هـ ق به همت شخصی بنام حاجی حسین عطار باشی ساخته شده است . چون این حوض بعد توسط خیری «اسماعیل قاضی» نام نیز ترمیم شده بنام حوض اسماعیل قاضی نیز شهرت یافته است . رواق غربی و مدخل آن که مشرف بکوچه است ، چند زینه دارد که مردم از آنجا آب بر میداشتند. عرض رواق های شرقی و غربی آن که هر دو مدخل حوض می باشد به سه متر و بلندی هریك به سه و نیم متر میرسد . در دو جناح رواق شرقی که فعلا پشروی آن به اندازهٔ دومتر دیوار شده دو رواق کوچك وجود دارد .

بزرگتر ین رواق آن درسمت شمال است که تقریباً چهار مترعرض وچهار متر طول و هشت متر ارتفاع دارد . برفراز همین رواق که در مقابل صحن زیارت و مسجد خواجه رخبند بر افراشته است کتیبهٔ منظومی است از شاهی هروی

---

(۲۳) دربارهٔ خواجه قطب الدین محمد بن یوسف رخبند (متوفی ۲۲۰ هق) رك: تعلیقات رسالهٔ مزارات هرات، ص ۲۶-۲۷ .

(۲۴) که در سه حاشیه سه جناح آن بروی سنگ سر سر به قسم دوسطره و برجسته به خط نستعلیق جلی، چنین خوانده شود :

در عهد دولت شهٔ دین پرور آنکه چرخ — بر خاك در گهش ز شرف گشته جبهه سا
شهزاده کامران (۲۵) که غبار کمیت او — در چشم فتح و دیدهٔ اقبال توتیا
عطار با شی آنکه مشام جهانیان — بنموده از شمایم اخلاق عطر سا
صدق و وفا ست شیوهٔ ذاتیش چون پدر — حاجی حسین معتمر کعبهٔ وفا
توفیق یاورش چو ز تقدیر بود ساخت — این بر که ء بدیع به معماری قضا
مأمن وعذب فراتست آب او — گویی ز سلسبیل شده جدولش جدا
هر جرعه اش چو چشمهٔ حیوان حیات بخش — هر قطره اش چو رشحهٔ کوثر فرح فزا
آبش چو آب لعل بتان عذب و خوشگوار — موجش چو عین طره خوبان دلربا
در هر زلال قطرهٔ آبش چو آبینه — روی امید تشنه لبان را هر ا ز صفا
از ازدحام خلق ز عکس صور در آب — هر قطره آب مظهر جام جهان نما
طرح بدیع منظر و تاق و رواق او — هر کس که دید ورد زبان ساخت مرحبا
ایوانش از نقوش عکوس صور کشید — بر نقش چین و صورت ماچین خط خطا
ایوان وسقف و طارم و طاقش پر از عکوس — گویی مظاهر ملکوتیست بر سما

شاهی چو «آب چشمهٔ کوثر» حساب کرد
شد آگه از حقیقت تاریخ این بنا
(۱۰۷۷ یا ۱۰۷۹ هـ ق)

(۲۴) در عصر با یسنقر میرزا شاعری را به تخلص شاهی و به اسم آقا ملک بن جمال الدین از اولاد سربداران می شناسیم که ندیم با یسنقر میرزا بوده و بعد از ۷۲ سال عمر، در استرآباد فوت و در سبزوار دفن گردیده است. (رك: تذکرهٔ آتشکدهٔ آذر، ص ۸۱)

و اما طوریکه شادروان استاد فکری سلجوقی نیز خاطرنشان ساخته اند، شاهی سرایندهٔ قطعهٔ تاریخ اعمار حوض اسماعیل قاضی، بدون شك غیر از امیرشاهی سبزواری شاعر عصر شاهرخ و با یسنقر است...» (رك تعلیقات رساله مزارات هرات، حاشیه ء ص ۲۷).

(۲۵) این شهزاده کامران غیر از شهزاده کامران پسر شاه محمود سدوزایی است. چه حوض در سال ۱۰۷۷ یا ۱۰۷۹ هق اعمار شده در حالیکه شهزاده کامران پسر شاه محمود سدوزایی از سال ۱۲۴۵ تا ۱۲۵۶ هق حکومت کرده است.

سقف بر کـهٔ اسماعیل قاضی از آجر پخته بـه شیوهٔ عالی وهنری بـه قسم کماندار پوشش یافته کهدر اصل دارای دوگنبد به نظر میرسد وگنبد های آن برفراز کمان هایی بزرگ وعالی استوار گردیده است .

عمـق اصلـی آبـدان آن بـه چـار متـر میـرسـد ولـی فعـلا اکثـر وقـت خالی از آب است .

## حوض پایحصار

تا بیست سال قبل در جنوبشرق مسجد بـابـا علی مست ( ۲۶ ) و در شرق مسجد جا مع خر قهٔ مبار که، روبروی قلعهٔ اختیا ر ا لد ین و ا قع درمحلهٔ با ردرا نی ها بر کـه یی سر پوشیده ومعروف وتاریخی وجودداشت کهایوان بزرگ مدخل آن مشرف بود بهمیدانی پایحصاربازار ملک. رواقی کوچک هم ازسمت جنوب داشت کهجر یان وحرکت بادرا ازسمت شمال بهجنوب تأمین می نمود .

درعقب حوض پایحصار شفاخانه یی ملکی بوده که بعدها به قشلهٔ عسکری تبدیل شده بود اکنون درمحل آن قشله، منازل شخصی اعمار گردیدهاست.

حال از آن برکهٔ تاریخی، ساختمان و سقف آن با قیما نده ولی آبدان آن برساخته شده ورواق سمتجنوب آن بستهشده وازساختمان آن بهحیثدوکان کار گرفته میشود.

---

(۲۶) این مسجد درشمال مسجد جامع خرقهٔ مبارکه واقع است کهدر وسط آن مزاری است معروف بهمزار بابا علی مست .

درهیچیک از کتابهای تاریخی «بابا علی مست» معرفی نشده، اما اهلهری آنرا از در اویش معظم ومحترم هرات دانسته اند کهدرزمان حملهٔ چنگیز بدست مهاجمین به شهادت رسیده است .

قبر موصوف در قدیم لوحی نداشت، ولی در عصرامیر حبیب الله بر آن لوحی ساخته ونصب کرده اند . رک : رسالهٔ مزارات هرات قسمت تعلیقات ص ۱۱-۱۳

# در محله مهمندها (ناحیه چارم)

## حوض وزیر

یکی از حوضهای تاریخی و عظیم هرات است که ازنگاه ساختمان وهنر معماری به ویژه هنر سقف پوشی، ارزش صنعتی بسیار دارد. برکهٔ وزیر، درشرق محلهٔ مهمندها یا برج خاکستر (خاك برسر) و درحاشیهٔ غربی بازار قندهار موقعیت دارد. بطرف شمال آن، مسجد ی است و به سمت جنوب آن، دوکانها و درغرب آن کوچه عام واملاك شخصی واقع است.

به استناد کتیبهٔ منظومی که در رواق عالی مدخل (شرقی) آن نصب است این برکهٔ تاریخی در ۹۶۰ هـ ق آباد شده است. کتیبهٔ مذکور به خط عالی نستعلیق بروی قامدانهای سنگ سرمرحکاکی شده وشعراز «نشاطی هروی» شاعر قرن یازدهم هجری هرات است. به استثنا ی فرد پنجم که چند کلمهٔ آن پریده وناخوان گردیده، این کتیبه راچنین میخوانیم:

در زمان شهٔ دین خسرو ثانی عباس
که گرفتاز صفتش کار جهان انجامی
خان جم مرتبه عباسقلی خان که سپهر
روز و شب می طنبد از کرمش انعامی
داد دستور بد ستور خود از روی کرم
که تو هم سعی نما کز تو بماند نامی
آصف سلك محمد به رهٔ کعبه دین
بست از روی توکل چوخضر احرامی
کرد این بقهٔ خیر از روی اخلاص بنا
که در این صفحه از و نیك بماند نامی
دلسربا بسکه . . . . انیداخته است
موج این . . . . . .

تشنه لب بود نشا طی زپی تا ریخش
عقل بر خاست که بر خیز بره زن گا سی
تا لب آب بقا ها د ی را هم شد و گفت
« بی صحا با طلب از سا قی کوثر جا سی »
( ۱۰۶۴ هق )

برکهٔ و زیر در ساحهٔ ۱۷ × ۱۴ متر اعما ر گرد یده طور یکه تحت حوض ۸×۱۲/۵ متر، عمق اعظمی آب ۳۰/۵ متر و ارتفاع گنبد از تحت آبدان ۱۱ متر وارتفاع ساختمان حوض ازسطح زمین ، شش متر می باشد .

این برکه دارای دوروا ق ازسمت شرق وغرب است، روا قغر بی مشرف به کوچهٔ عقبی وروا ق شرقی آن به‌مقا بل با زار قندها رگشوده است، که مدخل حوض بوده‌و دوازده زینه برای برداشتن آب دارد .

ساختمان حوض وزیر به‌شکل هشت‌ضلعی مطولی است که پلان آن بروی محور شرق وغرب متناظر است . سقف آن ا زسه قسمت تشکیل گردیده قسمت وسطی (فرا ز وسطحوض) که ۳/۶۵ متر عرض دارد، توسط کما نی ساخته شد ه که در میانهٔ آن نیز گنبدی کوچک اعما ریافته است . قسمت د یگرا زنیم گنبد ها یی متشکل است که ازیکجا شدن قطعات مختلف ا لشعا ع کره یی تشکیل گردیده است .

درساختمان گنبد فوقانی (فرا زوسط حوض) ازسیستم ساختمانی متک دا منی ( pendentive ) استفاده شده که این نوع ساختمان در روزگار تیموری مروج بوده است . چنانچه استاد قوام الدین معما رمعرو ف آن عصر نیزدربیشتر عما رات صنعتی هرات ، ازاین سیستم کار گرفته است .

کما نها یی که نیم گنبدهای سقف بروی آن استوار است، ما نند حوض چا ر سوق، ازنوع کما نهای نو کدار ( pointed Arch ) است که ویژه ٔ هنر معماری اسلامی بوده است .

روشن دانی که بر فراز سقف برکهٔ وزیر بگونهٔ فنی ساخته شده ابهت وزیبا یی سقف را دوبالا ساخته است .

## حوض نقاشی

برکهٔ نقاشی تقر یباً در جنوب شرق محلهٔ مهمند ها و درشما ل مسجد نقاشی موقعیت دارد .

ساحهٔ عمومی آن ۱۶×۵ امتر وساحهٔ تحت مخزن آن ۸×۸/۵ متر وعمق اعظمی آب آن ۴ متر و ارتفاع گنبد از تحت آبدان ۱۰ متر میباشد که با این ترتیب گنجایش ۲۵۶ متر مکعب آب را دارا بوده می تواند. رواق مدخل زینه دار آن که به سمت شمال باز بوده اکنون مسدود است ورواق دیگر آن از سمت جنوب به صحن مسجد نقاشی، باز میشود.

مسجد نقاشی که در ساحهٔ ۲۷×۳۰ متر بدو بخش زمستانی و تابستانی اعمار گردیده از آنرو بدین نام شهرت یافته که جدارهای مسجد و محراب سنگی و نفیس بیرونی آن، نقوش عالی زیبا دارد و حوض هم که از ملحقات مسجد می باشد به همین نام مسمی گردیده است. ازطرفی درراق غربی حوض که به گوشهٔ شمال غربی مسجد باز میشود نیز تزئینا تی بسان تزئینات مسجد دیده میشود.

در مقابل این رواق، رواقی کوچکتر ازسه رواق دیگر به سمت غربی به مقابل کوچه ساخته شده و این دو رواق غربی و شرقی اصلا برای تنویر، تهویه و سرد ساختن حوض اعمار یافته است. فراز بر که تو سط گنبدی نسبتاً هموار (بسان قسمتی از کره) ازخشت پخته پوشانیده شده که بر روی متکهای سقفی استوار است.

نکتهٔ جالب و قابل توجه یی که در ساختمان بر که نقاشی هست، اینکه چون مقاومت، استحکام و بزرگی پایهٔ سمت شرقی کمتر ازسه سمت دیگر است از اثر فشار واردهٔ گنبد، دیوار شرقی اندکی به بیرون خمیدگی پیدا کرده است ازینرو به اعمار یک دیوار یا ستون استحکامی ضرورت خواهد داشت.

برکهٔ نقاشی کتیبه یی ندارد که بتوان تاریخ دقیق اعمار آنرا دریافت و اگر آنرا بدورهٔ تیموریان نسبت دهیم، تردید از آنجا به میان میآید که خیز یا جست کمانهای گنبد حوض تا حدی بلند و بیشتر از کمان های معمولی روزگار تیموریان به نظر می رسد و این خصوصیت نشان میدهد که حوض نقاشی باید توسط معماران ماهر و فنی عصر تیموریان اعمار یافته باشد.

## حوض کشمیر یها

تقریباً دروسط محلهٔ مهمندها، درجنوب مسجد کشمیر یها، حوضی است بنام حوض کشمیر یها. که البته چون این برکه در گذر معروف کشمیر یها واقع است

بدین نام شهرت یافته است. برکهٔ کشمیریها نیز از جملهٔ حوضهای معروف و قدیمی شهر کهنهٔ هرات است که در سا ختمان آن خشت پخته ،ساروج، گچ و سنگ بکار رفته است و سقف آن گنبدی است عالی از خشت پخته.

## حوض قطب الدین پهلوان

درعصر حسن خان شاملو ،آب انبار سرپوشیدهٔ بزرگی درحاشیهٔ بازار قندهار ودر مقابل حوض چارسوق فعلی به سرپرستی یکی از سپهسالاران سپاه حسن خان شاملو بنام پهلوان قطب الدین ،ساخته شده بوده که اکنون از آن هیچ اثری باقی نمانده است.

این حوض را بعدها زندانی ساخته بودند که بنام زندان حسن خان شهرت یافته بود.

به گفتهٔ روانشاد استاد فکری سلجوقی، در تاق این حوض چنین نگاشته بودند:

پهلوان سپهٔ هیبت شه قطب الدین
آنکه صیت غضبش رفته عرب تا به عجم (۲۷)

شاید این پهلوان قطب الدین ، همان پهلوان قطب الدین باشد که در اعمار حوض پهلوان درمحل کوچهٔ دو دالان (در شرق بازار ملك ) نیز سهم و اهتمام داشته است.

باری برکه پهلوان قطب الدین، توسط میرزا محمد کاظم برنابادی متولد (۱۱۳۸ متوفی ۱۲۰۶ ه ق) (۲۸) بن میرزا ابو الفتح محمد برنابادی ترمیم شده است.

«ناتمام»

---

(۲۷) خیابان ، ص ۵۷.

(۲۸) میرزایان برناباد، مایل هروی، ص ۴۰ (بحوالهٔ ص ۱۳۶ تذکرهٔ میرزا رضا برنابادی ).

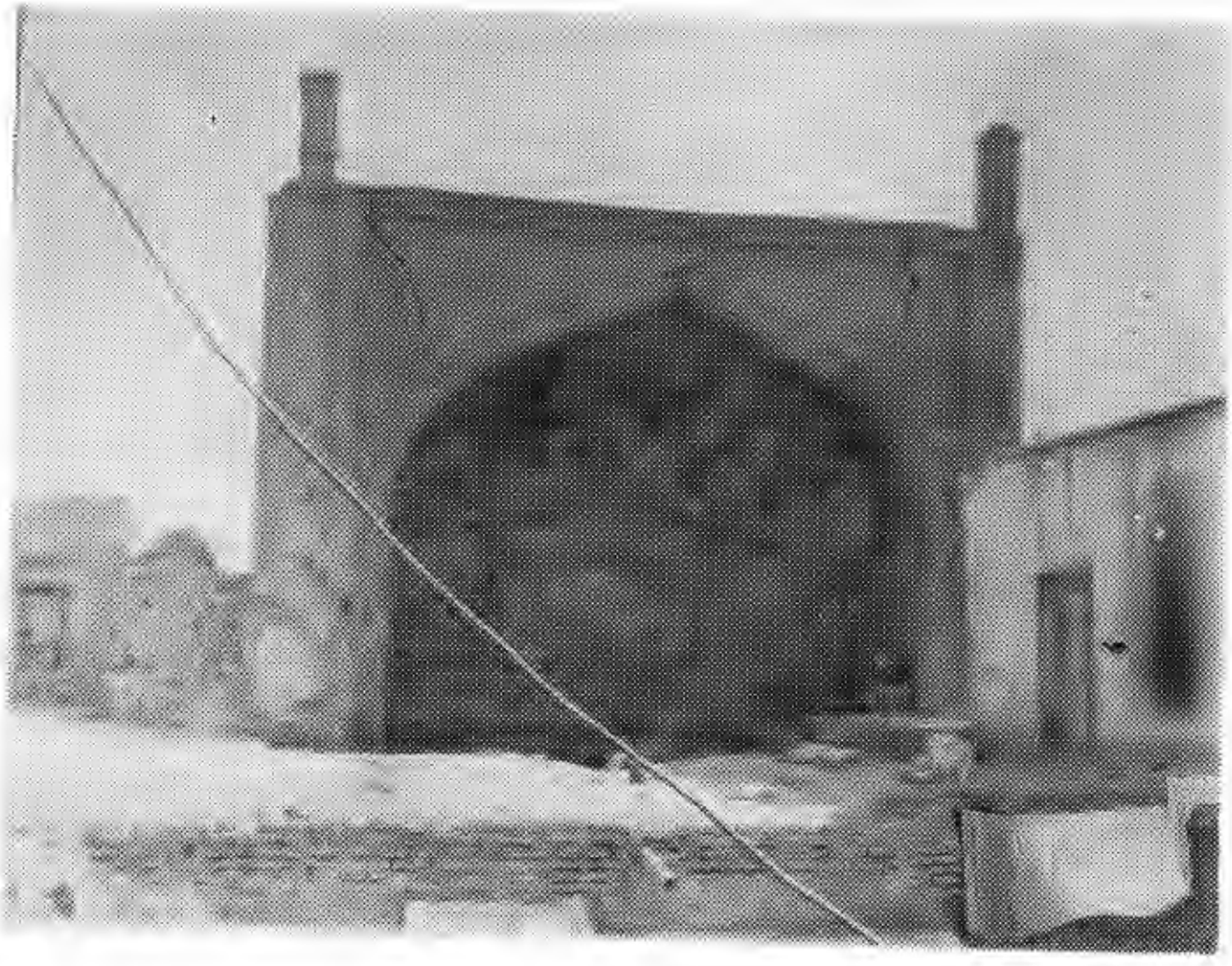

قسمت بالایی رواق سمت شمال حـــوض‌چارسوق درشهرکهنهٔ هرات (قبل ازترمیم‌سال ۱۳۶۳)

نمای داخل حوض چارسوق وزینه‌های مدخل آن در حالیکه از آب خالی است (قبل‌ازترمیمات سال ۱۳۶۳ )

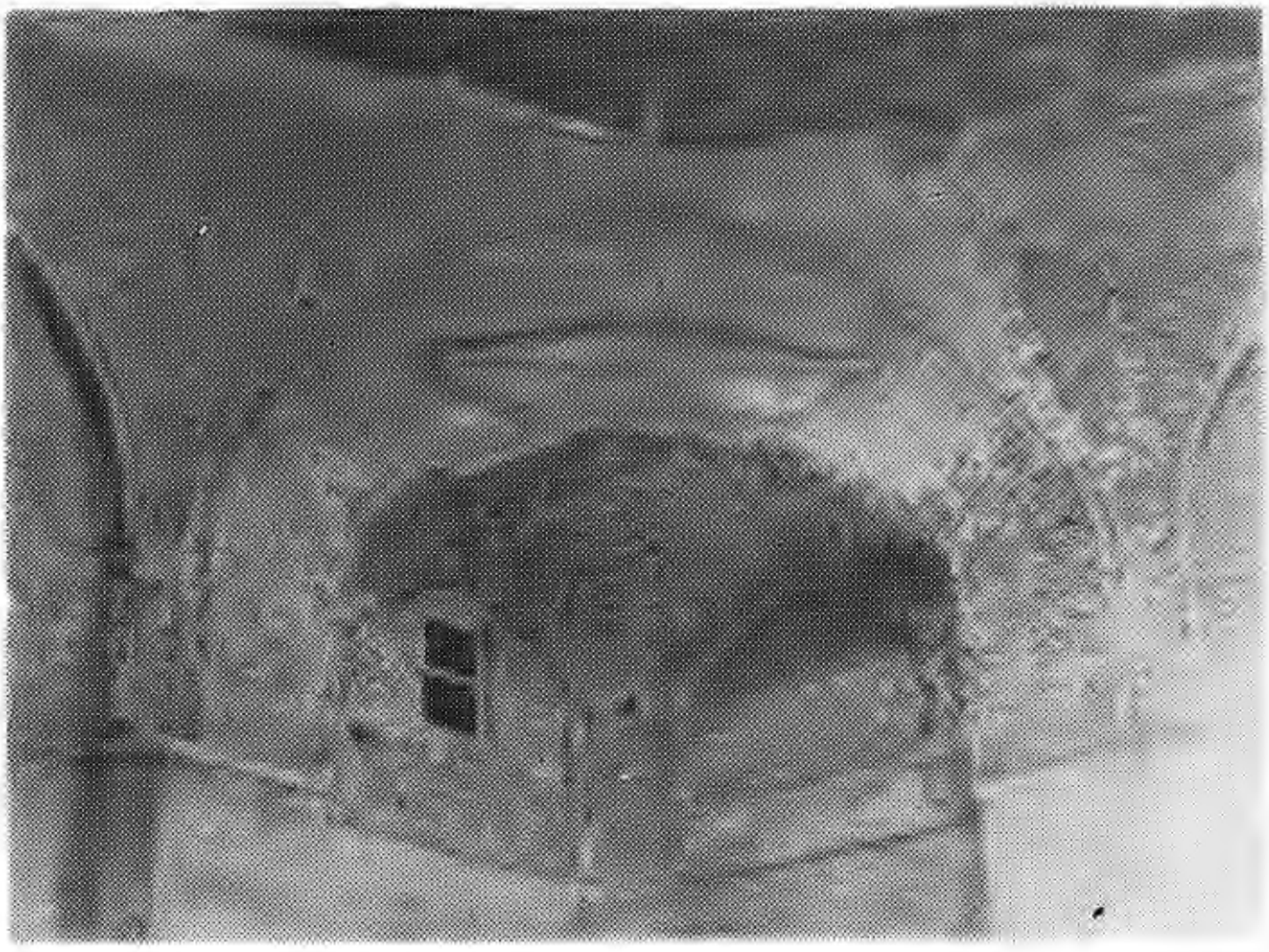

گوشه‌یی از تاقنماها وسقف خشت پوش حوض چارسوق ۰

عقب رواق بزرگ شمالی حوض چارسوق شهر کهنه هرات (قبل‌از
تر میما تیکه از شروع سال ۱۳۶۲ آغاز گردیده )

قسمت غربی رواق بزرگ شمالی حوض چار سوق درجربان تر میم
سه ماه اول سال ۱۳۶۲

منظرهٔ خارجی حوض ملك و دورنمای محله بردرانی (ناحیه سوم) درشهر کهنه هرات.

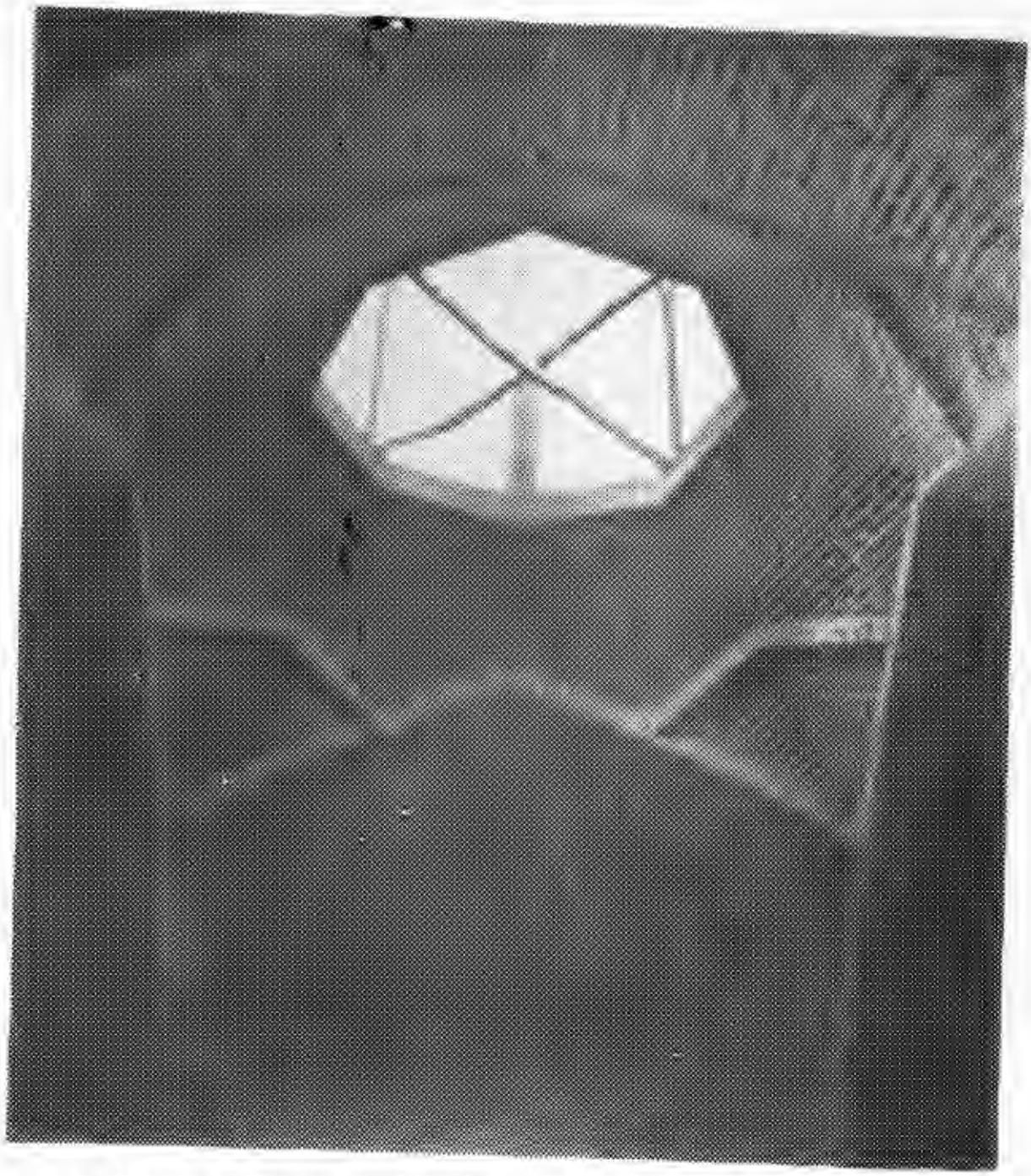

سقف خشت پوش وروشن دانی حوض وزیر در محله برج خاکستر (خاك برس) شهر کهنه هرات.

کلید حوض های شهر کهنه هرات

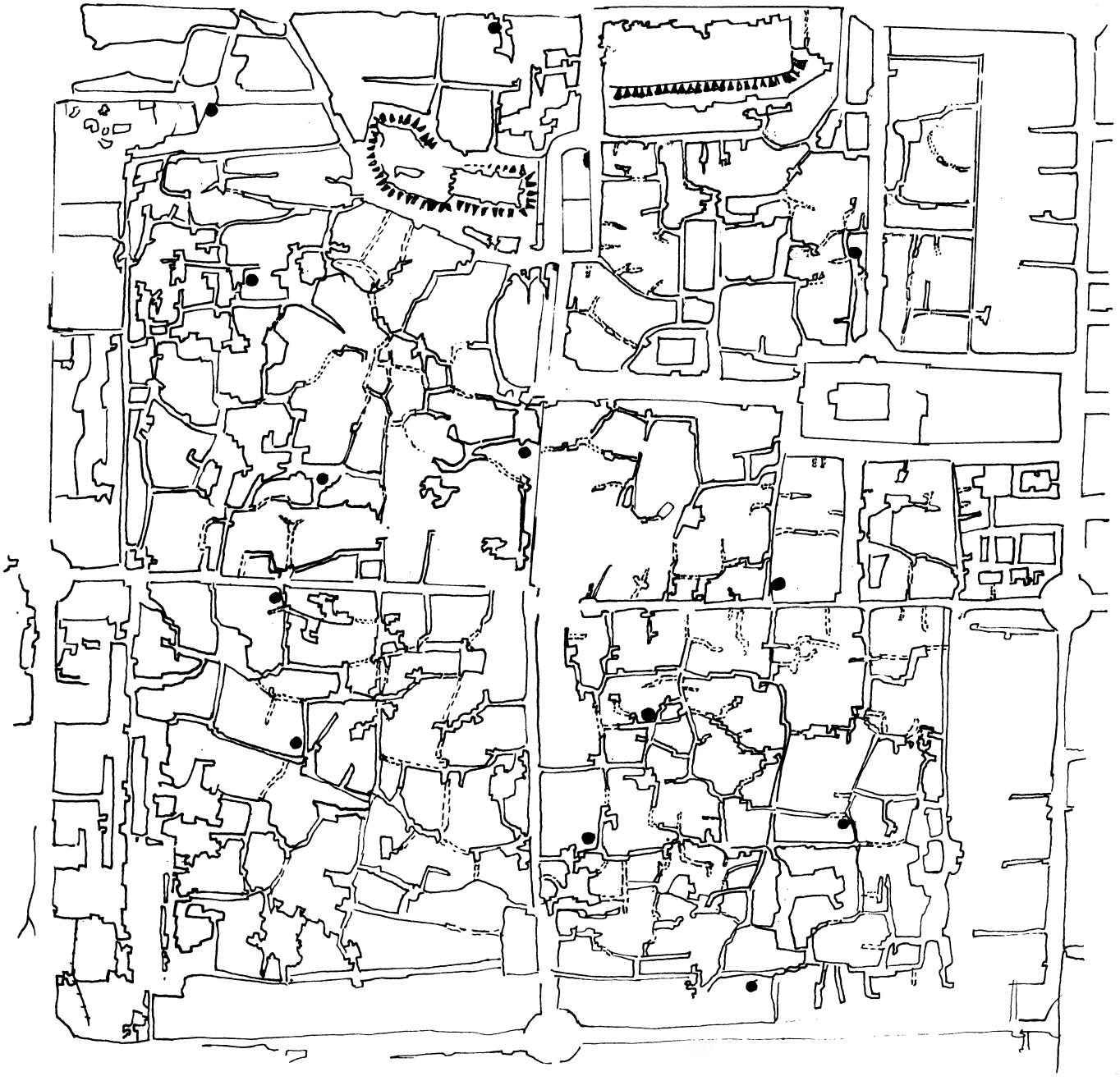

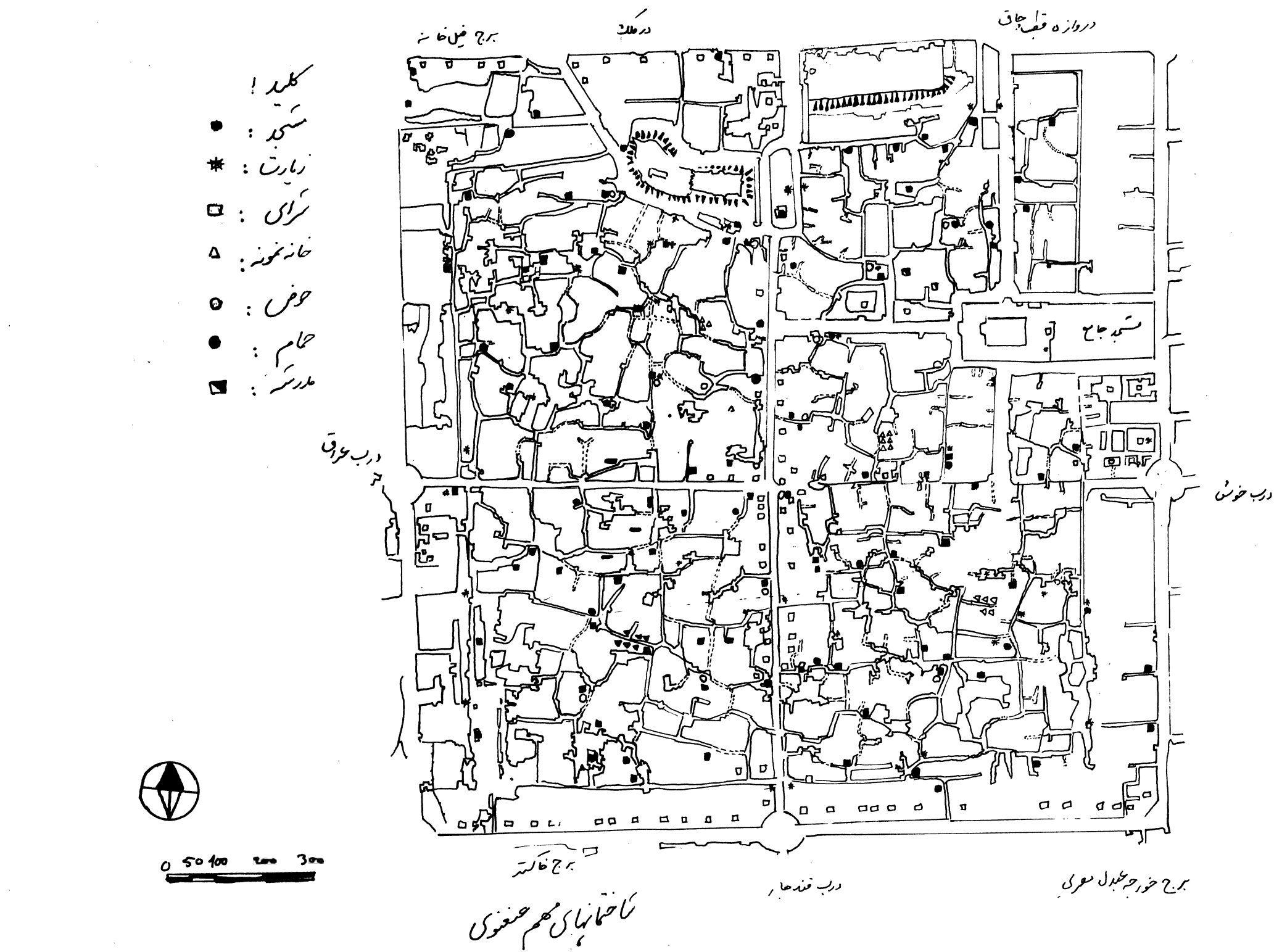
کلید :
مسجد :
زیارت :
سرای :
خانه نمونه :
حوض :
حمام :
مدرسه :
برج فیل خانه
دروازه قصاب چاق
مسجد جامع
درب عراق
درب خوش
برج خاکستر
درب قندهار
برج خورجه عبدال مهری
0 50 100 200 300
ساختمانهای مهم عمومی

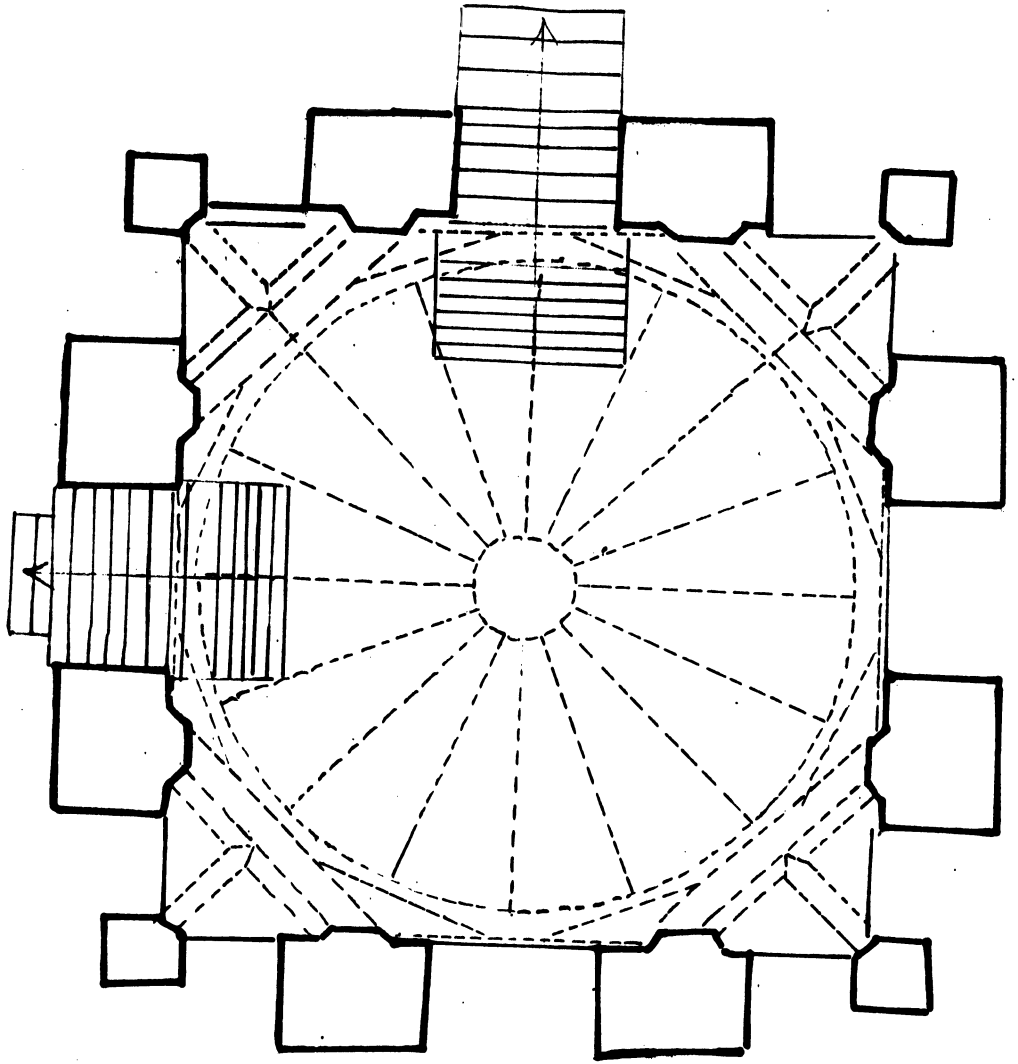

پلان افتاده

حوض چهارستون

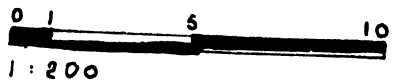

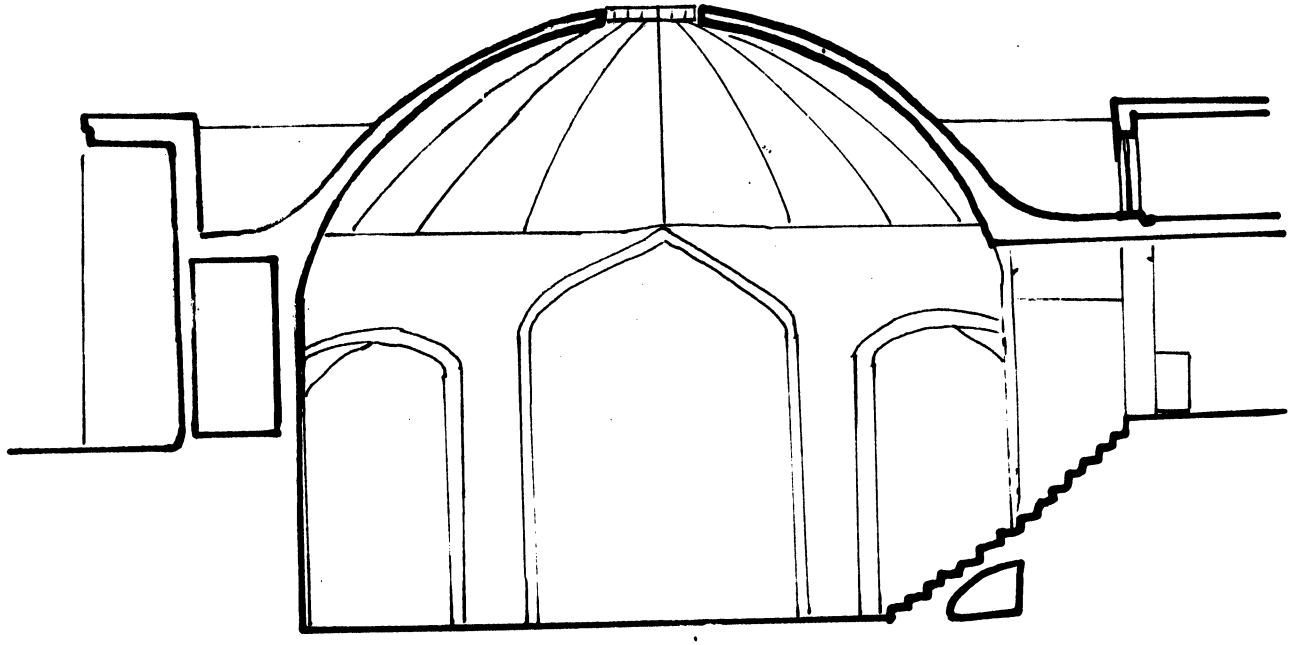

تراش

حوض چهارطاق

0 1 5 10

1 : 200

حوض وزیر

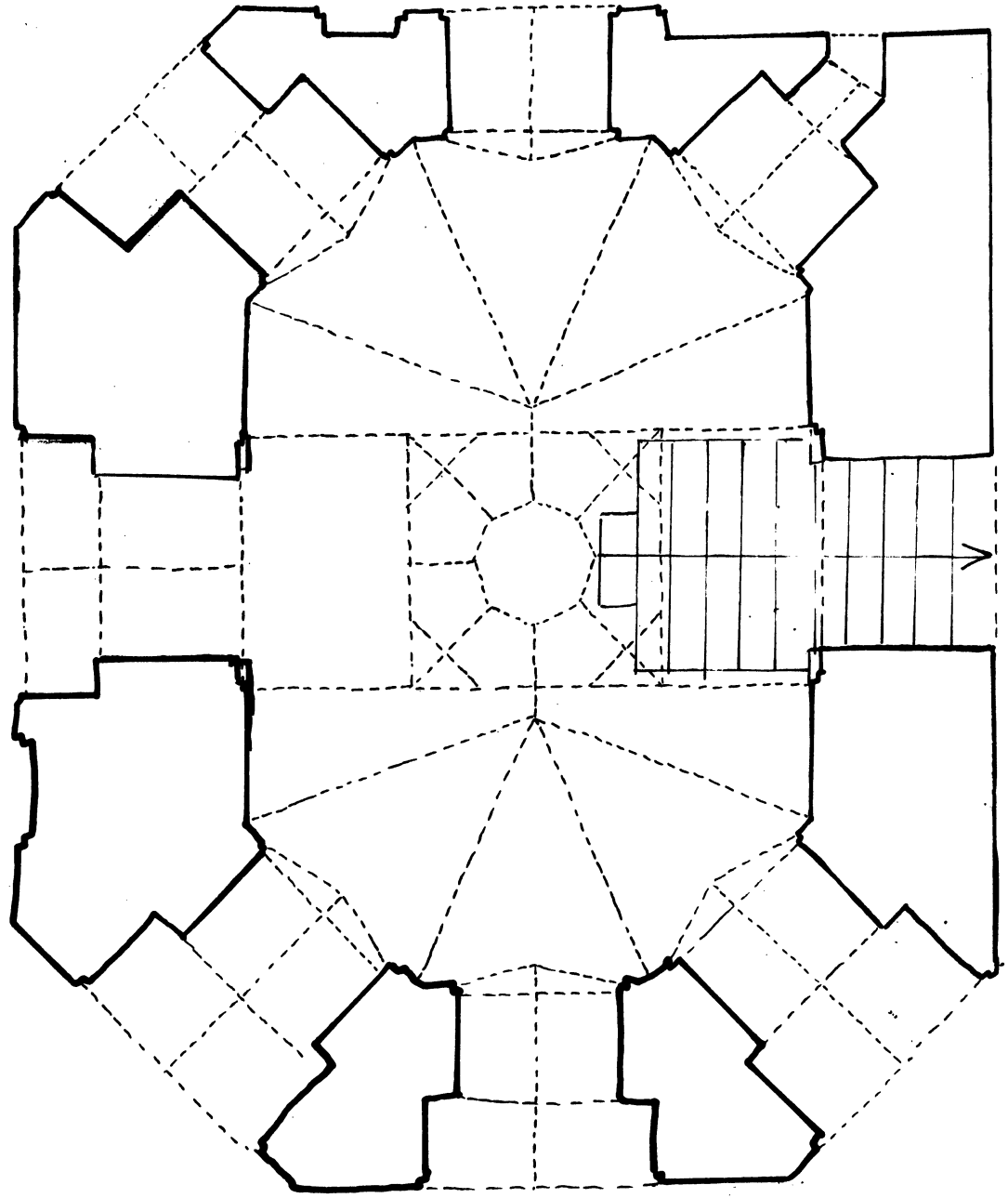

پلان افتاده

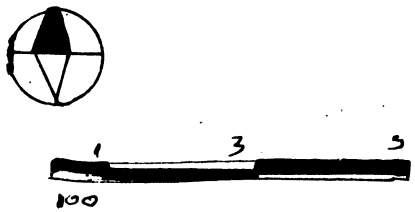

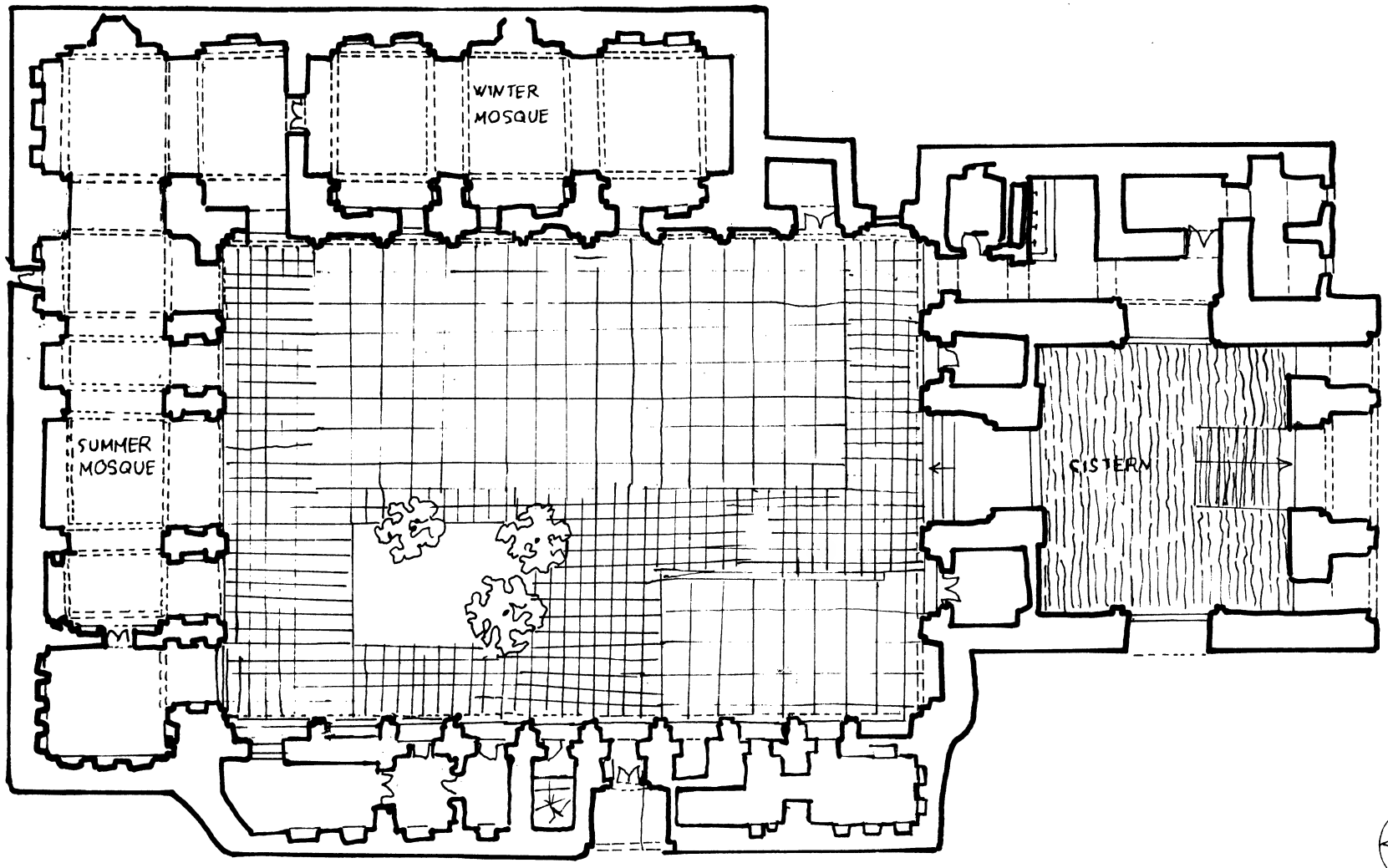


پلان افتاده

مجموع ساختمان مسجد و حوض نقاشی

0 1 5 10
1:200

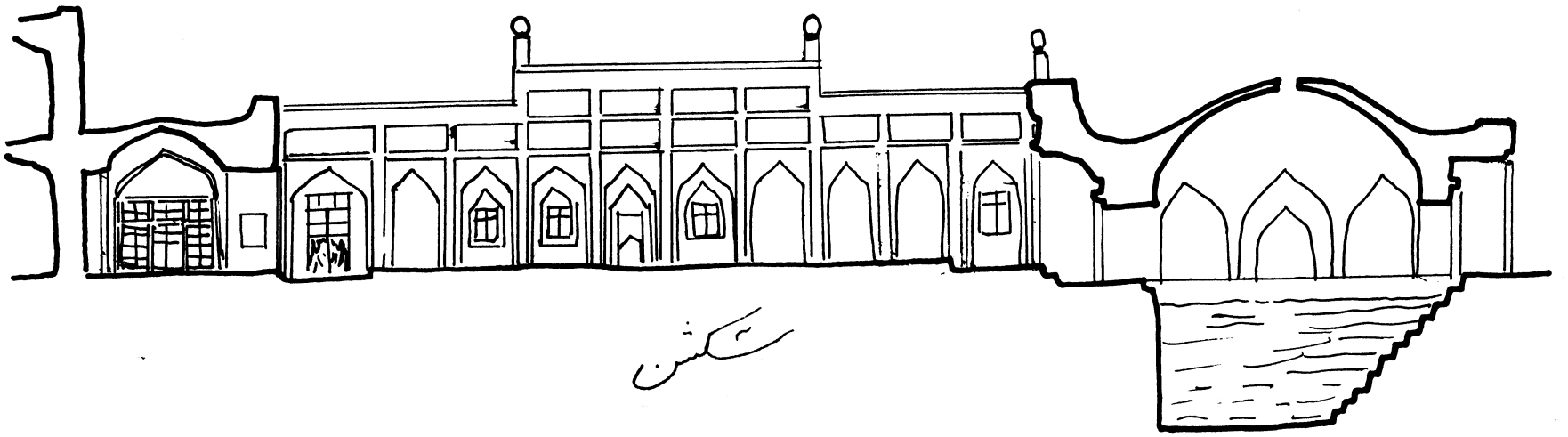

شکش

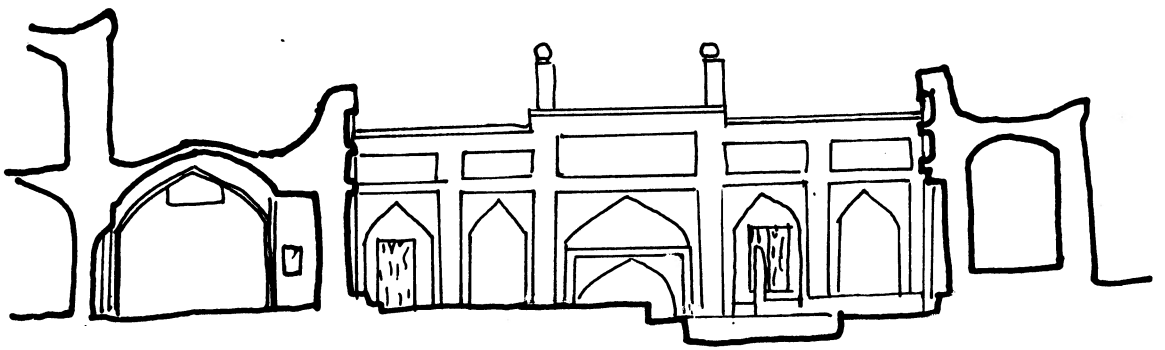

تکش

مسجد تاشی

0 1 5 10

# تدویر کنفرانس علمی
# بر زمینه هنر نقاشی و سیناتوری

نخستین کنفرانس علمی برزمینهٔ هنر نقاشی و سیناتوری، به‌مناسبت بزرگداشت ازمقام‌هنری استاد کمال‌الدین بهزاد ـ هنرمند بی‌همتای‌عصر تیموریان هرات ـ به تاریخ ۲۹ـ۳۰ عقرب۱۳۶۳ ازطرف بخش نقاشی اتحادیه هنرمندان .ج.د.ا در کابل بر گزارشد .

هدف اساسی‌تدویراین کنفرانس‌که درآن مزیدبرنقاشان وطراحان،عده‌یی ازهنرشناسان وپژوهندگان کشور شرکت داشتند ،درقدم‌اول یادکردازشخصیت وهنر والای استادکمال‌الدین بهزادو به درجه دوم ریشه‌یابی مشکلات نقاشان طراحان،مجسمه سازان و سایر دست اندر کاران هنر های ظریف و سمت دهی پسندیده وعلمی شان‌در راه انکشاف وشگوفانی هنرهای اصیل کشور بود.

در جلسهٔ گشایش کنفرانس، بیانیهٔ اساسی توسط محترم استادغوث‌الدین رئیس اتحادیهٔ هنرمندان وگزارش اساسی کار کمیسیون های موظف تدویر کنفرانس توسط محترم همایون‌اعتمادی عضوهیات رئیسهٔ کنفرانس ایراد گردید .

همچنان پیام سکتور فرهنگ کمیتهٔ مرکزی .ح .د . خ. ا به وسیلهٔ محترم فهیم ادا معاون شعبهٔ تبلیغ وترویج کمیتهٔ مرکزی ،پیام‌اکادمی‌علوم .ج.د.ا توسط محترم پوهاندجاوید وپیام‌کمیتهٔ دولتی کلتور به وسیلهٔ محترم قادرآشنا رئیس آن کمیته خوانده شد .

جلسات علمی کنفرانس ، به‌روز های ۲۹و۳۰ عقرب‌در تالار هوتل آریانا با خوانش مقالاتی تحقیقی جریان داشت ودراخیر ، قطعنامهٔ کنفرانس در ۲ ماده توسط منشی کنفرانس محترم احمد شاه بهمنش منشی بخش نقاشی اتحادیهٔ هنرمندان قرائت گردید .

« هرات باستان » برگزاری این خجسته کنفرانس علمی را نیك می ستاید ونتایج مفید و چشمگیر آنرا آرزو میدارد .

# ارگان نشراتی پروژهٔ بین المللی هرات

مدیر مسؤول : مسعود رجایی  همکار علمی : محمد علم غواص

PROPERTY OF ACKU

وجه اشتراک سالانه :

در داخل کشور (۵۰) افغانی. در خارج (۶) دالر

قیمت یک شماره (۱۵) افغانی

پرداخت وجه اشتراک :

حساب واردات دولت، نمبر ۱۰۰۱۶، افغانستان بانک

آدرس :

در کابل : ریاست باستانشناسی و کوشانی. مدیریت ریسرچ و مجلهٔ هرات باستان

در هرات : آمریت پروژهٔ بین المللی هرات .

مطبعه دولتی ـ کابل

ACKU
NA
1492.2
24 ø

PROPERTY OF
AKU
S897

# Herat-e-Bastan

No. 4, Vol. 6, Ser. No. 20, Dec.-March (1984-1985).

**A Quartely Journal of the Research Section of the International Project of Herat Monuments.**

General Directorate of Kushan Studies and the Institute of Archaeology.
Academy of Sciences of Democratic Republic of Afghanistan.

**Editor: Masaud Rajayee**

**Annual Subscription:**

Inside the Country: Afs 50
Outside the Country: $ 6

Price of one issue: Afs 15

**Address:**

In Kabul: Academy of Sciences, Kushan Center.
In Herat: International Project of Herat Monuments.